صبح صادق

۹-۸ پرونده | جمهور ویژه انتخابات ۱۴۰۰

۱۱ روز تا انتخابات

اتحاد شهر

ائتلاف شهروندان در برابر فریب مافیا

انتخاب درست کار درست

ولادت فرخنده کریمه اهل بیت حضرت فاطمه معصومه(س) مبارک باد

هفته‌نامه | سیاسی، فرهنگی و اجتماعی | سال بیست و یکم | شماره ۱۰۰۲ | دوشنبه ۱۷ خرداد ۱۴۰۰ | ۲۶ شوال ۱۴۴۲ | ۷ ژوئن ۲۰۲۱ | ۱۶ صفحه

۲ سرمقاله — علی حیدری — یک تذکر و چند نکته

۶ بازار — میثم مهرپور — ترمیم سرمایه اجتماعی

۱۱ خرد — حمزه عالمی — خطر عقلانیت ابزاری

خطرِ جابه‌جاییِ اولویت‌ها!

۲ نگاه

بازی‌های سیاسی برای جایگزینی مطالبات فرعی به عنوان اولویت‌های اصیل مردم

۳ دیدگاه

امام خامنه‌ای در سی‌ودومین سالروز ارتحال بنیانگذار کبیر انقلاب عنوان کردند

راز ماندگاری همراهی جمهوری و اسلامی

۱۳ فرهنگ

گذری بر نقش هنرمندان و ورزشکاران سرشناس در روزهای انتخاباتی و جهت‌گیری رأی دهندگان

آزموده را دوباره می‌آزمایند؟!

سرمقاله

یک تذکر و چند نکته

علی حیدری
سردبیر

رهبر معظم انقلاب در پایان سخنرانی تلویزیونی خود در سالروز رحلت امام خمینی(ره) که به تبیین «جمهوریت» و «اسلامیت» به‌عنوان دو رکن رکین نظام اختصاص داشت، با اشاره به گزارش‌های غلطی که باعث ظلم و جفا به برخی ثبت‌نام‌کنندگان شد، از دستگاه‌های مسئول خواستند تا در مواردی که گزارش خلاف واقع راجع به فرزند یا خانواده کسی داده شده، جبران صورت گیرد. این تذکر ضروری دینی و انسانی رهبر فرزانه انقلاب بازتاب‌ها و واکنش‌های مختلفی در فضای رسانه‌ای و شبکه‌های اجتماعی داشت که در این میان چند نکته مهم را باید در نظر گرفت؛ ۱ـ رهبر معظم انقلاب در جایگاه یک مرجع دینی و فقیه عادل، باتقوا و پاک‌نیت هرجا که بر اساس ادله کافی به نتیجه برسند که یک امر خلاف واقع و خلاف اخلاق رخ داده و به واسطه آن آبروی یک مؤمن به خطر افتاده، ورود می‌کنند و بدون ملاحظه فرد و جایگاه و برخی مصلحت‌اندیشی‌های رایج، تذکرات لازم را بیان می‌دارند. چرا که در جمهوری اسلامی، اخلاق در بالاترین سطح هرم سیاست‌ورزی و حکمرانی قرار دارد و این خود نشئت گرفته از اسلامیت جمهوری اسلامی است. ۲ـ تذکر امام خامنه‌ای در این سخنرانی، تذکری شرعی و دینی و ناظر بر اعاده حیثیت فرد یا افرادی از ثبت‌نام‌کنندگان در انتخابات بود، نه حکم حکومتی که از فحوای آن ضرورت اعاده احراز صلاحیت افراد برداشت شود؛ چرا که تجربه نشان داده اگر رهبر معظم انقلاب بنا بر حکم حکومتی داشته باشند، در اولین زمان و به‌طور رسمی از این اختیار خود استفاده می‌کنند، نه اینکه در پایان یک سخنرانی مناسبتی به چنین موضوعی بپردازند! از این رو رهبری دستگاه‌های مسئول را به جبران ظلم و جفایی که روا داشته شده موظف کردند، که کاملا بعد شرعی دارد، این مسئله هم صرفا به شورای نگهبان بر نمی‌گردد و شامل دستگاه‌های دیگری نیز می‌شود. ۳ـ نگاهی به سیره رهبری در سال‌های گذشته نشان می‌دهد که چنین تذکری مختص این انتخابات و یا شخص خاصی نیست و به دیدگاه‌ها و جریان‌بندی‌های سیاسی و... مربوط نمی‌شود، چرا که در موارد متعددی نسبت به برخی بی‌اخلاقی‌ها و هتک حرمت‌ها که از سوی افراد و جریان‌های مختلف صورت می‌گرفت، واکنش‌های مشابهی داشتند و تذکرات لازم را داده‌اند. تذکر رهبری درباره اتهامات مطرح شده علیه فرزندان و اطرافیان آقای هاشمی‌رفسنجانی و آقای ناطق‌نوری در جریان مناظره‌های سال ۱۳۸۸ و تذکر جدی نسبت به هتک حرمت رئیس‌جمهور در آبان ماه سال ۱۳۹۹، از جمله این موارد است و اگر در موارد افراد دیگری و در مقاطع دیگری چنین تذکراتی را نداده‌اند، نشان‌دهنده این است که گزارش‌ها از وثاقت کافی برخوردار بوده و خلاف گزارش‌ها اثبات نشده است. ۴ـ اینکه گزارشی مبنای اتهام‌زنی به یک شخص یا خانواده و فرزندان او قرار گیرد و متأسفانه در فضای مجازی به صورت پررنگ به آن پرداخته شود و پس از بررسی‌های بیشتر مشخص شود که آن گزارش غلط بوده، باید به همین مقدار اصلاح و جبران شود. چرا که این به معنای زیر سؤال رفتن کلیت عدم احراز صلاحیت فرد نیست، چون ممکن است ادله و مستندات دیگری باعث این عدم احراز شده باشد که هنوز به قوت خود باقی باشند و با توجه به محدودیت‌های قانونی امکان رسانه‌ای شدن آنها هم وجود نداشته باشد.

خطر جابه‌جایی اولویت‌ها!

بازی‌های سیاسی برای جایگزینی مطالبات فرعی به عنوان اولویت‌های اصیل مردم

سیامک باقری
عضو شورای سیاست‌گذاری صبح صادق

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های کارزار رقابت‌های انتخاباتی، سیاست‌های تبلیغی گروه‌ها و کنشگران سیاسی برای پیروزی در انتخابات است. در این کارزار، آن دسته از جریانات سیاسی که در منطق کنشگری آنها هدف، وسیله را توجیه می‌کند، تلاش می‌کنند با استفاده از هر نوع وسیله‌ای و فارغ از هر نوع اخلاق و تقوای سیاسی، آراء مردم به نفع خود جلب نماید. یکی از بسترها یا میدان‌های راهبردی که مورد آماج این جریانات قرار می‌گیرد، نظام نیازها و خواسته‌های جامعه هدف است. به طور کلی انسان‌ها و جوامع دارای نیازهای واقعی متعددی است. به گونه‌ای که محققان برای این نیازهای واقعی ترتّبی قائل شده‌اند. به طور نمونه سلسله مراتب «مازو» یکی از این نظریه‌ها است که نیازها را به صورت هرمی نمایش داده است. از نظر «مازو» پایین‌ترین سطح هرم از اساسی‌ترین نیازها تشکیل شده است، در حالی که پیچیده‌ترین نیازها در بالای هرم هستند. نیازهای زیستی که در قاعده هرم قرار دارد، عمده فعالیت‌های شخص را تشکیل می‌دهد. بعد از نیازهای امنیتی اعم شغلی، مالی، سلامتی و... است. پس از آن نیازهای اجتماعی، نیاز به احترام و قدردانی و در نهایت نیازهای خودشکوفایی می‌باشد.

در هر صورت آنچه که برای کنشگران سیاسی اهمیت دارد این است که انسان دارای مجموعه از نیازهای واقعی است که نظام نیازها یا خواسته‌های او را تشکیل می‌دهد. از نظر آنها گرچه این نیازها در هر دوره‌ای بر حسب شرایط اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی و دفاعی در اولویت قرار می‌گیرد، اما برای کسب قدرت سیاسی در کارزارهای انتخاباتی اگر آن نیازهای در راستای نظام معنایی و گفتمانی آنها باشد تلاش می‌کنند خود را نماد تحقق آن نیازها نشان دهند و در صورتی که نیازهای اولویت‌دار جامعه به نفع رقیب باشد با توسل به شیوه‌های عملیات روانی و استفاده از همه ابزارهای رسانه‌ای و غیرو اولویت‌های جامعه هدف را جابه‌جا نمایند و چه بسا نیازهای کاذب را به عنوان نیاز واقعی در جامعه تزریق نمایند.

نظام نیازها و آوردگاه انتخابات

جامعه ایران نیز به طور طبیعی دارای نیازها و خواسته‌های مختلفی براساس زیست بوم خود بوده است. باوجود این، این واقعیت را نمی‌توان نادیده گرفت که روند جهان‌سازی و تلاش‌های غرب برای مقابله با جمهوری اسلامی ایران تغییر و تحولاتی را در نظام نیازها و خواسته‌های جامعه ایرانی به وجود آورده است و در حال حاضر با مجموعه‌ای از نیازهای ساخته شده و نامتناسب با فرهنگ و زیست بوم ایران اسلامی و نیازهای اصیل و متعالی روبه‌رو هستیم. این وضعیت سبب شده است تا دو دسته از کنشگران سیاسی با تمرکز بر این نظام نیازها، اغراض و انگیزه‌های سیاسی خود را در جامعه پیگیری نمایند. دسته اول بازیگران سیاسی برون نظام مانند دولت‌های ضد ایران، معاندان و مخالف نظام جمهوری اسلامی ایران هستند و دوم بازیگران و جریانات سیاسی درون نظام، مانند اصلاح‌طلبان و... می‌باشند.

یکی از شرایطی که این دسته از کنشگران و بازیگران سیاسی به عنوان فرصت برای چالش‌گری و مبارزه سیاسی تلقی می‌کنند، انتخابات است. انتخابات به ویژه انتخابات ریاست‌جمهوری در هر دوره‌ای نشان داده است که چگونه این جریانات برای جابه‌جایی اولویت‌های نظام نیازها و خواسته‌های جامعه بازی پیچیده‌ای راه انداخته‌اند.

انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۱۳۷۶ در حالی آغاز شده بود که وضعیت اقتصادی به قدری برای مردم بغرنج بود و نیاز به تغییر وضع موجود را لمس می‌کردند. مردم برای اولین بار بالاترین نرخ تورم تاریخ اقتصادی ایران را در سال ۱۳۷۴ دیدند. تورم حدود ۵۰ درصد و رشد بی‌سابقه قیمت دلار ناشی از تلاش دولت و بانک مرکزی برای آزادسازی نرخ ارز از مهم‌ترین ویژگی‌های این دوران است. از سوی دیگر بی‌توجه‌ای به عدالت اجتماعی و توزیع عادلانه ثروت که به شکاف طبقاتی دامن زده بود و ویژه‌خواری و فساد اقتصادی و مالی رو هم رفته به بروز نارضایتی‌های اجتماعی در شهرهایی مانند مشهد، اراک و اسلام‌شهر شده بود. نرخ ارز نیز در پایان دوره دوم ریاست‌جمهوری هاشمی‌رفسنجانی با یک رشد ۴ برابر به حدود ۴۷۸ تومان رسیده بود. در چنین شرایطی مطالبه اصلی و اولویت‌دار مردم حل مشکل اقتصادی و برخورد با مفاسد اقتصادی و مالی بود، اما بازی‌های انتخاباتی به گونه‌ای رقم خورد که این خواسته اولی با خواسته‌های دیگر تحت عنوان توسعه سیاسی و آزادی‌های ولنگار جابه‌جا شد. در انتخابات ۱۳۸۴ مردم مجددا احساس تغییر وضع موجود پیدا کردند، زیرا طی هشت سال زمامداری این دولت نیز قیمت دلار با رشد ۹۰ درصدی به ۹۰۴ تومان رسید. این فاصله بسیار زیاد، نابه‌سامانی بازار ارز و رانت‌های گسترده ناشی از چند نرخی بودن ارز را هم به همراه داشت. روند رانت‌خواری و فساد و عدم برخورد جدی با آن و بی‌توجهی به عدالت اجتماعی در این دوره نیز به گونه‌ای بود که رهبر معظم انقلاب فرمان هشت ماده‌ای به سران قوا درباره مبارزه با مفاسد اقتصادی و مالی در تاریخ ۱۳۸۰/۲/۱۰ به سران قوا ابلاغ کردند. در هر صورت شرایط حاکم بر دوره دوم خاتمی به طوری رقم خورد که شعارهای اصول گرایان و احمدی‌نژاد نماد آن تغییر تلقی شد؛ یعنی مردم خواستار عدالت اجتماعی و مقابله با فساد و ولنگاری‌های فرهنگی بودند. اما در دوره پایانی دولت احمدی‌نژاد نیز فضای اقتصادی و سیاسی به دلایل مختلفی دچار تلاطم شد و فشارهای اقتصادی ناشی از تحریم‌های فلج‌کننده و افزایش قیمت‌ها، افزایش دلار (به طوریکه در سال ۱۳۹۱، دلار به ۳۱۶۰ تومان رسید) و سایر مسایل، مردم را به این نتیجه رساند که باید وضعیت موجود تغییر کند. واکاوی لایه‌های اصلی این نگرش بیانگر این حقیقت بود که اقشار خاکستری و غیر حزبی جامعه که گفته می‌شود حدود ۷۰ درصد جامعه را تشکیل می‌دهند، خواستار تغییر وضعیت معیشتی و ثبات بازار ارز و اقتصاد و شرایط سیاسی کشور هستند. این اولویت باعث شد تا مردم به دنبال افراد و جریان جدیدی باشند که این وضعیت را حل نماید. گرچه پیروز رقابت انتخاباتی ۱۳۹۲ نسبت به رقیب پراکنده خود فاصله معناداری نداشت. با این وصف، جریان پیروز با ترکیب مطالبه اصلی مردم و با بخشی از مطالبات غیر اصیل و ورود جریانات بیرون از کشور موفق به کسب پیروزی در انتخابات شد.

مطالبه تغییر وضع موجود

اکنون دور پایانی دولت تدبیر و امید است، مجددا شاهد مطالبه تغییر وضع موجود از ناحیه قاطبه مردم هستیم. تمام نظرسنجی‌ها نشان می‌دهد که مردم از این هشت سالی که گذشت احساس خسران می‌کنند. مردم احساس می‌کنند که دولت هیچ یک از وعده‌های خود را عملی نکرده است نه چرخ اقتصاد چرخید و نه چرخ سانتریفیوژ! در عین حال، در این دوره شاهد بالاترین رقم تورم در چهل گذشته بودند. در کنار تورم، رکود نیز اضافه شد. در این راستا بسیاری از کارخانجات تعطیل یا نیمه تعطیل شده و کارگران آنها بیکار و اخراج شدند. ضریب چینی و شکاف فقر و غنا به شدت توسعه یافت. شاخص فلاکت که از مجموع نرخ تورم و بیکاری به دست می‌آید، در سال ۱۳۹۹ به بالاترین رقم خود رسید. دلار ۳۸۰۰ تومانی در آخر دولت احمدی‌نژاد به ۳۰ هزار تومان رسید. بی‌ثباتی قیمت‌ها و گرانی در اکثر اقلام و کالاها ۴۰۰ یا ۵۰۰ برابری شد. افزایش قیمت مسکن، خودرو همه اقلام ضروری و غیر و ضروری مردم در کنار، روند رو به افزایش اختلاس‌ها و بی‌توجهی دولت در انسداد مجاری فسادخیز و سایر مفاسد اقتصادی و مالی و سوء تدبیرها و مدیریت‌ها از یک سوء و فشار حداکثری تحریم‌ها و ورود ویروس کرونا که مزید بر علت بوده، تاب‌آوری مردم را کاهش داد و شرایط بسیار بغرنجی را بر همه اقشار مردم وارد کرد؛ به گونه‌ای که با سوء تدبیر در افزایش قیمت بنزین، جرقه‌ای برای خشم فرو خورده بخشی از اقشار جوان جامعه از وضعیت معیشتی و گرانی‌ها و بیکاری‌ها شد که با سوء استفاده دشمنان انقلاب از آن در حوادث دی ماه ۱۳۹۸ متجلی شد. با این همه، روند اوضاع اقتصادی و سوء مدیریت‌ها به طوری فزاینده شد که گویا برای مردم قابل تحمل نیست و اگر گفته شود دولت فعلی شش ماه دیگر تمدید گردد چه بسا بخشی از مردم دست به اعتراضات خیابانی بزنند.

اولویت‌های واقعی مردم

گرچه جریان ضد انقلاب و دولت متخاصم تلاش دارند به جامعه القاء کنند که وضعیت اقتصادی و گرانی‌های لجام گسیخته و... با مشارکت آنها در انتخابات نیز تأثیری بر تغییر اوضاع ندارد، با وجود این، اکنون واضح است که اولویت‌های واقعی مردم مسائل معیشتی، اقتصادی، اشتغال، تولید، مدیریت کارآمد برای مهار تورم و گرانی‌ها و رکود و مقابله جدی با مفاسد اقتصادی و مالی و... است. همه کارشناسان و نتایج نظرسنجی‌ها نشان می‌دهند که جامعه ایران امیدوار هستند که با تغییر دولت، گشایشی در اوضاع و احوال فردی و جمعی حاصل شود. مرکز افکارسنجی دانشجویان ایران (ایسپا) طی یک پیمایش از ۲۵ تا ۲۸ بهمن ۱۳۹۹ با اندازه نمونه ۱۵۸۳ نفر نشان داد که ۵۵/۱ از پاسخ‌دهندگان، مشارکت مردم را کاملاً یا تا حدی در حل مشکلات کشور مؤثر دانستند. در یک پیمایش دیگر نیز بیش از ۵۰ درصد مردم مشکلات اقتصادی و ناکارآمدی مسئولان را عامل اصلی عدم شرکت در انتخابات دانستند و کمتر از ۲ درصد مسائلی همچون ردصلاحیت‌ها را علت این مسئله اعلام کرده بودند.

جالب‌تر از همه پیمایش ایسپا، پرسش‌شوندگان از میان گزینه‌های «آزادی»، «بهبود روابط با کشورهای خارجی»، «عدالت»، «حمایت از تولید داخلی» و «امنیت در برابر تهاجم خارجی»؛ «عدالت» را اولویت اول انتخاب کردند سپس به ترتیب «حمایت از تولید داخلی» و «بهبود روابط با کشورهای خارجی» «امنیت در برابر تهاجم خارجی» جزو اولویت‌های آنها بوده است و موضوع «آزادی» در اولویت آخر قرار داشت. در یک نظرسنجی دیگر براساس نظرسنجی (الف)، عمده دلیل رأی دادن مردم به کاندیداها به ترتیب گزینه‌هایی همچون «اداره بهتر کشور»، «حل مشکلات اقتصادی»، «افزایش رفاه و آسایش عمومی»، «رفع تحریم‌ها»، «رفع معضل بیکاری» و «بهبود روابط با سایر کشورها» است و گزینه‌ای مانند «مذاکره با آمریکا» در انتهای جدول است.

باوجود این که همه شواهد این دوره از انتخابات مانند دوره‌های انتخابات گذشته، بیانگر اولویت‌های مردم در بهبود وضعیت اقتصادی و اداری و کسب و کار کشور، رفاه و آسایش عمومی و مقابله با مفاسد اقتصادی و مالی... است، چرا آنها به مقصود خود با انتخاب فرد مورد نظر در انتخاب نمی‌رسند؟ این جاست که جو حاکم بر کارزار انتخاباتی که از طریق مدیریت ادراک توسط جریانات سیاسی با رسانه‌های خود ایجاد می‌کنند، نقش تعیین‌کننده پیدا می‌کند.

سناریوی جابه‌جایی اولویت‌ها

در حال حاضر بازیگران سیاسی بیرون از مرزها و داخل کشور اقدامات وسیعی را برای جابه‌جایی اولویت‌ها طراحی کرده و به تناسب شرایط انتخابات به تغییر محاسبات جامعه مبادرت می‌ورزند. اکنون همه دولت‌های متخاصم و ضد انقلاب خارج از کشور و بشی از جریانات سیاسی داخل تلاش می‌کنند که القاء کنند که مطالبات و نیازهای مردم از طریق صندوق‌های رأی تأمین نمی‌شود و عدم مشارکت را در صدر برنامه‌های عملیات روانی خود قرار داده‌اند. این در حالی است که اولویت‌های بر حق مردم، جز با مشارکت گسترده و انتخاب درست رفع شدنی نیست.

اقدام دیگر کنشگران سیاسی بیرونی و داخلی در این دوره از انتخابات جابه‌جایی اولویت‌ها است. این سیاست از طریق رسانه‌ها، فضای مجازی و تبلیغات‌های سیاسی تلاش دارند در کارزار انتخاباتی نیازهای کاذب یا غیر اصیل را با نیازهای واقعی جابه‌جا کنند. چنانکه در انتخابات‌های گذشته شاهد بودیم با طرح مسائلی چون پخش یک موسیقی خاص از رسانه ملی یا اتهام دیوارکشی در خیابان و... اولویت‌های جامعه را دستکاری کرده و جامعه دچار خطای محاسباتی شد. در این دور از انتخابات براساس نظرسنجی‌ها گرچه موضوعاتی مانند آزادی، فضای مجازی و مذاکره با آمریکا جزو اولویت‌های اول محسوب نمی‌شود، اما هراس‌افکنان تلاش دارند که مدل‌های انتخاباتی سال‌های گذشته را مجددا بازتولید کنند. آنها مدتی است که تبلیغ می‌کنند اگر دولتی متفاوت با دولت فعلی سرکار بیاید فشارهای اقتصادی بیشتر شده و احتمال برخوردهای نظامی هم محتمل خواهد بود. یا جریان رسانه‌های این جریانات تلاش می‌کنند با رقیب‌هراسی به گونه‌ای برای بخشی از جامعه القاء کنند که در صورت پیروزی آنها نه تنها مشکلات معیشتی حل نخواهد شد بلکه آزادی‌های آنها نیز مسدود خواهد شد و فیلترینگ بر همه فضای مجازی حاکم خواهد شد. از ترفندهای دیگر جریان رسانه‌ای گروه‌های موصوف رقیب‌هراسی است. در این دور از انتخابات به دلیل وضوح اولویت‌های مردم، همه نامزدها تقریبا شعارهای مشابهی دارند، از این رو، تلاش آنها این است که افکار عمومی در انتخاب نماد حل وضع موجود به اشتباه بیاندازند و این کار به طرق مختلف دارند دنبال می‌کنند یکی از این ترفندها اغراق‌گویی و هراس‌افکنی است. بنابراین، لازم است که همه ما از تجربه‌های گذشته به بهترین وجه استفاده کنیم و بدون این که تحت تأثیر تبلیغات رسانه‌ای جریاناتی که در آزمون اداره کشور مردود شده‌اند، قرار بگیریم، به انتخاب فردی که نماد رفع وضع موجود است و به تعبیر رهبر معظم انقلاب کارنامه‌ای مثبتی در عملکرد مدیریتی خود دارد، مبادرت نماییم.

ذره‌بین

- بازیگران سیاسی بیرون از مرزها و داخل کشور اقدامات وسیعی را برای جابه‌جایی اولویت‌ها طراحی کرده و به تناسب شرایط انتخابات به تغییر محاسبات جامعه مبادرت می‌ورزند
- همه ما از تجربه‌های گذشته به بهترین وجه استفاده کنیم و بدون این که تحت تأثیر تبلیغات رسانه‌ای جریاناتی که در آزمون اداره کشور مردود شده‌اند، قرار بگیریم، به انتخاب فردی که نماد رفع وضع موجود است

امام خامنه‌ای در سی‌ودومین سالروز ارتحال بنیانگذار کبیر انقلاب

راز ماندگاری همراهی جمهوری و اسلامی

امام خامنه‌ای در سالروز عروج ملکوتی امام خمینی(ره) در سخنانی تلویزیونی، ابداع و تحقق نظریه جمهوری اسلامی یعنی تشکیل حکومتی بر مبنای اسلام ناب و متکی بر مردم‌سالاری برخاسته از عمق اسلام را مهم‌ترین ابتکار امام راحل عظیم‌الشأن خواندند و تأکید کردند: «راز پرشکوه ماندگاری جمهوری اسلامی و نظام امام خمینی، با وجود همه پیش‌بینی‌های دشمنان درباره زوال این نظام، همراهی دو کلمه جمهوری و اسلامی یعنی حاکمیت توأمان اسلام و مردم است و از این پس نیز همراهی همین دو کلمه تضمین پیشرفت مستمر خواهد بود.»

رهبر معظم انقلاب با اشاره به اول انقلاب و حجم بی‌سابقه پیش‌بینی‌های مکرر زیاده‌خواهان جهانی مبنی بر نابودی دو ماهه، شش ماهه و یا حداکثر یک ساله جمهوری اسلامی افزودند: «صلابت و قاطعیت امام و پیروزی‌های درخشان ملت در جنگ و مسائل دیگر، این همهمه را کم‌رنگ کرد اما بعد از رحلت امام خمینی، دشمنان و بدخواهان بار دیگر به تکرار آرزوی خود مبنی بر زوال جمهوری اسلامی پرداختند.»

حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای، اعلام رسمی یک حزب فرسوده و پرمدعا در سال ۱۳۶۹، نامه چند سال بعد گروهی از نمایندگان مجلس مبنی بر رو به پایان بودن مهلت جمهوری اسلامی و اعلام علنی برخی مقامات آمریکایی مبنی بر نرسیدن جمهوری اسلامی به چهل سالگی را از نمونه‌های پیش‌گویی‌های غلط برای زوال جمهوری اسلامی بر شمردند و گفتند: «این افراد و گروه‌ها در پیش‌گویی‌های خود، علاوه بر بیان آرزوهای‌شان، به شکست و نابودی انقلاب‌های جهان نیز استناد می‌کردند.»

رهبر حکیم انقلاب افزودند: «حتی در داخل کشور نیز دو نهضت مشروطیت و نهضت ملی چند سال بعد از شکل‌گیری با روی کار آمدن دیکتاتوری کاملاً سیاه رضاخان و استبداد کودتایی، پیچیده و عمیق محمدرضا، شکست خوردند؛ بنابراین پیش‌بینی‌ها درباره نابودی جمهوری اسلامی به این مسائل تاریخی نیز متکی بود.»

امام خامنه‌ای با اشاره به شکست کامل پیش‌گویی‌های دشمنان و اقتدار و پیشرفت و توسعه مستمر جمهوری اسلامی افزودند: « راز پرشکوه و افتخارآمیز ماندگاری نظام امام خمینی، همراهی دو کلمه جمهوری و اسلامی است.»

ایشان، ابداع نظریه جمهوری اسلامی را کار بزرگ امام خمینی خواندند و افزودند: «امام بزرگوار این نظریه را در عرصه نظریات سیاسی بین‌المللی وارد کرد و با قدرت مردم و معرفت بسیار عمیق خود، آن را عینیت بخشید و محقق کرد.»

رهبر معظم انقلاب، شناخت و تسلط جامع امام خمینی بر معارف اسلامی را پشتوانه ایجاد و تحقق نظریه جمهوری اسلامی برشمردند و گفتند: «امام لزوم حاکمیت اسلام و اعتقاد به مردم را از دل اسلام ناب به دست آورده بود و به آنها عمیقاً ایمان داشت.»

ایشان با اشاره به مخالفان سرسخت دو وجه اسلامی و مردمی بودن جمهوری اسلامی افزودند: «بخشی از مخالفان حاکمیت اسلام، سکولارهای غیرمذهبی بوده و معتقدند دین شأنیت تشکیل نظام سیاسی و مدیریت کشور را ندارد و محصور به مسائل فردی و عبادات است، البته عده‌ای از سکولارها هم معتقد بودند دین اصولاً مضر و افیون جامعه است.»

رهبر حکیم انقلاب افزودند: «دسته دیگری از مخالفان حاکمیت اسلام، به دین اعتقاد دارند اما می‌گویند اسلام نباید به سیاست آلوده شود، این افراد در واقع «سکولارهای مذهبی» هستند و به دخالت و حاکمیت دین در شئون زندگی سیاسی، اجتماعی، اعتقادی ندارند.» ایشان، مخالفان مردمی بودن جمهوری اسلامی را نیز دو دسته دانستند و گفتند: «جمعی از این مخالفان، لیبرال‌های سکولار هستند که می‌گویند دموکراسی و مردم‌سالاری را باید لیبرال‌ها و تکنوکرات‌ها ایجاد کنند و این مسئله ربطی به دین ندارد. دسته دوم مخالفان مردم‌سالاری دینی، به دین اعتقاد دارند اما می‌گویند مردم در حاکمیت دینی هیچ کاره‌اند و دین باید بدون اتکا و نقش‌آفرینی مردم حکومت تشکیل دهد که شکل افراطی این نظر، در سال‌های اخیر در شکل‌گیری گروه داعش ظاهر شد.»

حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای حاکمیت دین با اتکا به مردم را یک استنباط و نظریه عالمانه و نه احساسی خواندند و گفتند: «مردم‌سالاری دینی از متن اسلام برخاسته است و هر کس انکار کند، در قرآن مطالعه و تدبر نکرده است.»

ایشان با استناد به آیات مکرر قرآن مبنی بر لزوم اطاعت مردم از رسول‌اکرم(ص) افزودند: «در صدها آیه قرآن زمینه‌های اطاعت مردم از نبی مکرم تشریح شده است که آیات جهاد، اقامه قسط و عدل، اجرای حدود، معاملات اجتماعی- اقتصادی، قراردادهای بین‌المللی و ده‌ها عرصه دیگر از جمله این زمینه‌ها هستند که مجموعه همین زمینه‌ها، به معنای تشکیل حکومت است.

رهبر معظم انقلاب با استناد به احادیث فراوان و سنت رسول اکرم مبنی بر تشکیل حکومت افزودند: «بعد از رحلت پیامبر با وجود اختلاف درباره جانشینی ایشان، احدی از مسلمانان شک نداشت که باید حکومت بر اساس دین و قرآن ادامه یابد.»

ایشان در جمع‌بندی این بخش از سخنانشان تأکید کردند: «بر اساس آیات قرآن مجید و احادیث و سنت پیامبر، اگر کسی به اسلام اعتقاد داشته باشد باید به حاکمیت اسلام هم معتقد باشد.»

حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای بعد از تبیین موضوع حاکمیت اسلام، به موضوع جمهوریت و مردم‌سالاری پرداختند و با تأکید بر اینکه اعتبار رأی مردم مسئله بسیار مهمی است، گفتند: «به این موضوع از دو منظر می‌توان نگریست: ۱ـ از منظر دینی و اعتقادی و در چهارچوب مسئولیت و حق ۲ـ از این منظر که تحقق عملی حاکمیت دین بدون مردم امکان‌پذیر نیست.»

ایشان در خصوص رأی مردم از منظر دینی و اعتقادی افزودند: «در آیات و روایات، آحاد مردم و خواص در قبال سرنوشت جامعه و همچنین جلوگیری از انحراف و بروز شکاف طبقاتی مسئول دانسته شده‌اند و امر به معروف نیز یک وظیفه عمومی شمرده شده که یکی از مهم‌ترین معروف‌ها برپایی حکومت دینی است. همچنین انسان‌ها دارای اراده و حق تعیین سرنوشت هستند که حاکمیت مردم یکی از نمودهای حق تعیین سرنوشت است.»

رهبر حکیم انقلاب به موضوع مردم‌سالاری دینی از منظر نیاز حکومت‌ها به پشتوانه مردمی نیز اشاره کردند و گفتند: «حکومت‌ها بدون پشتوانه مردمی چاره‌ای جز روی آوردن به زور و ظلم نخواهند داشت و از آنجا که در حکومت اسلامی ظلم جایز نیست، تحقق حکومت اسلامی و ادامه آن فقط با پشتوانه مردمی امکان‌پذیر است.»

حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای تأکید کردند: «بنابراین مردم‌سالاری دینی و جمهوری اسلامی یک طرح ناب و خالص دینی است و اینکه برخی می‌گویند امام مردم‌سالاری را از غربی‌ها گرفت، سخنی بی‌مبنا است؛ زیرا امام کسی نبود که به خاطر رودربایستی از حکم خدا منصرف شود.»

ایشان افزودند: «روزی که امام موضوع الزام حجاب در اجتماع را مطرح کردند برخی‌ها از جمله بعضی نزدیکان امام مخالف بودند اما ایشان بطور قاطع، دستور دین را مطرح کردند.»

رهبر فرزانه انقلاب اسلامی تأکید کردند: «امام بزرگوار با انجام این نواندیشی دینی که مبتنی بر معرفت عمیق دینی بود، ملت ایران را که قرن‌ها با استبداد خو گرفته بود، به میدان آورد تا با باور به توانایی‌های خود، کارهای بزرگی همچون ساقط کردن سلطنت چند هزار ساله و ایستادگی در مقابل جنگ هشت ساله و متکی به پشتیبانی همه قدرت‌های بزرگ دنیا را انجام دهند.»

ایشان با تاکید بر اینکه امام دو کلمه «جمهوری» و «اسلامی» یعنی «حاکمیت اسلام» و «حاکمیت مردم» را گره‌گشای همه مشکلات می‌دانستند، افزودند: «هر زمان که مردم به کار گرفته شدند و معیارهای اسلام رعایت شد، پیش رفتیم و هرجا که یکی از این دو رعایت نشد، پیش نرفتیم.»

حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای به یک نمونه اشاره کردند و گفتند: «اگر در اقتصاد، رشد کارگاه‌های کوچک و متوسط یعنی زمینه ورود مردم را به حوزه تولید فراهم کرده بودیم، اکنون وضع اقتصادی بهتر بود.» ایشان افزودند: «بنابراین اگر مسئولان حدود و موازین اسلامی را در مسائل داخلی و خارجی رعایت، و ساز و کار حضور مردم در صحنه را نیز فراهم کنند، مشکلات حل خواهد شد.»

رهبر حکیم انقلاب در ادامه با اشاره به برخی بیانات امام(ره) درباره اسلام و مردم‌سالاری افزودند: «از دیدگاه امام(ره)، اسلام از یک طرف ضد تحجر و التقاط، ضد ظلم، استکبار، فساد و ویژه‌خواری، ضد سلطه آمریکا و دخالت بیگانگان، ضد اشرافی‌گری و اختلاف طبقاتی و از طرف دیگر طرفدار محرومان و عدالتخواه است.»

ایشان همچنین در خصوص دیدگاه امام درباره مردم‌سالاری و انتخابات خاطرنشان کردند: «امام انتخابات را فریضه دینی می‌دانستند و در وصیت‌نامه خود می‌گویند عدم حضور در انتخابات در برخی مقاطع چه بسا گناهی در رأس گناهان کبیره باشد و کوتاهی در مشارکت، پیامدهای دنیوی و حتی تا نسل‌های بعد داشته باشد که مستلزم بازخواست الهی است.» رهبر معظم انقلاب گفتند: «به لطف خداوند بعد از رحلت امام، ملت ایران عطیه الهی مردم‌سالاری دینی را حفظ کرده و در مقابل توطئه دشمنان برای جدایی مردم از نظام و بی‌اعتقاد کردن آنها به اسلام و مردم‌سالاری دینی، محکم ایستاده‌اند.»

حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای افزودند: «متأسفانه برخی با ادبیات مختلف، حرف دشمنان را تکرار می‌کنند. گاهی از لزوم ایدئولوژی‌زدایی و حرکت به سمت لیبرال دموکراسی می‌گویند، گاهی از موضع دلسوزی برای قداست دین وارد می‌شوند و حتی برخی هم می‌گویند ضوابط اسلامی با مردم‌سالاری قابل جمع نیست.»

ایشان تأکید کردند: «کسانی که این سخنان را تکرار می‌کنند، دلسوز ملت ایران نیستند و به دنبال زدن ریشه اسلام هستند.»

رهبر حکیم انقلاب با اشاره به قانون اساسی که در آن، هم جمهوریت و هم اسلامیت در نظر گرفته شده است، گفتند: «در قانون اساسی، از شروط رئیس‌جمهور، رجل سیاسی و مذهبی بودن و حفظ تقوا و امانت است و این بدین معناست که رئیس قوه اجرایی با اقدامات خردمندانه، در سیاست مصلحت مردم را در نظر بگیرد و در میدان اعتقادات نیز دین مردم را هدایت و حفظ کند.»

عکس و مکث

همبستگی جالب مجریان تلویزیون با خبرنگار فلسطینی/ مجریان شبکه‌های تلویزیونی مالزی در همبستگی با خبرنگار فلسطینی که با شلیک نظامیان اسرائیلی بینایی خود را از دست داد با بستن یک چشم خود، برنامه اجرا کردند. رژیم اشغالگر صهیونیستی با حمله به خبرنگاران و زخمی و حتی کشتن آنها، در تلاش است تا اخبار جنایت‌های خود را مخفی نگه دارد.

برخورد بد با پرستاران در فرانسه/ کارمندان بخش بهداشت و درمان فرانسه در اعتراض به شرایط سخت کاری و چالش‌های درآمدی خود دست به تظاهرات زدند. این پرستاران با بستن خیابان‌ها، خواستار افزایش دستمزد خود شدند. فرانسه هنوز با چالش کرونا درگیر است و پرستاران این کشور نسبت به عدم افزایش حقوق خود در طی سالیان گذشته و حتی قبل از کرونا معترض هستند.

راهتان را ادامه می‌دهیم.../ از ۳۷ انتخاباتی که پس از انقلاب اسلامی ایران برگزار شده، ۶ انتخابات در زمان دفاع مقدس بود. خیلی‌ها نمی‌دانند در جبهه‌ها هم صندوق رأی بود و رزمنده‌ها رأی می‌دادند؛ وسط میدان جنگ؛ زیر آتش! اکنون در آستانه انتخابات سیزدهم ریاست‌جمهوری، مردم ایران یکبار دیگر با حاضر شدن پای صندوق‌های رأی، با آرمان شهدا تجدید میثاق خواهند کرد.

واکسیناسیون در همه جا/ اولین نوبت واکسیناسیون کرونا در سال جدید با همکاری گروه‌های سلامت در ییلاقات شهرستان کلیبر استان آذربایجان شرقی انجام شد. واکسیناسیون عمومی در کشور آغاز شده است و حتی دورترین نقاط و صعب‌العبورترین مکان‌ها هم از دید مسئولان پنهان نمانده است و به زودی با وارد چرخه شدن واکسن‌های ایرانی، ان‌شاءالله کرونا در کشور ریشه‌کن خواهد شد.

روزنه

آثار انتخاب دولت قدرتمند در منطقه

رضا قارزی
کارشناس سیاسی

برگزاری انتخابات به عنوان یکی از مؤلفه‌های اثرگذار در آینده سیاسی کشور و به تبع آن بر منطقه، از مهم‌ترین بحث‌های روز سیاسی محسوب می‌شود. به معنی کاربردی‌تر به صورت یک پرسش می‌توان عنوان کرد که با وجود پیش‌بینی قدرت‌گیری جریان انقلابی در ایران در سال ۱۴۰۰ آثار مهم انتخابات ریاست‌جمهور ایران در منطقه چه می‌تواند باشد؟ همیشه استکبار و نظام سلطه از تحرکات جمعیتی، خاصه مسلمانان ترس و نگرانی داشته؛ حضور مردم پای صندوق‌های رأی بازتاب حرکت‌ها مردمی می‌باشد. در لغت‌نامه دهخدا کلمه مشارکت که برگرفته از زبان عربی است به معنای «شراکت و انبازی و بهره‌برداری، شریک بودن و انبازی داشتن» آورده شده است. در ادامه برخی از آثار و تبعات حضور حداکثری و انتخاب اصلح را که نتیجه آن تشکیل دولت قوی جوان و پرتلاش جهادی بر منطقه است، به طور خلاصه برشمرده و مواردی به شرح کشیده می‌شود: ۱ـ پیام ایستادگی و ماندگاری انقلاب اسلامی، ۲ـ آشکار نمودن قدرت سیاسی کشورها بعد از تهدیدها، ۳ـ مؤلفه‌ایی برای تغییر موازنه قوا، ۴ـ نماد مردم‌سالاری دینی شیعی در منطقه، ۵ـ عامل تغییر نگاه اقتصادی دولت‌ها به ایران ۶ـ نشانگر بافت جمعیتی جوان و فعال اثرگذار ،۷ـ برهم زننده محاسبات پوشالی دشمنان و صهیونیسم، ۸ـ از تولید قدرت برای هم‌پیمانان کشور، ۹ـ تقویت جبهه مقاومت شیعی، ۱۰ـ سهیم شدن در قدرت و آینده‌سازی برای اسلام،۱۱ـ لید قدرت ملی ایران، ۱۲ـ مهندسی معکوس راهبرد مهار و فرسایش غرب، ۱۳ـ افزایش توان دیپلماسی، ۱۴ـ انتخاب دولت قوی باعث تغییر موازنه قوا به نفع جبهه مقاومت، ۱۵ـ بازدارندگی بالا، ۱۶ـ افزایش قدرت ملی حضور مردم در انتخابات سرنوشت‌سازترین و با اهمیت‌ترین موضوع در برگزاری انتخابات است و انتخاب اصلح نیز پس از آن از اهمیت بالایی برخوردار است و این حضور آگاهانه قدرت بازدارندگی بالایی برای کشور ایجاد می‌کند. انتخابات، آثار منطقه‌ای و جهانی به دنبال داشته و می‌تواند موقعیت ایران را در جهان و منطقه به عنوان صحنه‌ای از بی‌نظیرترین دمکراسی جهان ارتقاء دهد. ۱۷ـ حرکت درمسیر تحقق دولت‌ها و تمدن اسلامی. انتخابات ریاست‌جمهوری در ایران، اگر به انتخاب رئیس‌جمهور و کابینه قوی و تشکیل فضای اجرایی قوی منتج شود یک فرصت طلایی برای مردم، نظام و کشور به حساب می‌آید. مردم با بهره‌گیری صحیح از این فرصت برای حرکت در مسیر تحقق تمدن اسلامی و آینده خود، کشور، انقلاب و نظام و تشیع را تغییر می‌دهند. انتخاب حقیقی منشأ خیرات و برکات است. تشکیل دولت‌ها و دولت‌سازی می‌تواند از آثار انتخاب قوی و اصلح باشد. ۱۸ـ استمرار دست برتر در برابر مخالفان از تلاش‌های وافر سردار شهیدحاج قاسم سلیمانی، قدرت‌گیری و دست برتر پیدا کردن با تمام توان شیعی و بسیج مردمی بوده است. انتخاب دولت شیعی مقتدر دست برتر یافت شده بعد از تحولات سوریه، لبنان و عراق، یمن را مستمر و ادامه‌دار خواهد کرد. ۱۹ـ گسترش فرهنگ حقیقی اسلامی در منطقه. ۲۰ـ تلاش اقتصادی و مبادلات بین کشورها با انتخاب دولت قوی.

نگاهی به کارنامه اقتصادی دولت اعتدال در گفت‌وگوی صبح صادق با دکتر ساسان شاه‌ویسی

مؤلفه‌های حکمرانی اقتصادی ناکارآمده بوده است

زهرا ظهروند
خبرنگار

معیشت مردم باید از مهم‌ترین اولویت‌های اقتصادی هر دولتی باشد؛ چرا که اگر وضع معیشتی جامعه مناسب باشد، بسیاری از مشکلات دیگر کشور حل می‌شود؛ این در حالی است که معیشت مردم در دولت اعتدال به دلیل نگاه و رویکرد اشتباه تیم اقتصادی آن به بازی‌های سیاسی گره خورده و مردم با مشکلات عدیده‌ای مواجه شده‌اند. در همین زمینه با دکتر ساسان شاه‌ویسی، کارشناس مسائل اقتصادی گفت‌وگو کردیم که در ادامه می‌خوانید:

دولت اعتدال در زمینه اقتصادی چه عملکردی داشته که سبب شده که مردم از نظر معیشت در تنگنا باشند؟

مسئله معیشت به چند عامل برمی‌گردد که در وهله اول بحث اشتغال است و از مهم‌ترین مؤلفه‌های دیگر، سطح درآمد و نسبت بازتوزیع منابع عمومی کشور در سطح آحاد جامعه، خدمات و فعالیت‌هایی که دولت برای این رویکردها صورت داده مثل جریان بخشی به سرمایه‌گذاری‌های عمومی و افزایش نرخ تولید ناخالص ملی که در این موارد باید سیاست‌گذاری‌های مختلف انجام می‌گرفت تا در نهایت جریان توزیع درآمد در سطح کشور منطقی می‌شد. این موضوع خروجی‌های مختلفی دارد، اینکه باید ضریب جینی تحرک منفی پیدا می‌کرد یا سقف تولید ناخالص تحرک مثبت پیدا می‌کرد و جریان انباشت سرمایه، مثبت می‌شد؛ متأسفانه در ارزیابی‌ها دولت یکسری موارد حاشیه‌ای و ایضایی انجام داده، برای نمونه در بحث سیاست‌های یارانه‌ای، هم از قانون عبور کرده و هم اینکه هدف‌گذاری مورد نظر اعمال نشده یا کم اهمیت شده است و در نهایت به آن به منزله یک ابزار سیاسی تا اقتصادی نگاه شد. سیاست‌گذاری‌ها باید منجر به این شود که نرخ تورم، مزمن نشود؛ یک زمان می‌گوییم نرخ تورم یا تورم و یک زمان ابرتورم می‌گوییم که در سال‌های اخیر به خصوص دو سال اخیر با ابرتورم‌ها مواجه هستیم و دولت سعی می‌کند با ابزارهای بخشی و مالی نقطه‌ای، اینطور تعبیر کند که تورم در کشور ما ابرتورم نیست، کما اینکه این نکته نیز بخشی از همان عواملی است که در نهایت سفره معیشت را دچار از دست رفتگی می‌کند. در نرخ تورم که جای بحث نیست و متأسفانه نرخ رشد اقتصادی در متوسط هشت سال گذشته حدود صفر است.

در کنار عواملی که ذکر شد، یکسری‌ها بحث تحریم‌ها را از عوامل اصلی مشکلات معیشتی می‌دانند، لطفا در این باره توضیح دهید.

در کنار این عوامل، ابزارهایی داشتیم که می‌توانست تکانه‌های فشار تحریم را نسبت به سفره معیشت کم اثر کند که این کار انجام نشد؛ برای نمونه حدود شش ماه قبل کالاهای اساسی مانند روغن، کنجاله، دان، نهاده‌های دامی و شکر در گمرک دپو شده بودند که دلیل تأخیر در ترخیص آنها را انتخابات آمریکا می‌دانستند، عمدتاً این اقدامات سیاسی می‌شود و متأسفانه با تأثیرپذیری شدت یافته اقتصاد داخلی ما از روابط سیاسی، سفره معیشت کوچک‌تر می‌شود. با دقت در جریان سرمایه‌گذاری می‌بینیم که در یک دوره‌ای سالیانه بین یک تا یک میلیون و دویست هزار منزل مسکن ولو مسکن مهر ساخته می‌شد که در این روند جریان بزرگی از صد رشته صنعتی و ساختمانی فعال و باعث افزایش نرخ اشتغال می‌شد که در آن ایام گفته می‌شد رشد اقتصادی نداریم، در حالی که اکنون آن دامنه ساخت مسکن که بین ۸۰۰ هزار تا ۱۲ هزار دستگاه بود، به کمتر از ۳۰۰ هزار دستگاه رسیده است که مطمئناً همین تعداد را افراد نیازمند نمی‌سازند و بخشی از جریان سرمایه‌داری بزرگ برای معطل نماندن سرمایه خود، آن را به مدد گرفته است؛ در اینجا متوجه می‌شوید که بر اساس آمارهای رسمی برای اولین بار طی ۴۲ سال بعد از انقلاب و حتی ۷۰ سال که از دامنه نظام برنامه‌ریزی کشور گذشته است، جریان سرمایه‌گذاری به شدت منفی شده و به گزارش سیمای اقتصاد ایران در مرکز پژوهش‌ها حتی به منفی ۶/۹ رسیده است که سرمایه‌گذار باید چند برابر سرمایه‌گذاری کند تا بتوانند رشد با ثبات و پایدار خود را برای ۲ تا ۳ درصد حفظ کند؛ حداقل حدود هفت سال است که کاهش رشد پایدار سرمایه‌گذاری در کشور را حفظ کرده‌ایم که اینها در سفره معیشت مردم اثر می‌گذارد.

روند تولید در دولت اعتدال به چه صورت پیش رفته است و چه تأثیری در رشد اقتصادی و سطح رفاه جامعه داشته است؟

در کنار این مسائل، آنچه برای من تعجب‌آور است، این است که طی سال‌های مختلف گفته شده که از تولید حمایت کنیم و رهبر معظم انقلاب نیز شعارهایی را مؤکداً درباره تولید داده‌اند که حتی از مطالبه هم فراتر رفته است و اینطور می‌توان گفت که بر جریده تاریخ نوشته‌اند ایران دهه پیشرفت و عدالت خود را به تولید گره زده است، اما در این زمینه چه اتفاقی افتاد؟ ما تولید را به اقتصاد مقاوم گره زدیم، اما آیا واقعا مقاوم و تاب‌آور شدیم؟ در حالی که اینطور نیست و یکدفعه می‌بینیم قیمت نان و شکر افزایش پیدا می‌کند. برای نمونه، با اینکه شکر در کشور موجود است و چند ماه قبل با ارز ارزان‌تر به کشور وارد شده، به راحتی قیمت آن را ۷۰ درصد افزایش می‌دهند یا اینکه با وجود طرح‌های فراوان قبل از پیک مصرف برق، برق خیلی از مناطق قطع می‌شود؛ پس چه سرمایه‌گذاری‌ای شده که در محل و موقع بازدهی، به درد مردم نخورده است؟

در کنار آمار تورم از یکسری از آمارهای دیگری مطلع می‌شویم، برای نمونه می گویند صعود رشد اقتصادی و دولت اصرار دارد بگوید که توانسته‌ام رشد اقتصادی را فعال کنم. زمانی که رشد اقتصادی افزایش پیدا کرد و رقم آن ۱۲/۶ بود، به شدت آن را تقبیح می‌کردند؛ برای نمونه این رشد در دولت دهم به حدود منفی ۵/۹ رسید که هر سال افزایش پیدا کرد و به ۶/۹ و ۷/۹ رسید، در حالی که این همه گذشته را تیره و تار کردیم و اقتصاد امروز را این همه زیبا و بهنگام معرفی کردیم، خروجی آن چه بوده است؟ متأسفانه هم در دولت اول و هم در دولت دوم آقای روحانی نرخ متوسط خط فقر در جامعه ما به شدت و هنجارشکن افزایش پیدا کرده است. بر اساس گزارش مؤسسه عالی پژوهش در سازمان تأمین اجتماعی در سه سال گذشته، ۶۰ درصد طبقات فقیر جامعه ایرانی افزایش یافته است؛ در حالی که اگر قبلا می گفتیم ۳/۵ درصد دهک جامعه نسبت به کل جامعه فقر نسبی داریم و باید یارانه مستقیم به آنها پرداخت شود، امروز متأسفانه تا آستانه ۷ دهک از جامعه دچار فقر نسبی شده‌اند و این ۷ دهک، یعنی حدود ۶۰ میلیون نفر از کل جمعیت کشور.

این سؤال مطرح می‌شود که مگر چقدر می‌خواهید یارانه مستقیم بدهید یا حمایت کنید؟ فراموش نکنیم زمانی این اتفاقات افتاده که جریان سرمایه‌گذاری منفی، نرخ رشد اقتصادی منفی، شاخص سرانه درآمد خانوار ایرانی منفی و ضریب جینی به شکل فزاینده‌ای افزایش پیدا کرده است و مسئله‌ای که از آن به نرخ فلاکت یاد می‌کنند نیز به شدت افزایش پیدا کرده است، بیکاری و از دست رفتگی شغل و به عبارتی نرخ بیکاری به شدت افزایش پیدا کرده که بعد از مسئله کرونا شدت آن بیشتر شده است و به دلیل سیاست‌گذاری نامناسب، افراد فعالی که بدون شغل اما جویای کار بودند نیز دچار آزردگی شده‌اند. در این دامنه در سال ۱۳۹۱ بودجه عمومی کشور ۹۲ هزار میلیارد و لایحه تقدیمی در سال ۱۳۹۲، ۱۰۲ هزار میلیارد بوده که بعداً با متمم دولت یازدهم که سر کار آمد، حدود ۶۰ هزار میلیارد نیز به آن اضافه کردند و دولت دهم در پنج ماه ابتدایی سال و تا زمانی که کلید پاستور را تحویل دولت آقای روحانی داد، از بودجه سال ۱۳۹۲ استفاده نکرد، به عبارتی به مدت هفت ماه یک بودجه دوبرابری در اختیار دولت یازدهم قرار داده شد. تا به امروز بودجه‌ریزی کشور نسبت به سال ۱۳۹۰، ۱۰ برابر شده است.

با توجه به افزایش ۱۰ برابری بودجه کشور طی این سال‌ها چرا جریان سرمایه‌گذاری دو برابر نشده است؟

در پاسخ به این پرسش باید گفت، با توجه به این روند چرا نباید جریان سرمایه‌گذاری‌های عمرانی دولت دو برابر شود؟ در حالی که این دولت برای دولت‌های بعدی، بدهی به ارمغان گذاشته است و بدهی‌هایی دولت ۱۱ و ۱۲ به گردن دولت ۱۳ گذاشته می‌شود. مسئله بعد شدت و ضعفی بود که در نحوه توزیع بودجه‌ریزی در کشور اتفاق افتاد و کشور گران اداره شد و گران اداره کردن کشور به آحاد جامعه تحمیل شد و نه تنها سطح معیشت و درآمد مردم کاهش پیدا کرد، بلکه باعث به وجود آمدن یک تورم مزمن بدون افزایش نرخ رشد اقتصادی شد. می‌توان گفت تقریباً با یک دورنمای به شدت پرابهام روبه‌رو هستیم، چراکه سال ۱۳۹۷ حدود ۳۶ هزار میلیارد، سال ۱۳۹۸ حدود ۵۵ هزار میلیارد و سال ۱۳۹۹ حدود ۱۲۰ هزار میلیارد کسری بودجه داشتیم و امسال نیز تا الان حدود ۵۰ درصد بودجه سنواتی که حدود ۵۰۰ هزار میلیارد تومان می‌شود، بودجه کسری دارد. در سال‌هایی که این همه پول در اختیار دولت قرار گرفت و کشور را گران اداره کرد، دستاورد آن فقر نسبی مزمن، از دست رفتگی منابع، عدم تخصیص بهینگی منابع و عدم بهره‌وری یا به عبارتی ناکارآمدی مؤلفه‌های حکمرانی اجرایی در حوزه حداقل اقتصاد اجتماعی بوده است؛ با این حساب به نظر می‌رسد هر کاری که دولت بعدی انجام دهد و دیدگاه‌های خود را مطرح کند، تا پایان سال یک ابهام فراگیر وجود دارد و حداقل یک نرخ ۵۰ درصدی تورم داریم که همه اینها به دلیل چالش‌هایی است که دولت ۱۲ از خود به جای می‌گذارد. دولت ۱۱ و ۱۲ نه تنها فقر مزمن در جامعه ایرانی را تکثیر و نهادیه کرد، بلکه شرایط اصلاح آن را برای دولت‌هایی را که دیدگاه اقتصادی آنها با دولت مستقر در تناقض است، به چالش کشید و چه بسا بسیاری از اقدامات دیگر باید انجام شود تا در بازتوزیع منابع درآمدی کشور مصارف بهینه به شکلی تخصیص داده شود که بتوان حداقل جریان منفی کردن رشد فزاینده نسبی فقر در کشور را کاهش داد.

نوع نگاه دولت اعتدال در دولتی کردن اقتصاد چقدر در بی‌ثباتی اقتصاد نقش داشته است؟

مشخصا وقتی می‌خواهیم درباره عملکرد دولت‌ها صحبت کنیم، در وهله اول باید دیدگاه‌های آنها را بسنجیم؛ تعبیر بنده این است که مهم‌ترین مسئله‌ای که در رویکردهای دولت مستقر داشته‌ایم، نگاه آنها به اقتصاد به آن تصویری که باید از عملکرد شاخص‌های کلان اقتصادی مورد نظر قرار داد، دچار چالش بوده و نکته‌ای که به آن رسیده‌ایم این است که ما در نقشه نظام مسائل اقتصاد ملی ایران، دچار یک تعارض و دو دیدگاه مبهم شده‌ایم؛ یک عده اصرار داشتند دیدگاه‌هایی که در گذشته وجود داشته درست مدیریت و منطقی عمل نکرده، ظرفیت‌ها را شناسایی نکرده و در تخصیص‌ها بهینه عمل نکرده‌اند، لذا کشور دچار یک فقر و نابرابری شده بود که خروجی آن رویش دولت ۹ و ۱۰ شد، اما در دولت ۱۱ و ۱۲ گفتند نگاهی که قبلا به جامعه وجود داشته، نگاه پوپولیستی و پول پاشی بوده و ما آن را اصلاح می‌کنیم. اما در عمل مشاهده کردیم همان نرخ رشد ۷/۶ درصد که در دولت ۹ و ۱۰ اتفاق افتاده بود که آن هم به دلیل هم ظرفیت شدن بنگاه‌های کسب و کار کوچک با یکدیگر بود و توانستند یک ظرفیت بسیار بزرگ در اقتصاد را به وجود آورند، در دولت ۱۱ و ۱۲، کشور از این دست ظرفیت‌ها نیز محروم شد؛ رهبر معظم انقلاب فرمودند: «یکی از مهم‌ترین چالش‌های اقتصاد ایران، دولتی بودن آن است» که متأسفانه دولت ۱۱ و ۱۲ روی اقتصاد دولتی پافشاری کرد. البته اقتصاد ما فقط دولتی نیست و سرمایه‌داری دولتی است، یعنی هم دولتی است و هم تمایل دارد با آن پول به دست آورد که این موضوع تولید رانت می‌کند و باعث خروج منابع از دست آحاد جامعه به طرف عده قلیلی می‌شود که این اتفاق به شکل فزاینده‌ای در دولت ۱۱ و ۱۲ اتفاق افتاد و جریان نرخ نقدینگی در کشور ۱۰ برابر دوره قبل از خود بود؛ فقط طی سال گذشته یک میلیون و ۲۵۰ هزار میلیارد تومان منابع جدید خلق شده که سؤال مطرح می‌شود این منابع کجا رفته، چون به چرخه اقتصاد که برنگشته است تا رشد اقتصادی به وجود بیاورد، بنابراین در اختیار خواص قرار گرفته است، آن هم در شرایطی که با کلی تلاش و وجود همه تحریم‌ها و مشکلات، منابع ارزی جدید تعریف کردیم؛ در حالی که مشخص نیست در اختیار چه افرادی قرار گرفته است. به گزارش دیوان محاسبات ۴۷ درصد آن در مسیر سیاست‌های اقتصادی-اجتماعی قرار نگرفته است؛ به عبارتی وقتی ضرورت داشت که ۲۰ میلیارد دلار یا بنا به تجویز امسال ۸ میلیارد دلار ارز ترجیحی برای ورود کالاهای ضروری اختصاص داده شود تا سفره خانوار گران نشود و قدرت خرید مردم معتدل شود و دسترسی به امنیت غذایی بهبود پیدا کند، نه تنها این کار انجام نشد؛ بلکه ارز تخصیص داده‌شده صرف کالاهایی شد که یا وارد نشد یا اگر هم شد به درستی توزیع نشد، همانند اتفاقاتی که این ایام افتاده است. یکسری مسائل محوری نسبت به اتفاقاتی که دولت صورت داده، وجود دارد که دولت نه تنها سعی نکرده این مسائل را حل کند، بلکه متأسفانه به گره روی گره زدن یا کور کردن گره‌ها کمک کرده است و کشور دچار یک ضعف و بی‌ثباتی در رشد اقتصادی شده است.

یادداشت

اوضاع آمریکا جهان سومی شده است

اکبر معصومی
کارشناس بین‌الملل

پیروزی حداقلی بایدن در انتخابات ۲۰۲۰ ریاست‌جمهوری آمریکا نتوانست فضای داخلی آمریکا را آرام کند. جناح رقیب بایدن هر روز به فکر توطئه‌ای جدید برای باز پس‌گیری قدرت از وی است. در همین راستا مایکل فلین مشاور سابق امنیت ملی دولت ترامپ در یک کنفرانس در تگزاس گفته است: «تصور می‌کنم کودتایی شبیه میانمار باید در ایالات متحده نیز رخ دهد.» یکی از شرکت‌کنندگان حاضر در این کنفرانس از فلین پرسید: «می‌خواهم بدانم چرا کودتایی که در میانمار رخ داد، نمی‌تواند اینجا نیز اتفاق بیفتد؟» فلین نیز در پاسخ گفت: «هیچ دلیلی وجود ندارد. منظورم این است که باید چنین کودتایی در اینجا نیز اتفاق بیفتد.»

جنگ قدرت در آمریکا به اندازه‌ای بالاست که نخبگان امنیتی و سیاسی آمریکا بر خلاف ساختار سیاسی در تلاشند که قدرت در این کشور ۵۰ ایالتی را به‌دست بگیرند. در شرایط فعلی نیز جناح حاکم در کاخ سفید از لحاظ سیاسی دارای وضعیت شکننده‌ای است که این امر دولت را در شرایط داخلی و در عرف بین‌المللی با چالش عدم مقبولیت همراه ساخته است.

دونالد ترامپ رئیس‌جمهور سابق آمریکا که رقیب سرسخت دموکرات‌ها و شخص بایدن است، تمام توان خود را به کار گرفته است تا خود را مجددا به قدرت بکشاند. استیو بنون در ماه فوریه، ایده تکیه ترامپ برای ریاست در مجلس نمایندگان را مطرح کرد، که این موضوع به عنوان طرح جالب از ترامپ نامیده شد. ترامپ در پاسخ به پرسش مجری این برنامه رادیویی که از او درباره پیشنهاد بنون نظر خواسته بود، گفت: «ایده بسیار جالبی است.» وی همچنین یادآور شد که برخی به او رقابت برای کسب کرسی در سنا را پیشنهاد کرده‌اند. ترامپ همچنین چندین بار از احتمال رقابت مجدد در انتخابات ریاست‌جمهوری ۲۰۲۴ آمریکا سخن گفته است.

نشستن ترامپ در کرسی ریاست مجلس نمایندگان در واقع شروعی بر نهادینه‌سازی دوقطبی شدید در آمریکا خواهد بود که یک طرف آن در بین نخبگان سیاسی خواهد بود و طرف دیگر آن را باید در خیابان‌های آمریکا جست‌وجو کرد. بنابراین صحبت از کودتا و یا مطرح شدن ایده استیو بنون در کشوری مطرح می‌شود که قبل آن، چنین مباحثی بیشتر به کشورهای جهان سوم نسبت داده می‌شد.

حال آمریکا با ادعای مهد دموکراسی بودن، شاهد جنگ قدرت به صورت نهان که در نتیجه آمریکا را به سمت سراشیبی هدایت می‌کند. نکته بعدی این است جنگ قدرت و دوقطبی در آمریکا تا اندازه‌ای است که بازیگران بین‌المللی با حالت تردید در حال ارتباط‌گیری با کاخ سفید می‌باشند، موضوعی که بیشتر شبیه آن را در بین کشورهای آفریقایی و افغانستان و لیبی و یمن و... دیده بودیم.

با این روند آمریکا را باید جهان سومی تلقی نمود که دموکراسی در آنجا فقط در کتاب‌ها تدریس خواهد شد و در عمل اوضاع سیاسی چیز دیگری نشان خواهد داد.

دستاورد یک دهه مقاومت

نگاهی به انتخابات ریاست‌جمهوری سوریه و دستاوردهای آن

علی صالحی
کارشناس ارشد مسائل منطقه

انتخابات سوریه و مشارکت گسترده مردم این کشور در روند برگزاری آن، که به تمدید چند ساعته انتخابات نیز منجر شـد، پیروزی بزرگ دیگـری برای محور مقاومت در منطقه غرب آسیا و شکستی مفتضحانه برای دشمنان ملت سوریه و اسـتقلال آنان بود. این رخداد بزرگ نـه تنها ابعاد داخلی مهمی دارد، بلکه جایگاه سوریه را نیز در عرصه بین‌الملل تقویت خواهد کرد تا جایی که می‌توان گفت، کشـور سوریه و نظام آن نسبت به بسیاری از کشورهای منطقه از عربستان گرفته تا امارات و دول حاشیه خلیج‌فارس از مناسبات مردم سالارانه‌تر و پشـتوانه اجتماعی قدرتمندتری برخوردار اسـت که نوید آینده‌ای روشـن برای این کشور را می‌دهد و با وجود کارشکنی بیگانگان سوریه به الگویی مناسب برای سایر ملت‌های عرب تبدیل خواهد شـد؛ از این رو جا دارد به انتخابات اخیر به مثابه نقطه عطفی مهم در تحولات سیاسی و اجتماعی سـوریه به صورتی دقیق و با بررسـی ابعاد مختلف پرداخته شود، بنابراین در ادامه این انتخابات از ابعاد گوناگون تجزیه و تحلیل می‌شـود؛ از جمله شرایط برگزاری انتخابات، چالش‌هایی که کشورهای بیگانه و برخی مخالفان دولت بر سر راه برگزاری انتخابات ایجاد کردنـد و در نهایت فرصت‌های مهمی که این انتخابات در حوزه‌های داخلی و منطقه‌ای برای کشور و ملت سوریه ایجاد کرده است.

الف شرایط برگزاری انتخابات

۱ـ از لحاظ جغرافیایی، وضعیت سـوریه نسبت به سـال ۲۰۱۴، یعنی دوره قبلی انتخابات، تغییرات ویژه‌ای کرده و بسیاری از مناطقی که در سال ۲۰۱۴ در اختیار گروه‌هـای مخالف بود، در اختیار دولت قرار گرفته است. انتخابات در بسیاری از نقاط سوریه به جز ادلب و بخش‌هایی از شرق فرات برگزار و با استقبال گسترده مردم نیز مواجه شد، این در حالی اسـت که اقدامات خرابکارانه جریان‌های معاند از ابتدای آغاز روند انتخابات رخ نشان داد. از مجموع حدود ۱۸ میلیون و ۱۰۷ هزار نفر واجد رأی، نزدیک به ۱۴ میلیون ۲۰۰ هزار نفر در این انتخابات شرکت کردند (حدود ۷۸ درصـد)، که ۹۵ درصد، یعنی حدود ۱۳ میلیون و ۵۰۰ هزار نفر به آقای بشار اسد رأی دادند و عبدالله سلوم عبدالله که از افراد دولتی و دارای سابقه حضور در دولت بود ۱/۵ درصد آرا، یعنی ۲۱۳ هزار رأی به دست آورد و محمود احمد مرعی که از چهره‌های مهم معارض دولت و دبیرکل جبهه دموکراتیک سوریه بود، موفق به کسب ۴۷۰ هزار رأی، یعنی ۳/۳ درصد آرا شد.

۲ـ تحریم‌های شدید اقتصادی سـوریه به ویژه در سال‌های اخیر از سـوی اتحادیه اروپا و آمریکا، از جمله با اجرایی شدن قانون قیصر (سزار) و همچنین اقدامات ضد سـوری ترکیه شرایط سختی در برابر تلاش‌های دولت برای ترغیب مردم به شـرکت در انتخابات فراهم آورده بود.

۳ـ شـرق فرات و مناطق کردی هم از نظر سیاسی و هـم از نظر حضور کشـورهای بیگانه و حضور گروه‌های مسـلح معـارض دولت می‌توانسـت برگزاری انتخابات را بـا پیچیدگی روبه‌رو کند که با تمهیـدات دولت چالش مهمـی در پیش روی انتخابات شکل نگرفت.

۴ـ تلاش‌های برخی کشورها برای لطمه زدن به روند برگزاری انتخابات از جمله آمریکا، اتحادیه اروپا، ترکیه و... کـه اقداماتی از جمله تحریم انتخابات و زیر سؤال بردن مشـروعیت و صحت برگزاری آن را در دستور کار قرار داده بودند و سناریوهایی مانند برگزاری انتخابات جداگانه در شرق فرات و ادلب مطرح شـد یا تلاش شد ضمن رایزنی با گروه‌های کرد و سـاکنان ادلب آنها را از حضور در انتخابات دلسرد کنند و مجموع این شرایط، فشاری بر دولت سـوریه ایجاد کند که انتخابات برگزار نشـود یا با اخلال روبه‌رو شود؛ ولی ایستادگی نظام و حمایت برخی کشورها مانند ایران، روسیه و چین و به ویژه حزب‌الله به برگزاری انتخابات کمک شایانی کرد.

ب چالش‌های پیش رو

۱ـ زیر سؤال بردن مشروعیت انتخابات؛ در نشست آستانه و قطر تلاش شد تا مشروعیت انتخابات با اما و اگرهایی روبه‌رو شود و این باور تبلیغ شود که نظام بشار اسد نتوانسته ساختارهای دموکراتیک را سامان دهد و انتخابات فرمایشی است؛

۲ـ تحـرکات ترکیـه در ادلـب و اقدامات نظامی بـا هدف امنیتی کـردن منطقه و لطمـه به آرامش انتخابات؛

۳ـ سفرهای متعدد مقامات آمریکایی و حتی فرانسوی به مناطق کردنشـین و شرق فرات و تلاش برای سوء استفاده از مسائلی، مانند نارضایتی کردها و جغرافیای ادلب برای کاهش مشارکت مردمی در انتخابات؛

۴ـ تحریم‌های اقتصادی و کاهش ارزش پول ملی و جنگ رسانه‌ای گسترده علیه بشار اسد و تلاش برای سیاه‌نمایی وضعیت کشور سوریه؛

۵ـ کارشکنی در مناطقی مانند قنیطره، درعا و سویدا از جمله با پخش اعلامیه، شب نامه و تهدید رؤسای عشـایر برای عدم همکاری با دولـت در برگزاری انتخابات.

ج اقدامات ایجابی

۱ـ حضور آوارگان در انتخابات؛ به جز آلمان، فرانسه و ترکیه سایر کشورهای میزبان آوارگان سوری اجازه برگـزاری انتخابـات را دادند، از جملـه لبنان که پذیرای بخش اعظمی از آوارگان سـوری است. بر اساس آمار رسمی ۸۰۰ هزار آواره سوری در لبنان ساکن هستند، ولی در حقیقت این آمار یک میلیون و ۶۰۰ هزار نفر اسـت. این انتخابـات در لبنان با حمایت حزب‌الله و میشل عون و با استقبال گسترده سوری‌ها برگزار شد، فیلم‌های مخابره شده حکایت از این استقبال دارد، هرچند گروه‌هایی مانند قوات لبنانی و طرفداران سـمیر جعجع تلاش کردند این رخداد به خوبی پیش نرود و اقدامات خرابکارانه نیز ترتیب دادند که در نهایت ناکام شدند.

۲ـ برنامه اصلی محور مقاومت مشروعیت‌بخشی بـه انتخابات و حل موانع پیـش روی کمیته قانون اساسی بود که در این زمینه اقدامات فراوانی از جمله صحبت با بسـیاری از رؤسـای قبایل و گروه‌های سوری انجام شد.

۲ـ تلاش شد روند نام‌نویسی انتخابات دموکراتیک باشد و مانعی برای نام‌نویسی وجود نداشته باشد، در این راستا ۶۱ نفر، از جمله هفت زن نام‌نویسی کردند و در نهایت سه نفر که یکی از آنها از رؤسای احزاب معارض بود، برای ریاست جمهوری تأیید شدند.

۳ـ حضـور هیئت‌های بین‌المللی بـرای نظارت بر انتخابات؛ هیئت‌های متعددی از کشورهای روسیه، ایران، چین و همچنین از سوی سازمان ملل به صورت فعال بر روند برگزاری انتخابات نظارت کردند.

۴ـ شرایط یکسـانی برای تبلیغات نامزدها فراهم شد؛ چه در زمینه تبلیغات میدانی در سطح شهرهای سوریه و چه در رسانه‌های جمعی، علاوه بر این در حوزه رسـانه و آگاه‌سازی اقدامات فراوانی صورت گرفـت؛ از جملـه از طریق شـبکه‌های المنار و المیادین و اتحادیه رادیو و تلویزیون‌های اسلامی و رسانه‌ها سوری.

د فرصت‌ها

۱ـ بی‌شک مشـارکت ۷۸ درصدی مردم، موضع سیاسـی و پایگاه اجتماعی داخلـی و منطقه‌ای و بین‌المللی نظام و دولت سـوریه و به ویژه شخص بشار اسد را تقویت خواهد کرد.

۲ـ برگزاری انتخابات با حوزه جغرافیایی گسترده که تأییدی بر مشروعیت سیاسی دولت سوریه در اداره کلیه مناطق کشور خواهد بود.

۶ـ زمینه‌سـازی برای تشـکیل گروه‌های مردمی و نهادهای غیر دولتی، مؤسسات مردم هاد و NGOها با هدف تثبیت قدرت نظام سیاسی سوریه.

۷ـ فرصت‌سازی هفت ساله برای جذب گروه‌های معارض به سمت نظام.

۸ـ تقویت گفتمان مقاومت در منطقه و کمک به برخی از اعضای این جبهه برای برون‌رفت از بن‌بست‌های موجود از جمله بن‌بست سیاسی در لبنان.

در آخر باید اشاره کرد که پیروزی سیاسی دولت مستقر در سوریه در کنار تفوق در میدان که در ادامه پیروزی چشمگیر مقاومت مردم فلسطین در برابر رژیم اشغالگر قدس بود، تولید قدرت فزاینده برای این کشورها و محور مقاومت را در پی دارد، بنابراین می‌توان گفت ایـن تحولات و سـایر رخدادهای منطقه حکایت از این موضوع دارد که گفتمان محور مقاومت تنها راه حل مناسب برای رهایی ملت‌ها از سیطره بیگانگان و غلبه بر مشکلات موجود است.

رصد

ارتش صهیونیستی در بحران!

تمرکز آمریکا بر جنگ با چین

روزنامه نیویورک‌تایمز: بودجـه ارتش آمریکا بابـت آموزش نیروهای امنیتی افغانسـتان کمی افزایش داشـته، اما هزینه ایـن وزارتخانه برای انجام عملیات‌های رزمی با کاهش ۲۱ درصدی مواجه شده و به ۱۸/۴ میلیارد دلار رسیده است. بودجه نیروهای مسلح، تغییر تمرکز دولت «جو بایدن» از مبارزه با گروه‌های شورشـی و حرکت به سمت اختصاص منابع برای آمادگی به منظور بروز جنگ‌های متعارف احتمالی با کشـورهای مجهز به کشتی‌ها و هواپیماهای پیشرفته را نشان می‌دهد. چین، در صدر این کشورها قرار دارد.

جاسوسی آمریکا از اروپا!

مرکز رسانه رسمی دانمارک (DR)، افشا کرد که آژانس امنیتی ایالات متحده آمریکا (NSA)، با همکاری واحـد اطلاعات خارجی دانمارک، از طریق کابل‌های ارتباطی این کشـور از مرکل، صدراعظم آلمان و دیگر مقامات ارشـد اروپایی جاسوسی کرده است. آژانس امنیت ملی ایالات متحده از طریق همـکاری اطلاعاتی دانمارک برای جاسوسی از مقامات ارشـد سوئد، نروژ، فرانسه و آلمان از جمله فرانک والتر اشتاین مایر، وزیر خارجه سابق آلمان و پیر اشتین برک، رهبر مخالف سابق آلمان استفاده کرده است.

پایان حضور بی‌حاصل

وبگاه مؤسسـه روابط بین‌الملل هلند: بایدن در تصمیم اخیر خود در حالی که می‌توانسـت همه‌چیز را به یک تاریخ نمادین گره بزند، گزینه عقب‌نشینی مشـروط از افغانسـتان را در پیش گرفت؛ از این رو ادامه حضور در افغانستان پس از این تاریخ، برای بایدن یک خودکشی سیاسی خواهد بود. مقایسه جنگ‌های ویتنام و افغانستان می‌تواند بسیار دقیق باشد. همانند ویتنام، آمریکا دولت ضعیفی را در افغانسـتان تـرک می‌کند که بدون هیچ دسـتاوردی در مقابل یک دشمن ایدئولوژیک قرار گرفته است. با وجود این، مقایسه دیگری هم وجود دارد که به شـرایط افغانستان و تصمیـم بایدن نزدیک‌تر اسـت. وقتـی درباره پیامدهای تاکتیکی تعیین تاریخ دقیق عقب‌نشینی بدون پیش‌شرط صحبت می‌شود، واشنگتن باید از تجربه عراق درس بگیرد. تردیدی وجود ندارد که خروج از افغانستان، زمینه‌ساز معاملات دشوار و بی‌ثبات‌کننـده‌ای خواهد بود و بایـدن باید از شکست‌های تاکتیکی در عراق درس‌های بیشتری یاد می‌گرفت.

رابطه بن سلمان با رئیس جدید موساد

روزنامـه عبری «تایمـز اسـرائیل» از ارتباط مستقیم بن سـلمان و بارنیا گزارش داده که وی قبل از انتصاب به عنوان رئیس موسـاد اسرائیل، به عنوان معاون رئیس موساد مشغول به کار بود. این روزنامه اظهار داشـت، بارنیا در سال ۲۰۲۰ به عربستان سعودی سـفر و با محمدبن‌سلمان ملاقات کـرده اسـت. رئیس جدید موسـاد با هیئت اسرائیلی به سرپرستی «بنیامین نتانیاهو» نخست‌وزیر رژیم صهیونیسـتی در سال ۲۰۲۰ مخفیانه به عربستان سفر کرده است. این روزنامه تأکید کرد، نتانیاهو با هیئتی که شامل بارنیا بود با محمدبن‌سلمان دیدار کرده است.

فروپاشی ارتش صهیونیستی

ژنرال «اسحاق بریک» فرمانده ارشد نیروهای ذخیره ارتش رژیم صهیونیسـتی: اسرائیلی‌ها حقیقت تحقق سـناریوی وحشـت شـرقی را چشیدند که فروپاشـی کامل این نظریه را که در جنگ‌ها می‌توان از طریق نیروی هوایی پیروز شد، مجسم کرد. نیروی زمینی مورد اهمال، غفلت و زوال قرار گرفته و اکنون در آستانه فروپاشی است. در طول جنگ، اسـرائیل فلج شـد و خسارات اقتصـادی میلیارد دلاری دیـد. حماس و جهاد اسلامی ما را مسخره کردند و اسرائیل در توقف روند شـلیک موشـک‌ها و خمپاره‌ها شکست خورد.

یادداشت

کابوس موشک و پهپاد

محمدصادق مصطفوی
کارشناس بین‌الملل

پس از تفوق نیروهای یمنی بر آل سـعود و پیروزی مردم فلسـطین بر ارتش رژیم صهیونیسـتی می‌توان گفـت، آنچه در صدر نگرانی‌هـای نیروهای آمریکایی و متحدان‌شـان قرار گرفته، توان موشکی و پهپادی خاص این گروه‌هاست.

اظهارات ژنرال مـک کنزی، فرمانده عالی نیروهای آمریکایی در غرب آسیا و اعلام این نگرانی به صورت ویژه پیرامون سطح فناوری هواپیماهای بدون سرنشین و موشـک‌هایی کـه در اختیـار محور مقاومت قرار دارد و افزایش اسـتفاده از آنها برای ضربه زدن به منافع اشـغالگران به این امر بر می‌گـردد تا جایی که وی از این نگرانی با عنوان «خطر ویژه» یاد کرده است که می‌تواند ضمن هزینه زیادی که برای شکسـت محور مقاومت پرداخت می‌شود، در نهایت به پیروزی حامیان این گفتمان منتهی شود.

درباره مزیت‌های ایـن راهبرد جدید مقاومت بایـد به چند نکتـه مهم توجه داشت که مقابله با این تسلیحات را برای دشمنان به کابوسی وحشتناک مبدل کرده است:

ـ هزینه کم و سرعت تولید بالای این قبیل تسلیحات؛

ـ استفاده سـاده و تاکتیکی و سهولت در آموزش کاربران؛

ـ سـرعت بالای درگیری کـه گاهی به غافلگیری نیروهای دشـمن و عدم توان مقابله مناسب می‌انجامد؛

ـ ردیابـی سـخت و گاهـی ناممکـن تسلیحات موشکی و پهپادی؛

ـ قابلیت‌هـای متنوع به ویژه در اسـتفاده از پهپادها، از جمله عملیات شناسـایی، تهاجمی، انتحاری و... ؛

ـ هزینه بالا و چند برابری درگیر شـدن با آنها تا جایی که در بسیاری از موارد هزینه درگیری بسیار بیشتر از عدم برخورد با این تسلیحات است؛

ـ توان ضربه‌زنی بسیار بالا و در عمق؛

ـ تضعیف شدید روحیه نیروها در مواجهه با این تسلیحات.

ارزش این تسـلیحات برای نیروهای مقاومت تا جایی است که عالی‌ترین سران جبهه استکبار نتوانسـته‌اند نگرانی‌های خود را از تجهیـز مقاومت به این ابزارها بپوشانند؛ از جمله سـران اتحادیه اروپا و آمریـکا به ویژه بایدن پس از شکسـت رژیم صهیونیسـتی در جنگ ۱۲ روزه از مبـارزان فلسـطین از برنامه‌ریزی برای نابـودی زرادخانه موشـکی حماس به منزله مهم‌ترین تهدید رژیم صهیونیستی صحبت کرد، این سخنان در حالی گفته می‌شـود که در نبردهای اخیر در منطقه غرب آسیا از سوریه گرفته تا یمن و حتی عراق اهمیت آسمان و تسلیحات هوایی به صورت انکارناپذیری بر همگان آشکار شـده اسـت و در جنگ اخیری که میان رژیم صهیونیستی به عنوان یکی از به ظاهر قدرتمندتریـن ارتش‌های دنیا و نیروهای تحت محاصره فلسـطینی شکل گرفت، بهتـر از هر اسـتدلالی گویـای اهمیت این موضـوع بود تا جایی که با اسـتفاده نیروهای فلسطینی از پهپادهای انتحاری و شناسایی در کنار موشک‌باران گسترده و پیوسـته رژیم صهیونیسـتی از سـوی گروه‌های فلسطینی این رژیم ناچار شد تا بدون هیچ پیش شرطی و بدون هیچ گونه دسـتاوردی به ذلت شکست و آتش‌بس تن دهد.

بی‌شـک این اتفاق سرنوشت محتوم نیروهای آمریکایی نیز خواهد بود.

معاون خانه صنعت، معدن و تجارت ایران در گفت‌وگو با صبح صادق

افزایش یارانه نقدی اشتباه است

میلاد شکری
خبرنگار

با توجه به آغاز تبلیغات انتخاباتی نامزدهای ریاست‌جمهوری طی روزهای گذشته شاید بتوان گفت، مهم‌ترین موضوع اقتصادی کشور در این روزها بررسی برنامه‌ها و شعارهای انتخاباتی هفت نامزد حاضر در انتخابات ریاست‌جمهوری سیزدهم است. صبح صادق در گفت‌وگویی با بیژن پناهی‌زاده، معاون خانه صنعت، معدن و تجارت ایران اولویت‌های اقتصادی دولت سیزدهم را بررسی کرده است که متن کامل این گفت‌وگو را در ادامه می‌خوانید.

با توجه به فرا رسیدن فصل انتخابات ریاست‌جمهوری، به‌نظرتان رئیس‌جمهور آینده باید چه اقدامات و فعالیت‌هایی را در اولویت کاری قرار دهد؟

در ابتدا اجازه دهید به موضوع قوانین جاری در کشور بپردازم. متأسفانه ما در بحث قانون‌گذاری دچار مشکل هستیم؛ برای نمونه قانون مدنی ما برای حدود یک قرن پیش است و قانون تجارت ما نیز قدمتی چند دهه‌ای دارد و هر جا این قوانین با تغییرات و به اصطلاح اصلاحات مواجه شده، نه تنها شرایط بهتر نشده است؛ بلکه بدتر نیز شده است. چنانچه قوانین به گونه‌ای بوده که حتی گاهی یکدیگر را نیز نقض کرده‌اند. شاید اگر قوانین و بخشنامه‌های موجود در کشور کامل باشند، هیچ کس برای ریاست‌جمهوری و مدیریت‌های دولتی چنین اشتیاقی نداشته باشد؛ چرا که در این حالت همه چیز مشخص است. موضوع دیگری که هیچ یک از نامزدهای انتخاباتی تا امروز به آن اشاره‌ای نداشته‌اند، درباره ثبات اقتصادی و ثبات قیمت‌هاست، اما مشخص نیست برنامه نامزدها برای این موضوع چیست! اگرچه شعارهایی داده شده، اما برنامه عملیاتی که تعدادی از اقتصاددان نیز آن را بررسی کرده و ببینند آیا این شدنی است یا نه؟ ارائه نشده است. یا برای نمونه نامزدهای محترم باید برنامه‌ها و طرح‌های خود را درباره صندوق‌های بازنشستگی و تأمین اجتماعی مطرح کنند. چیزی حدود ۳۰۰ هزار میلیارد تومان از پول نیروی کار، کارفرمایان و تأمین اجتماعی در اختیار دولت قرار دارد، اما دولت نه جریمه آن را می‌دهد و نه سودی به آن پرداخت می‌کند؛ بلکه فقط بعضی اوقات چند کارخانه ورشکسته را تحت عنوان رد دیون به تأمین اجتماعی و شستا واگذار می‌کند. الان یکی از مشکلات اصلی کشور در سال‌های آینده وضعیت صندوق‌های بازنشستگی است. یکی از برنامه‌های مهم دولت آینده باید توجه به وضعیت این صندوق‌ها باشد؛ یعنی قرار است منابع مورد نیاز با چه روشی به این صندوق‌ها تزریق شود، بحرانی که ما امروز در بخش صندوق‌های بازنشستگی داریم، یک بحران بی‌سابقه است. وضعیت صندوق‌های بازنشستگی به شدت خراب است و دولت باید تعهدات خود نسبت به این صندوق‌ها را انجام دهد تا از آن طرف صندوق‌های تأمین اجتماعی و بازنشستگی بتوانند حقوق مستمری‌بگیران را پرداخت کنند. در حالی مدیران تأمین اجتماعی و این صندوق‌ها منصوب دولت هستند که منابع این صندوق‌ها از طریق نیروی کار، کارفرمایان و کسانی که حق بیمه پرداخت می‌کنند تأمین می‌شود؛ اما مدیران منصوب دولت بوده و تمام این شرکت‌ها را به حیاط خلوت دولت تبدیل کرده‌اند. موضوع دیگر این است که دولت محترم باید تکلیف خودش را با شرکت‌های دولتی مشخص کند؛ اگر این شرکت‌ها سود ده هستند، پس چرا دولت از منابع دولتی و بیت‌المال به این شرکت‌ها کمک‌های بلاعوض می‌کند؛ به نحوی که بخش قابل توجهی از هزینه‌های جاری کشور صرف تأمین هزینه‌ها و کمک‌های بلاعوض دولت به این شرکت‌ها می‌شود. اگر هم این شرکت‌ها زیان‌ده هستند چرا این شرکت‌ها واگذار نمی‌شوند؟

موضوع دیگر نگاه دولت آینده به مسئله تحریم‌هاست. بسیاری از کارشناسان معتقدند یکی از مسائلی که طی هشت سال گذشته به اقتصاد کشور آسیب زد، توجه بیش از حد دولت به مسائل سیاست خارجی و امید به لغو تحریم‌ها بود؟

برای تحقق رشد اقتصادی، ثبات اقتصادی بسیار مهم است؛ یعنی دولت باید تکلیف خودش را بداند که قرار است با توجه به ظرفیت‌های داخلی برنامه‌ریزی کنند یا منتظر لغو تحریم‌ها باشد. طبیعتاً دولتی که مدعی شود با لغو تحریم‌ها و در مجموع با اما و اگرها این اتفاقات خواهد افتاد و بعد هم در تحقق شعارهای خود موفق نشود و دست روی دست بگذارد، به نتیجه نیز نخواهد رسید. به نظر می‌رسد زمان آن رسیده است که پژوهشگران بیایند و بحث فایده و ضرر را در تمامی امورات از جمله مذاکرات و قراردادهای خارجی در نظر بگیرند. سال‌هاست که اقتصاد در حال وام دادن به سیاست است و به اصطلاح اقتصاد فدای سیاست شده است. وقت آن رسیده است که سیاست تمام هم و غم خودش را در تأمین منافع اقتصادی کشور قرار داده و تمام اقدامات سیاسی کشور در جهت رشد اقتصادی کشور باشد. ما برای رشد اقتصادی به امنیت و ثبات در سیستم امنیتی و دفاعی کشور نیاز داریم تا مردم در رفاه، سلامت و امنیت باشند؛ اما اگر اینها را داشته باشیم و اقتصادمان مشکل داشته باشد، نمی‌توانیم حرفی برای گفتن داشته باشیم. در دنیا دو موضوع منجر به اقتدار کشورها می‌شود: یکی اقتصاد کشورها و دیگری قدرت دفاعی آنهاست. این دو عامل یعنی سیستم دفاعی و اقتصادی کشور اگر قوی باشند، دو بال پرواز کشور به سمت توسعه و رفاه هستند که سیاست باید مسئول تنظیم این دو باشد. در حالی که الآن سال‌هاست که کفه ترازو همواره به سمت سیاست بوده است؛ یعنی هر تصمیمی اخذ شده، بر اساس منافع و مصالح سیاسی بوده است. اعتقاد شخصی من این است که تمام تصمیماتی که از سوی اروپا و آمریکا درباره ایران و مسائل مربوط به ما گرفته می‌شود، برای حل موضوع نیست، بلکه همان سناریوهایی است که در حال حاضر در کشورهایی، مانند عراق و لیبی نیز دیده می‌شود. در واقع اروپا و آمریکا درباره ایران نیز به دنبال همان سناریوها اما با ظرافت‌های دیگری هستند. در هر صورت ما یک کشور نفتی هستیم و کشورهای نفتی به خصوص کشورهای نفتی جهان سوم باید چند کار را در دستور کار قرار دهند یا اینکه اسلحه و کالاهای غربی بخرند یا اینکه پول‌های خودشان را در بانک‌های آنها بگذارند، ضمن اینکه همواره در حال جنگ با یکدیگر باشند و ساختارهای اقتصادی یکدیگر را نابود کنند تا چرخ اقتصادی کشورهای دیگر از این طریق گردش داشته باشد. در واقع، هدف دنیای استعمار ضعیف شدن کشورهای نفتی و جهان سوم است. برداشت من این است که تمام این مذاکرات به نوعی بازی کردن با ایران است تا ایران همچنان بین مذاکره و لغو یا عدم لغو تحریم‌ها بلاتکلیف باقی بماند. در واقع هدف این است که ایران پیشرفت نکند و با این بهانه‌ها برنامه‌های ساختاری و اقتصادی خودش را دنبال نکند. ما باید تکلیف خودمان را روشن کنیم اگر می‌خواهیم از برنامه‌ها و آرمان‌هایی که داریم دفاع کنیم، باید محکم در راستای تحقق آرمان‌های خودمان بایستیم.

نگاه و برنامه دولت آینده درباره تداوم یا لغو تحریم‌ها باید چگونه باشد؟

در موضوع تحریم‌ها برخی گمان می‌کنند متضرر اصلی تحریم‌ها دولت است؛ در حالی که دولت کسری بودجه خودش را از بورس جبران کرد، اما آیا در مدت تحریم‌ها هزینه شرکت‌های دولتی یا بودجه شرکت‌های دولتی کاهش یافت؟ خیر، در حال حاضر مدیران شرکت‌های دولتی هرچقدر می‌خواهند برای خودشان پاداش و امکانات و کارانه و... تأمین می‌کنند؛ بلکه در زمان تحریم‌ها این مردم و بخش خصوصی بودند که در مقابل تحریم‌ها آسیب دیدند، یعنی این بخش خصوصی بود که به واسطه این تحریم‌ها و نبود منابع ارزی نتوانست مواد اولیه مورد نیازش را وارد کشور کند. بنابراین قطعاً تاوان اصلی افزایش نرخ ارز از سوی مردم و بخش خصوصی پرداخت شد؛ وگرنه پاداش و کارانه مدیران شرکت‌های دولتی در تمام این ایام به راه بوده و بودجه این شرکت‌ها نسبت به گذشته نه تنها کاهشی نداشته؛ بلکه افزایش نیز داشته است. در واقع این شرکت‌ها همواره از طریق کمک‌های بلاعوض دولت حمایت شده‌اند. حالا فرض کنید تحریم‌ها برداشته شود و این منابع آزاد و پول‌های بلوکه شده وارد کشور شوند، اگر چنین درآمدی نصیب کشور شود این منابع در گام اول باید در ایجاد ثبات اقتصادی کشور هزینه شود مثلاً چند صد هزار میلیارد تومان تسهیلات ۲ درصدی به واحدهای تولیدی پرداخت شود یا منابعی اختصاص یابد تا بانک‌ها واحدهای تولیدی را از پرداخت جرایم و... در دوران رکود اقتصادی معاف کنند تا از این طریق قیمت تمام شده تولید و کالاهای تولید شده کاهش یابد. مالیات بر تولید، مالیات بر ارزش افزوده و مالیات‌های تکلیفی و... برای بخش تولید حذف شوند. بخش تولید از پرداخت مالیات تا ۱۰ سال معاف شود تا بتواند جان تازه‌ای بگیرد. از آن طرف مالیات بر مصرف افزایش یافته و واقعی شود.

در واقع منابع آزاد شده صرف فعالیت‌های مولد اقتصادی شود؟

بله، اگر قرار است اموال بلوکه شده ما آزاد شود این منابع باید صرف این کارها شود، نه اینکه صرف ریخت و پاش‌های دولتی شود. اینکه برخی از نامزدهای ریاست‌جمهوری می‌گویند ما اگر رئیس‌جمهور شویم میزان یارانه پرداختی را افزایش می‌دهیم اشتباه است. ما در حدود ۱۱ سال گذشته و از سال ۱۳۸۹ چیزی بیش از ۴۰۰ هزار میلیارد تومان یارانه نقدی به صورت مستقیم به مردم داده‌ایم که خروجی این پول تقریباً تأثیری هم در قدرت خرید مردم نداشته است. در حالی که با این پول می‌توانستیم اقدامات بزرگی را انجام دهیم. برای نمونه، می‌توانستیم بیش از هزار بیمارستان مجهز تأسیس کنیم یا چندین استان کشور را به لحاظ ریلی به یکدیگر متصل کنیم. اما عملاً این منابع به صورت مستقیم میان مردم توزیع شده و حتی نتوانسته قدرت خرید مردم را هم افزایش دهد. یکی از مشکلات ما که طی ۸۰ سال گذشته با آن مواجه بوده‌ایم، رعایت نکردن آمایش سرزمینی است؛ یعنی پتانسیل‌های آبی هر منطقه را ندیده‌ایم مثلاً در گذشته فولاد مبارکه و ذوب آهن را به جای اینکه در بندرعباس و هرمزگان که کنار آب هستند تأسیس کنیم، این کار را در اصفهان انجام داده‌ایم؛ بسیاری از این اتفاق‌ها به صورت غیر علمی و اصولی رخ داده است؛ یعنی یک سری از شهرها برای کشاورزی با مشکل آب مواجهند، اما صنایعی در این شهرها وجود دارد که صنایع آب‌بر به شمار می‌آمدند.

یادداشت

ترمیم سرمایه اجتماعی

میثم مهرپور
دبیر گروه اقتصاد

بزرگ‌ترین چالش اقتصادی دولت آینده به ویژه در سال ابتدایی آن را می‌توان انجام تعهدات ارائه شده از سوی دولت دوازدهم دانست. دولت فعلی به ویژه در یک سال اخیر با علم به این موضوع که در ماه‌های پایانی عمر خود به سر می‌برد، تعهداتی را ایجاد کرده که اگر چه اجرای این تعهدات در دولت دوازدهم بوده است، اما عملاً بار اصلی اجرای آن بر دوش دولت سیزدهم گذاشته شده است. برای نمونه، با وجود ثبات تقریبی نرخ خرید تضمینی محصولات کشاورزی از جمله گندم طی دو سال اخیر، این نرخ در سال جاری با افزایش حدود دو برابری مواجه بوده است، یا افزایش حقوق بازنشستگان تحت‌عنوان همسان‌سازی حقوق آنها چند سالی است که دولت وعده آن را داده بود، اما عملاً در سال پایانی و به نوعی ماه‌های پایانی دولت دوازدهم محقق شده است. اگر چه کسی منکر حیاتی بودن این اقدامات نیست؛ اما واقعیت این است که این افزایش‌ها در ماه‌های پایانی دولت دوازدهم رخ داده و اصولاً دولت روحانی نقش چندانی در تأمین منابع مورد نیاز آنها نخواهد داشت؛ یعنی دولت سیزدهم در حالی باید تعهدات دولت دوازدهم را اجرا کند که منابع پایداری برای تأمین آن از سوی دولت وقت در نظر گرفته نشده است. برای نمونه، در سال گذشته که موضوع همسان‌سازی حقوق بازنشستگان مطرح شد، رئیس سازمان برنامه از فروش دارایی‌های دولت به عنوان محل تأمین منابع مورد نیاز برای اجرای همسان‌سازی حقوق مستمری‌بگیران یاد کرد؛ در حالی که طبیعتاً فروش دارایی‌های دولت یک درآمد پایدار به شمار نیامده و صرفاً می‌تواند در کوتاه‌مدت منابع اجرای این طرح را تأمین کند؛ از این رو به نظر می‌رسد تعهدات ایجاد شده برای دولت آینده در کنار تداوم کسری بودجه دولت، بزرگ‌ترین چالش دولت سیزدهم در بدو روی کار آمدن باشد.

از سوی دیگر می‌توان بزرگ‌ترین آسیب عملکردی دولت‌های یازدهم و دوازدهم طی سال‌های اخیر را آسیب به سرمایه اجتماعی و افزایش شکاف اعتماد میان دولت- ملت دانست. اقداماتی که سرمایه اجتماعی کشور را به حداقل ممکن رسانده است؛ اتفاقاتی چون پاسخگو نبودن در مقابل وضعیت مؤسسات مالی و اعتباری و مسئولیت نپذیرفتن بانک مرکزی در قبال اتفاقات رخ داده که در اواسط دهه ۹۰ به اوج خود رسیده و منجر به بدبینی بخش قابل توجهی از جامعه نسبت به نظام بانکی کشور شد، در کنار افزایش ناگهانی قیمت بنزین در آبان ماه سال ۱۳۹۸ بدون ایجاد زیرساخت‌ها و پیش‌زمینه‌های مورد نیاز و بدون اطلاع‌رسانی به مردم و البته موضوع بورس و فروش سهام شرکت‌های دولتی در سقف قیمتی به مردم و دعوت مردم برای خرید سهام این شرکت‌ها (دارا یکم و دوم) و متضرر شدن مردم عادی و... از جمله اتفاقاتی است که طی سال‌های اخیر رخ داده و منجر به افزایش شکاف اعتماد میان دولت- مردم شده است. به نظر می‌رسد، اولین و مهم‌ترین اقدام دولت آینده باید ترمیم شکاف ایجاد شده و بازگرداندن اعتماد از دست رفته مردم به دولت باشد.

منهای نفت

اصلاح خطوط اصلی

در حال حاضر، می‌توان اقتصاد را در صدر اولویت‌های کشور دانست. افزون بر مشکلات عمده مشهود، باید اذعان داشت که در دهه پیشرفت و عدالت، نمره مطلوبی در باب عدالت به دست نیاورده‌ایم. این واقعیت ناخواسته باید همه را به تلاش فکری و عملی در باب معیشت طبقات ضعیف، به مثابه اولویت وادار کند. راه درست برای تحقق این مقصود اصلاح خطوط اصلی اقتصاد ملی، یعنی اشتغال، تولید، ارزش پول ملی، تورم، اسراف و امثال آن است که سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی در این زمینه، راهنمای معتبری به شمار می‌رود. توجه به تنظیم برنامه هفتم توسعه در کنار توجه به کاهش نقش تعیین‌کننده نفت خام در منابع مالی می‌تواند در این مسیر راهگشا باشد.

شاخص

قطار تحول

به گزارش سی‌ان‌ان، در حالی که چین در اوایل قرن بیستم میلادی راه آهن پرسرعت نداشت، اما اکنون مجهز به سریع‌ترین شبکه راه آهن پر سرعت در جهان است. از سال ۲۰۰۸ تاکنون حدود ۳۷۹۰۰ کیلومتر از خط آهن بین شهری در چین پر سرعت شده‌اند که نیمی از این شبکه در پنج سال اخیر ساخته شده و ۳۷۰۰ شبکه ریلی هم در ماه‌های آینده راه‌اندازی می‌شود.

از آنجایی که سرعت این قطارها به ۳۵۰ کیلومتر در ساعت می‌رسد، در بسیاری از مسیرهای شهری که پیش از این استفاده از هواپیما رایج بو،د اکنون از قطارهای پر سرعت استفاده می‌شود.

افزوده

اقتصاد اسلامی

اقتصاد اسلامی بر پایه مالکیت مختلط (خصوصی، عمومی، حکومتی) آزادی (نه بی‌بند و بار)، اقتصادی (در حرکت‌های تولیدی، توزیعی و مصرفی) و عدالت اجتماعی استوار است. اقتصاد اسلامی از اصول ارزشی چندی، همچون اصل توحید، اصل معاد، اصل اعتماد به خدا در رزق، اصل انفاق و اصل میانه‌روی تأثیر می‌پذیرد. این اقتصاد تأمین نیازهای مادی بشر و ایجاد رفاه را وسیله‌ای برای تکامل انسان می‌داند. جنبه‌های اجرایی بر دو قسم الزامی و اخلاقی استوار است. قسمت الزامی، یعنی قانون و احکام درباره مالکیت، مالیات، مبادلات، تولید، مصرف و...، و قسمت اخلاقی یعنی دستورات و سفارش در مورد احسان، ایثار، امانت و... استوار است.

منبر

اولویت حفظ اخلاق و تحقق عدالت

گفتاری از حجت‌الاسلام دکتر بهرام دلیرنقده‌ای

مهم‌ترین کلیدواژه در حکومت امام علی(ع) چه در بحث قبول حکومت و چه پیاده کردن اصول حکومتی تا زمان شهادت ایشان، بحث اخلاق بود، چه آنکه اگر ایشان اخلاق را زیر پا می‌گذاشتند قطعاً خانه‌نشین نمی‌شدند، کمااینکه خود حضرت فرمودند من از معاویه سیاست‌مدارتر هستم، اما برای ایشان رعایت حقوق مردم و حقوق شهروندی در درجه نخست قرار داشت. عدالت و مواسات و اجرای حق آن‌چنان در حکومت و سیره علوی اهمیت دارد که مولی‌الموحدین حضرت علی(ع) در آن کلام معروف فرمودند اگر مسلمانی بشنود که خلخال از پای زن یهودی به غارت برده‌اند و از شنیدن این خبر دق کند، جای ملامت بر او نیست. چنانچه به نامه امام علی(ع) به مالک اشتر و نیز دیگر فرامین و دستورات حضرت خطاب به فرمانداران و مسئولان حکومتی نگاهی بیندازیم، به خوبی متوجه می‌شویم که مباحث اخلاقی در همه اینها در اولویت است. از سوی دیگر باید توجه داشت که امیرالمؤمنین(ع) یک چهره صلح‌طلب است و متأسفانه به‌خاطر نفهمی ما که از دوستان و محبان ایشان هستیم، جور دیگری در دنیا چهره ایشان معرفی شده و در جهان، مسیحیت را به‌عنوان آیین صلح‌طلبی می‌شناسند؛ در صورتی‌که اسلام به مراتب بیش از مسیحیت به دنبال صلح و اصلاح میان انسان‌ها بوده است. یکی دیگر از شاخصه‌ها و نشانه‌های اخلاق‌مداری حضرت آنجاست که وقتی اطرافیان ایشان به معاویه دشنام می‌گفتند، حضرت یاران خود را از این کار بازداشتند و فرمودند به‌جای سب و دشنام بگویید که خدایا بین ما و آنها صلح و اصلاح کن. حتی در اوج دفاع و نبرد نیز حضرت از مسائل اخلاقی غافل نبودند و ما امروز در جامعه خود بیش از هر زمان دیگری باید اخلاق و سیره علوی را ملاک و معیار خود قرار دهیم، به گونه‌ای که مولی‌الموحدین(ع) حتی به مخالفان خود نیز امنیت سیاسی می‌دادند و به کسی اجازه نمی‌دادند که به حقوق شهروندی مخالفان و نیز به خانواده و اطرافیان آنها تعدی کند.

در بحث حکومت‌رانی حضرت اگر امر دایر می‌شد بین حفظ نظام سیاسی و حفظ نظام اخلاقی، قطعاً ایشان حفظ نظام اخلاقی را مقدم بر حفظ حکومت می‌دانستند، چرا که از نگاه امام علی(ع)، حکومت‌ها می‌آیند و می‌روند، اما آنچه برای بشریت و انسانیت باقی می‌ماند، همانا اخلاق است که فلسفه بعثت نبوی نیز همین مکارم اخلاق بوده است. امام علی(ع) و اولاد طاهرین ایشان، به هیچ وجه تشنه قدرت و ثروت نبودند؛ بلکه هدف‌شان حفظ اخلاق و ترویج معنویت و خداپرستی در جامعه بوده و اینکه با تحقق عدالت به انسانیت در مسیر رشد کمک کنند.

مکتب

قدرت امت اسلامی

حضور حداکثری برای همراه کردن جامعه با دین

سیدحسین خاتمی خوانساری
دبیر گروه معارف

از جمله اهداف هر انسانی این است که زندگی کاملی داشته باشد و از هر نظر در انسانیت و الوهیت رشد کند و به مراتب بالا برسد؛ اما این مهم به الگوگیری و تکیه بر اسوه‌های حقیقی نیاز دارد. خداوند این حس را در وجود انسان قرار داده و افرادی را نیز برای الگو قرار دادن به بندگانش معرفی فرموده است، حال نوبت آنهاست که در الگوگیری خوب و موفق عمل کنند؛ اما این وجه از تکلیف انسان، فردی است. وظیفه دیگرشان این است که نسبت به هم‌نوعان خود و جامعه خود احساس تکلیف کرده و برای رشد این جامعه تلاش کنند. به‌عبارتی انسان‌ها هم خودشان را باید به الگوهای معرفی شده که پیامبر و آل او هستند، نزدیک کنند و هم اطرافیان و جامعه‌شان را. رسول خدا(ص) می‌فرمایند: «ملازم مودّت ما خاندان باشید که هر کس با مودّت ما خاندان خدا را ملاقات کند، با شفاعت ما قطعاً وارد بهشت می‌شود، قسم به آن که جانم در دست اوست، عمل کسی سودمند نیست مگر با شناخت حقّ ما.» (الغدیر، ج۲، ص۳۰۱) این ملازمت نیز فردی نیست، بلکه جامعه باید خود را ملازم پیامبر(ص) و اهل بیت(ع) بداند. پیامبر اسلام(ص) در مورد این مسئولیت می‌فرمایند: «همه شما نسبت به آنچه عهده‌دار شده‌اید مسئولید، زمامدار و امام مسئول ملّت، مرد مسئول خانواده، زن مسئول امور منزل و فرزندان است پس هرکس نسبت به انجام وظایف و حقوقی که به او واگذار شده مسئول است.» (صحیح بخاری، ج۳، باب نکاح) همه ما مسئول هستیم در مورد تعیین سرنوشت یکدیگر، سرنوشتی که تفکیک‌ناپذیر است. در یک جامعه دینی مسلمین حقوقی نسبت به هم‌دین و هم‌نوع خود دارند که باید به آن حساس باشند. خداوند در قرآن می‌فرماید: «یا أَیهَا الَّذِینَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَکُمْ وَ أَهْلِیکُمْ نَارًا...»؛ حفظ خود و اهل خود که شامل خانواده و تک‌تک افراد جامعه است؛ از خطا، اشتباه و گناه گاهی در لباس امر به‌معروف و گاهی در لباس نهی از منکر. خداوند در قرآن کریم این تکلیف را که بالنده کردن جامعه و دور کردن آن از آفات و امراض است، برعهده جامعه یا همان قوم می‌گذارد، نه فرد و می‌فرماید: «إِنَّ اللّهَ لا یُغَیِّرُ ما بِقَومٍ حَتّی یُغَیِّروا ما بِأَنفُسِهِم» (رعد/۱۱)؛ پس ما موظف و مکلف هستیم برای ایجاد این ملازمت. البته کاری که گفته شد در ذات انسان‌ها به ودیعه نهاده شده است و به شناخت و معرفت هم نیاز دارد. در موضوع انتخابات در جامعه دینی چند نکته باید در نظر گرفته شود: اول آنکه نخبگان در جامعه دینی موظف هستند در صورت دارا بودن صلاحیت برای اداره امور مسلمین یا هر خدمتی در جهت ملازم کردن جامعه با دین، پیامبر(ص) و اهل بیت(ع) وارد میدان شوند و بالعکس اگر خود را صالح نمی‌دانند، نباید در این موقعیت قرار بگیرند. رسول خدا(ص) در این مورد می‌فرمایند: «کسی که صبح کند و اهمیتی به کارهای مسلمانان ندهد او از آنان نیست و کسی که صدای مردی بشنود که فریاد کمک‌خواهی از مسلمانان را سر دهد و پاسخش را ندهد مسلمان نیست.» (کافی، ج۲، ص۱۶۴) این احساس مسئولیت در فرد اصلح و دیگر افراد جامعه نشان از مسلمانی آنهاست.

دوم آنکه افراد جامعه فرد صالح را امر می‌کنند به این فرضیه الهی که هم امر به معروف است و هم حمایت از اوست برای هدایت جامعه به مقصد مورد نظر؛ یعنی فرد منتخب از طرف مردم امر می‌شود به ایجاد ملازمت میان جامعه و دین.

سوم موضوعیت داشتن امت اسلامی است که باید برای این رشد تلاش کنند و در یک حرکت جمعی فرد یا افراد مورد نظر را تعیین کنند، یعنی رفتن به سمت معروف و دور شدن از یک نهی دینی.

چهارم قدرت یافتن برای ایجاد این ملازمت، زیرا هرچه قدرت امت اسلامی و یک جامعه بیشتر باشد، بهتر می‌تواند خود را از آفات و صدمات دور کند. خداوند در قرآن می‌فرماید: «و در برابر آنان آنچه در قدرت و توان دارید از نیرو [و نفرات و ساز و برگ جنگی] و اسبان ورزیده [برای جنگ] آماده کنید تا به وسیله آنها دشمن خدا و دشمن خودتان و دشمنانی غیر ایشان را که نمی‌شناسید، ولی خدا آنان را می‌شناسد بترسانید و هر چه در راه خدا هزینه کنید، پاداش به طور کامل به شما داده می‌شود و مورد ستم قرار نخواهید گرفت.» (انفال/۶۰)

جالب آنکه تعریفات مرسوم که نوعی تحریف در دین و منش انسانی است، جامعه را به سمت باورهای حزبی و سیاسی و اولویت دادن به یک جریان سیاسی به‌جای جریان الهی کشانده است. حالتی که ملازمت با حزب یا یک تفکر خاص بر ملازمت با دین رجحان پیدا می‌کند. شاید تکالیف گفته شده در دایره دین دیده شود، اما مربوط به همه انسان‌هاست؛ زیرا انسان‌ها ذاتاً به‌دنبال تطهیر جامعه از رفتارها و گفتارهای غیرانسانی هستند. امروزه حضور در یک انتخابات را حق می‌دانند، اما تعالیم اسلامی آن را وظیفه می‌داند و نشان مسلمانی. دغدغه یک جامعه فاضل باید در وجود هر شهروندی باشد که وظایفی هم در قبال آن دارد.

سلوک

همه چیز برای خداست

حاج اسماعیل دولابی: هر چیز تعریف کردند، بگو مال خداست و کار خداست. نکند خدا را بپوشانی و آن را به خودت یا به دیگران نسبت بدهی که ظلمی بزرگ‌تر از این نیست. اگر این نکته را رعایت کنی، از وادی امن سر در می‌آوری. هر وقت خواستی از کسی یا چیزی تعریف کنی، از ربت تعریف کن. بیا و از این تاریخ تصمیم بگیر حرفی نزنی مگر از او.

هر زیبایی و خوبی که دیدی رب و پروردگارت را یاد کن، همانطور که امیرالمؤمنین(ع) در دعای دهه اول ذی‌حجه می‌فرماید: «به عدد همه چیزهای عالم لا اله الا الله... .»

حکمت

حکم حقوق غیرمعتقد

پرسش: آیا حقوق سازمانی کسی که التزام عملی و نظری به ولایت ندارد، حلال است؟

پاسخ: نظامی‌گری از مشاغلی است که شاغلان به آن باید اعتقاد و التزام عملی و نظری به ولایت فقیه داشته باشند، با این وصف، اشتغال افراد غیرمعتقد به ولایت فقیه در مشاغلی که قانوناً اعتقاد به ولایت فقیه شرط لازم برای شاغلان آن است، غیرقانونی است و چه بسا از نظر دریافت حقوق نیز دچار مشکل شوند.

برگرفته از کتاب احکام هدایت سیاسی براساس فتاوای رهبر معظم انقلاب

راهنما

انتخاب اصلح!

حجت‌الاسلام دکتر عبدالحمید واسطی: براساس عملکرد «الغاء خصوصیت»، می‌توان این روایت(مقبوله عمربن‌حنظله) را بیان‌کننده ملاک ترجیح و انتخاب برای تمام مواردی دانست که در سرنوشت افراد تأثیرگذارند. معیارها براین اساس عبارتند از: ۱ـ میزان دین‌شناسی و اطلاع از دیدگاه‌های وحیانی و به خصوص نظام حقوقی اسلام (مناط افقه بودن). ۲ـ میزان تعادل رفتاری و گفتاری (مناط اعدل بودن). ۳ـ میزان شفافیت در گفتار و رفتار و موفقیت در انجام کارها (مناط اصدق بودن). ۴ـ میزان احتیاط‌ورزی در گفتار و رفتار در رعایت حق‌الله و حق‌الناس‌ها (مناط اورعیت) و همچنین میزان رنگ و بوی خدایی داشتن... .

آیه

وعده‌های دروغ فساد در زمین است

عبدالرضا سمیعی
کارشناس علوم اسلامی

یکی از ناپسندترین صفات در نزد خداوند عهدشکنی و خلف وعده است. قرآن افراد را در برابر آنچه ادعا می‌کنند و قول عمل آن را می‌دهند، مسئول می‌داند و می‌فرماید: «أَوْفُوا بِالْعَهْدِ، إِنَّ الْعَهْدَ کَانَ مَسْئُولا»؛ به عهد(خود) وفا کنید، که از عهد سؤال می‌شود. (اسراء/۳۴) همچنین این صفت را مختص نیکوکاران می‌داند و می‌فرماید: «وَلَکِنَّ الْبِرَّ....وَالْمُوفُونَ بِعَهْدِهِمْ إِذَا عَاهَدُوا» و نیز وفاکنندگان را مؤمن می‌نامد و می‌فرماید: «قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ....وَالَّذِینَ هُمْ لِأَمَانَاتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ»(مؤمنون/۸)؛ از طرفی کسانی را که عهد می‌بندند و آن را می‌شکنند، «مفسد فی الارض» می‌داند و می‌فرماید: «کسانی که پیمان خدای را پس از بسته شدنش می‌گسلند و می‌برند آنچه خداوند امر به پیوند آن فرموده و در زمین فساد می‌کنند.»(رعد/۲۵) شاید بگویید منظور در این آیه کسی است که عهد با خدا را شکسته، اما فساد در زمین می‌تواند به ذات عهدشکنی هم تعلق بگیرد، کمااینکه در سوره آل‌عمران آیه ۷۶ آمده است: «هر که به عهد خود وفا کند و خدا ترس و پرهیزکار شود، خدا او را دوست می‌دارد.» کمتر گناهی در قرآن است که فساد در زمین معرفی شده باشد؛ اما عهدشکنی جزء معدود گناهانی است که فاعل آن مفسدفی‌الارض معرفی شده است. همچنین خداوند عهدشکنان را بدترین جنبندگان توصیف کرده و فرموده است: «بدترین جنبنده‌های روی زمین، نزد خداوند کسانی هستند که... از ایشان پیمان گرفتی ولی عهد خود را در هر باری که پیمان بستند شکستند و ایشان از شکستن پیمان نمی‌پرهیزند یا از عقوبت آنها نمی‌ترسند.» (انفال/۵۷) کسی که عهد می‌بندد، قول می‌دهد و وعده می‌دهد، امانتی میان خود و مخاطب خود قرار داده است که اگر به آن عمل نکند، ادای امانت نکرده و خائن به‌شمار می‌رود. شاید شدت برخورد با این فعل یعنی خیانت در امانت و عهدشکنی به‌دلیل این باشد که این رذیله اخلاقی، بعد اجتماعی دارد و می‌تواند در زندگی انسان‌های بیشماری اثر سوء داشته باشد. قرآن خطاب به‌کسانی که وعده می‌دهند، می‌گوید اگر می‌توانید آن را انجام دهید وعده دهید وگرنه این کار خطاست، «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، چرا چیزی می‌گویید که انجام نمی‌دهید؟» (صف/۲) هیچ‌کسی به‌اندازه کسی که وعده می‌دهد از محقق شدن و نشدن آن وعده یا از توانایی و ناتوانی خود در انجام آن خبر ندارد. پس باید با آگاهی و بررسی همه جانبه وعده دهد و بی‌جهت امانتی را از طرف مخاطب بردوش خود نکشد. متأسفانه در عرصه‌های سیاسی به این موضوع توجهی نمی‌شود و دیده می‌شود مسئول یا فردی که برای تصدی مسئولیتی داوطلب شده است، به‌راحتی وعده می‌دهد و مردم را منتظر محقق شدن آن می‌گذارد. درحالی‌که همین وعده‌ها اثر زیادی در برنامه‌ریزی‌های مردم و تعاملات سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جامعه می‌گذارد که محقق نشدن آن موجب نابودی زندگی مردم و تلاطم جامعه می‌شود. حتی اگر مثلاً نامزدی در انتخابات با این خیال‌که انصراف می‌دهد و وارد رقابت نمی‌شود و مسئولیتی ندارد، وعده‌ای واهی بدهد و انتظارات را بالا ببرد، از جمله عهدشکنان است و باید منتظر عقوبت الهی باشند.

شماره ۱۰۰۲ | دوشنبه ۱۷ خرداد ۱۴۰۰
صبح صادق

چارچوب

آثار حضور حداکثری در انتخابات از منظر قرآن

الله‌بخش نجفی
فرهنگیار پاسدار

بیانات رهبر حکیم انقلاب همواره براساس یک رویکرد قرآنی بوده و ما می‌توانیم برای همه رهنمودهای ایشان مصداقی از آیات قرآنی را پیدا کنیم. در خصوص انتخابات هم مقام معظم رهبری با تأکید برحضور حداکثری مردم در انتخابات آن را یک تکلیف الهی و وظیفه ملی می‌دانند و در این خصوص می‌فرمایند: «بنده اصرارم بر حضور حدّاکثری و عمومی ملت ایران به‌خاطر این است که می‌بینم و می‌دانم که حضور یکپارچه مردم، حضور پرشوق و امیدوارانه و قدرتمندانه مردم موجب می‌شود که دشمن مأیوس بشود؛ وقتی دشمن مأیوس شد، کارآیی خود را از دست خواهد داد.» از ابتدای پیروزی انقلاب تا امروز یکی از مواردی که همیشه دشمن را آزار داده حضور باشکوه و حداکثری مردم در صحنه‌های انقلاب اسلامی به خصوص انتخابات می‌باشد مردم ولایی، انقلابی و با بصیرت ما، علی‌رغم مشکلات، در تمام صحنه‌ها حضوری باصلابت داشته‌اند و به برکت این حضور مؤمنین، تمام نقشه‌های دشمنان نقش برآب شده و مردم ما این حضور را براساس آموزه‌های دینی، وظیفه خود می‌دانند. چراکه خداوند در خصوص ویژگی‌های مؤمنین در صحنه، می‌فرمایند: «مؤمنان حقیقی آنهایی هستند که به خدا و رسولش ایمان و انقیاد کامل دارند و هرگاه در کاری اجتماع‌شان به حضور رسول(ص) لازم باشد حاضر آیند و تا اجازه نخواهند، هرگز از محضر او بیرون نمی‌روند.»(نور/ ۶۲) این حضور باشکوه و حداکثری مردم مصداق این امر جامعی است که در این آیه شریفه از ویژگی‌های مؤمنین حاضر در صحنه بیان شده است. لذا حضور حداکثری می‌تواند باعث ناامیدی دشمنان و سبب اتحاد و یکپارچگی در صف آحاد ملت گردد که مورد تأکید خداوند بزرگ می‌باشد: «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا.» این حضور حداکثری مردم برای آینده نظام، دوام و بقای آن، امنیت و عزت ملی مؤثر می‌باشد. دشمنان انقلاب با درک این مسئله به دنبال تحریف واقعیت‌ها و موفقیت‌های نظام بوده و با بزرگنمایی مشکلات قابل حل کشور، به دنبال دلسرد کردن مردم از آینده نظام هستند و با ایجاد تفرقه و چند دستگی در جامعه با هدف شکستن این اتحاد مردم برای جلوگیری از شکل‌گیری حضور حداکثری آنها در انتخابات بوده و از هر حربه‌ای برای تحقق این خواسته خود استفاده می‌کنند. ملت بصیر و انقلابی ایران با درک مسائل راهبردی و کلان کشور، منطقه و جهان و پیروی از ولایت، با حضور پرشور و باشکوه در صحنه انتخابات، روح تازه‌ای را به صف مبارزه با استکبار خواهند بخشید و با انتخاب یک دولت انقلابی و کارآمد که بتواند امنیت، آسایش ، رفاه و عزت ملی را فراهم کند. زیرا که خداوند متعال در سوره انفال آیه ۲۴ می‌فرمایند: «ای ایمان آورندگان، اجابت کنید خدا وپیامبرش را زمانی که شما را فرا می‌خوانند که این اجابت، به شما حیات می‌بخشد.» خلاصه کلام اینکه امت الهی می‌دانند که با یاری دین خدا، سبب نصرت الهی خواهند شد. چرا که خداوند بزرگ می‌فرمایند هرکس خدا را یاری کند خدا نیز او را یاری خواهد کرد؛ «يا أَيُّهَا الَّذينَ آمَنوا إِن تَنصُرُوا اللَّهَ يَنصُرکُم وَيُثَبِّت أَقدامَکُم؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اگر (آیین) خدا را یاری کنید، شما را یاری می‌کند و گام‌هایتان را استوار می‌دارد.»

چراغ

شعارهایی ندهندکه به آنها اعتقاد ندارند

امام خامنه‌ای در بخشی از سخنرانی تلویزیونی خود به مناسبت سالروز عروج ملکوتی امام خمینی(ره) با اشاره به گرم‌تر شدن محیط انتخابات گفتند: «دعوت مردم به حضور نیافتن در انتخابات با بهانه‌های واهی، عمل به خواست دشمنان است و اگر هر یک از دو رکن مردم‌سالاری و دین تضعیف شود، اسلام و ایران ضربه و سیلی خواهند خورد.»

رهبر معظم انقلاب افزودند: «گفته می‌شود برخی به علت فشارهای معیشتی که همه ما آن را لمس می‌کنیم، برای شرکت در انتخابات مردد هستند یا برخی می‌گویند در دوره‌های قبل با شوق به فردی رأی دادیم اما در آخر دوره، منجر به دلخوری شد، بنابراین در انتخابات شرکت نمی‌کنیم. این موارد استدلال‌های درستی نیستند و نباید ما را از مشارکت در انتخابات دلسرد کنند.»

ایشان تأکید کردند: «اگر نابه‌سامانی، ناکارآمدی و ضعف در مدیریت‌ها وجود دارد، باید آن را با انتخاب درست و خوب و روی کار آوردن مدیریت مردمی و اسلامی جبران کرد نه با شرکت نکردن در انتخابات.»

حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای با تأکید بر دقت در انتخاب و توجه به عملکرد کاندیداها افزودند: «صرفاً به وعده‌ها و حرف‌ها نمی‌توان اکتفا کرد، همچنان‌که در قضیه مذاکرات هسته‌ای هم که در جریان است، همواره به مسئولان گفته‌ایم به عمل کار برآید و به حرف‌ها و وعده‌ها نمی‌توان اعتماد کرد.»

رهبر حکیم انقلاب خاطرنشان کردند: «کارآمدی را با حرف نمی‌شود تشخیص داد، بنابراین باید نگاه کرد که آیا گذشته و عملکرد کاندیداها، وعده‌های آنها را تأیید و تصدیق می‌کند یا نه؟»

ایشان در ادامه با توصیه مؤکد به کاندیداها به پرهیز از بیان وعده‌هایی که از انجام آنها مطمئن نیستند، گفتند: «دادن وعده‌های بدون پشتوانه عملی جایز نیست و اینگونه وعده‌ها، گناه و به ضرر کشور است چون با محقق نشدن آنها مردم از انتخابات و نظام دلسرد می‌شوند بنابراین فقط وعده‌هایی بدهید که اهل فن آنها را تأیید می‌کنند.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، توقع دیگر از کاندیداها را صداقت با مردم و بیان شعارهایی دانستند که در دل خود به آنها کاملاً اعتقاد دارند و افزودند: «کاندیداها با مردم صادق باشند و شعارهایی ندهند که به آنها اعتقاد ندارند.»

رهبر انقلاب اسلامی، تشویق به مشارکت در انتخابات را وظیفه تک تک مردم دانستند و گفتند: «تک تک مردم خود را موظف بدانند که همه آحاد مردم اعم از خانواده، دوستان و آشنایان را به مشارکت در انتخابات دعوت کنند و این، مصداق تواصی به حق است.»

ایشان افزودند: «توقع دیگر از کاندیداها این است که در صورت پیروزی، خود را به عدالت اجتماعی، کاهش فاصله فقیر وغنی، مبارزه بدون ملاحظه با فساد، تقویت تولید داخلی و مبارزه با قاچاق و واردات بی‌رویه و افرادی که با پرکردن جیب خود از طریق واردات کمر تولید داخلی را می‌شکنند، متعهد بدانند.»

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای تأکید کردند: «کاندیداها صراحتاً درباره این موضوعات موضع بگیرند تا اگر بعد از انتخاب، عمل نکردند، دستگاه‌های نظارتی بتوانند از آنها سؤال و مؤاخذه کنند.»

مناظره

سعید جلیلی:

- مردم عزیز می‌بینند که امروز دو نگاه وجود دارد. یک نگاه می‌گوید همینطور کشور را به زور اداره کنیم. بعد هم موضوع FATF را مطرح کنیم و یک بهانه دیگر بیاوریم.- سال ۹۲ هم در زمان برجام من گفتم تحریم‌ها رفع نمی‌شود و دوستان گفتند می‌شود. حالا مردم قضاوت کنند که شد یا نشد.
- اگر می‌خواهیم کشور را در چهار سال آینده فقط اداره نکنیم و جهش پیدا کند، باید برنامه جدی داشته باشیم. دنبال بهانه نگردیم. حال این جهش چگونه ایجاد خواهد شد؟ وقتی محقق می‌شود که دو سه موضع اصلی را مبنا قرار دهیم.

محسن رضایی:

- در مسئله بورس، دولت راه غیرقانونی را برای کسر بودجه خود در پیش گرفت نرخ سود بانکی را پایین آورده و به غلط نرخ ارز را ۴۲۰۰ تومان تعیین کردند و وقتی پول از بانک‌ها به بورس رفت و وقتی که برای بودجه کشور تأمین مالی صورت گرفت مردم را در زمین و آسمان رها کردند آیا این شیوه تنظیم بودجه کشور است؟
- آیا بودجه کشور را بایستی از طریق دست کردن در جیب مردم تأمین کرد؟ مگر زندگی مردم از زندگی دولت جدا است در حالیکه این موضوع یکی از خطاهای اساسی است که در انقلاب به وجود آمده است.
- متوسط رشد اقتصادی در دولت فعلی صفر بوده است، متوسط تورم ۲۴ درصد بوده است، متوسط رشد سرمایه ثابت خالص منهای ۵ درصد بوده است.

سیدابراهیم رئیسی:

- هدایت نقدینگی به سمت طلا و ارز و زمین باید کاسته شود و به تولید هدایت شود.
- در قوه قضائیه جایگاه مطالبه‌گر دارم و اگر به قوه مجریه بیایم جایگاه پاسخگویی پیدا می‌کنم. سنت سنواتی آقایانی که بودند ۵ تا ۱۰ سال بوده و نیازی ندارم به اینکه دنبال پست و مقام باشم و این مطلقا در ذهن من نیست.
- اگر مشکل مردم با توهین و تخریب من حل می شود، من گذشت می‌کنم.
- من با مردم با صداقت حرف می‌زنم. اولین بار که کسی در تاریخ سیاسی ایران به‌صورت پوششی عمل کرد و گفت من آمده ام از دولت حمایت کنم، از دوستان شما (اصلاح‌طلبان)بود.
- شما مردم را گرفتار کردید و قوه قضائیه بیش از ۲ هزار کارخانه را احیا کرده است.

علیرضا زاکانی:

- حجم نقدینگی امروز بیش از ۳۰۰۰ هزار میلیارد تومان است که به دلیل ایجاد پول پرقدرت ایجاد شده و بانک‌ها هم بدون نظارت بانک مرکزی که وظیفه آقای همتی است، خلق پول می‌کنند و در نتیجه ۱۱ ابربدهکار بانکی داریم که ۹۰ هزار میلیارد تومان بدهی دارند.
- ابربدهکاران بانکی چه کسانی هستند و این بی‌انضباطی که در بانک‌ها وجود دارد از کجا سرچشمه می‌گیرد؟ بزرگترین اشکال به بانک مرکزی برمی‌گردد که نظارت نمی‌کند.
- فاکتورهای تورمی و افزایش پایه پولی و افزایش نقدینگی، سه معضلی است که امروز آقای همتی باید پاسخگو باشد.

سید امیرحسین قاضی‌زاده هاشمی:

- متاسفانه در کشور ما مسئولان مربوطه به جای اینکه مسؤول حفاظت از ارزش پول ملی باشند مسئول حفاظت از ارز خارجی شده اند. آن مسئولانی که وظیفه پاسخگویی دارند مسئولیت خود را به گردن دیگران می‌اندازند.
- اینکه بحث و مناظره اقتصادی به انحراف برده می‌شود، نشان‌دهنده این است که برخی از دوستان احتمالاً همینطور که در این سالها برنامه‌ای برای اداره کشور نداشتند الان هم ندارند و با ایجاد دو قطبی های کاذب، تهمت و افترا و با بکار بردن کاندیدای پوششی می‌خواهند برنامه خود را نشان دهند.

محسن مهرعلیزاده:

- ۴۲ سال از انقلاب گذشته و مردم مشکل تولید و صادرات دارند. بیش از ۷۰ درصد ظرفیت های تولیدی و معطل است.
- هر دولت وزیر و جمع اقتصادی در دولت های مختلف شکل گرفته است به فکر و ایده خود کارهایی را انجام داده است جمعی به نئولیبرالیستی و جمعی به سوسیالیستی اعتقاد داشته است و ملغمه‌ای از کارها صورت گرفته است.

عبدالناصر همتی:

- بجای اینکه قیمت دلار ۵۵ هزار تومان شود الان روی ۲۲ تومان است و دوبرابر شده است. شما در در برجام در زمین ترامپ بازی کردید، پدر کشور را در آوردید.
- آقای جلیلی بعد از بیانیه خوانی شما، رشد اقتصادی ما طی یک دهه نیم درصد سالانه شده است. کل رشد ما ۵ درصد بوده است.
- من نماینده آقای روحانی نیستم من از ریاست بانک مرکزی کنار گذاشته شدم بدلیل اختلاف نظری که به آقای روحانی داشتم. اما آقای روحانی، قوی‌تر، دنیا دیده تر وهم از نظر فن بیان از همه شما بهتر است.

میدان پاستور

اتفاقات ویژه

آمار ادوار انتخابات ریاست‌جمهوری در ایران

مقایسه این ۱۲ دوره برگزار شده، حاوی آمار و ارقام قابل ملاحظه‌ای است. براین اساس در میان رئیس‌جمهوران منتخب گذشته در ۱۲ دوره ریاست‌جمهوری، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای با ۹۵ درصد آرای شرکت‌کننده در انتخابات بیشترین میزان آراء را در دوره سوم کسب کردند و حسن روحانی رئیس‌جمهور یازدهم نیز با کسب ۵۰/۷۱ درصد آرا با کمترین درصد رأی به ریاست‌جمهوری رسید. کمترین میزان مشارکت مردم در ادوار انتخابات ریاست‌جمهوری مربوط به ششمین دوره ریاست جمهوری در ۲۱ خرداد ۷۲ با حضور ۶۶ درصد واجدین شرایط و بالاترین میزان مشارکت مردمی در دهمین دوره ریاست‌جمهوری در ۲۲ خرداد ۸۸ با حضور ۸۵ درصد واجدین شرایط بود.بیشترین تعداد نامزدهای تأیید صلاحیت شده در اولین دوره ریاست‌جمهوری با ۱۰۷ نفر و کمترین نامزدها در پنجمین دوره با ۲ نفر بوده است. در دو انتخابات بود که نسبت به نتایج آن اعتراضاتی وجود داشت و آن هم در دوره‌ای بود که جریان اصلاح‌طلب بازنده انتخابات بود و اکثریت مردم به رقیب این جریان رأی دادند. انتخابات ۱۳۸۴ که با اعتراض محدود اصلاح‌طلبان همراه بود و انتخابات ۱۳۸۸ که با اردوکشی خیابانی و ادعای تقلب در انتخابات به فتنه عمیقی انجامید! انتخابات ریاست‌جمهوری اول، تنها انتخابات ریاست‌جمهوری بود که بدون حضور شورای نگهبان برگزار شد و حضرت امام خمینی(ره) بر آن نظارت داشت. علت آن بود که برای تشکیل شورای نگهبان باید مجلس شورای اسلامی وجود داشته باشد که در آن زمان هنوز انتخابات مجلس برگزار نشده بود.

خط تحریف

غرب به دنبال عدم رأی‌آوری تفکر انقلابی است

دخالت غرب و به‌خصوص آمریکا و انگلیس در انتخابات کشورهای مستقل و مخالف منافع‌شان امری بدیهی است که به اذعان خودشان به‌طور آشکار و نهان اتفاق می‌افتد. جمهوری اسلامی ایران نیز از موضوع مستثنی نیست و بیشتر تلاش آنها هم برای تأثیرگذاری بر کشورمان بوده، در نیم قرن اخیر شاهد آن هستیم. از این رو رصد فضای مجازی و شبکه‌های ماهواره‌ای تحت حمایت غرب، نشان‌دهنده تلاش دشمن برای اثرگذاری بر افکار عمومی است که با فضاسازی‌های ایجاد شده در دوره‌های مختلف متفاوت است. در سال ۱۳۸۸ آمریکایی‌ها به طور مستقیم و درحد رئیس‌جمهور در حوادث پس از انتخابات دخالت و از اغتشاش و ناامنی در ایران حمایت کردند که این موضوع را امروز بیشتر در فضای مجازی شاهد هستیم. یعنی آمریکایی‌ها تلاش برای تأثیرگذاری در صحنه انتخابات را از طریق بستر شبکه‌های اینترنتی دنبال می‌کنند. مسئول نهاد رهبری در دانشگاه‌ها در این باره می‌گوید: «غرب الان علنا تصریح می‌کند که برای ما مهم است که دولت آینده ایران ادامه‌دهنده راه برجام باشد، به همین دلیل هم الان دارند به دنبال دادن امتیازها و مشوق‌های سوری برای تأثیر در افکار عمومی، القاسازی از بستر شبکه اجتماعی برای موفقیت دولت‌های همسو با غرب هستند.» موضوعی که با توجه به مشکلات معیشتی و اقتصادی می‌تواند از آن تحت عنوان تاکتیک هوشمند نام برد. پمپاژ ناامیدی در در داخل کشور و شرطی‌سازی اقتصاد ایران از طریق بازیگری عده‌ای در داخل، نشان‌دهنده تلاش غرب برای منجی نشان دادن خود در حل مشکلات اقتصادی است، که نتیجه بخش بودن این تاکتیک برای غرب، عدم رأی‌آوری تفکر انقلابی است. خنثی‌سازی این سیاست نیز از مسیری است که رهبر معظم انقلاب بارها درباره اهمیت آن بیاناتی داشته‌اند که در یک جمله می‌شود به آن اشاره کرد؛ ناامن‌سازی بستر مجازی برای آنها و تلاش شبانه‌روزی نیروهای انقلابی برای حل مشکلات کشور.

اخبار

- **مهدی چمران** در پاسخ به این پرسش که لیستی در فضای مجازی با عنوان لیست شورای ائتلاف برای ششمین دوره انتخابات شورای شهر تهران منتشر شده گفت: «هنوز لیست شورای ائتلاف بسته نشده است.» وی ادامه داد:«ما هنوز انتخاب نهایی را انجام نداده‌ایم که بخواهیم لیست بدهیم این لیست‌ها که منتشر می‌شود ربطی به ما ندارد. به گفته چمران، لیست نهایی به زودی اعلام می‌شود.»

- **حجت‌الاسلام والمسلمین سیداحمد خاتمی** با بیان اینگه شورای نگهبان کف صلاحیت‌ها را تشخیص می‌دهد و احراز می‌کند گفت: «اما سقف این صلاحیت‌ها که انتخاب اصلح است توسط مردم در ۲۸ خردادماه سال ۱۴۰۰ صورت خواهد پذیرفت.» وی افزود: «این رأی دادن‌ها رأی آری مجدد به نظام جمهوری اسلامی ایران است و آنهایی که توفیق نداشتند در ابتدای انقلاب به این نظام آری بگویند ۲۸ خرداد سال جاری روز بیعت مجددشان با نظام اسلامی است پس هر آن کس که دلداده حاکمیت اسلام در این کشور است در انتخابات پیش رو حضوری شکوهمند خواهد داشت.»

- **یک عضو حزب کارگزاران سازندگی** در ویژه‌برنامه شبکه المیادین برای انتخابات ریاست‌جمهوری ایران پیش‌بینی کرد که مهرعلیزاده به سود عبدالناصر همتی از رقابت انتخاباتی کنار خواهد رفت. عطریانفر در پاسخ به این سؤال که چرا حزب کارگزاران از محسن مهرعلیزاده حمایت نمی‌کند؟ گفت: «آقای مهرعلیزاده و همتی از دوستان من هستند و هر دو رفتار اصلاح‌طلبانه دارند. اما ما معتقدیم که شکسته شدن آراء در نهایت به شکسته شدن نتیجه انتخابات منجر می‌شود... ما باورمان این است که آقای همتی و مهرعلیزاده با هم حرکت می‌کنند و قبل از پایان رقابت انتخاباتی هر کدام موقعیت بهتری داشت، دیگری به سود او کنار می‌رود. سیاست ما این است هر چند نامزد داشته باشیم قبل از روز انتخابات یک نظرسنجی صورت بگیرد و نامزد نهایی بر اساس آن در رقابت بماند...» المیادین پرسید: «و شما فکر می‌کنید که در نهایت آقای مهرعلیزاده به سود آقای همتی کنار خواهد رفت؟» و عطریانفر گفت: «بله، همینطوره!»

- **روزنامه اصلاح‌طلب شرق** تمرکز خود را بر ایجاد شکاف در جبهه اصولگرایی گذاشته است. ابتدا با اشاره به یک گلایه ساده از دادستانی از قطب‌سازی رضایی علیه رئیسی گفت و بعد هم در گزارشی مدعی شده که رسانه‌های اصولگرا علیه رضایی صف‌آرایی کرده‌اند! چند مثالی هم می‌آورد اما این را ندیده می‌گیرد که فضای انتخابات است و از این دست مطالب و تیترها در همه روزنامه‌ها دیده می‌شود. رصد روزنامه‌های اصلاح‌طلب نیز ما را به مطالب بسیاری علیه همتی و مهرعلیزاده که اکنون نامزد اصلاح‌طلبان هستند، می‌رساند اما چون غرضی در کار نیست کسی از شکاف در جبهه اصلاح‌طلبی نمی‌گوید. شرق در شماره بعد نیز می‌نویسد: «از وقتی محسن رضایی آرایش علیه رئیسی و سه نامزد جبهه انقلاب به خود گرفته است، حملات اصولگرایان هم به او تشدید شده است؛ آن هم در حالی که نخستین شایعه مربوط به ردصلاحیت‌ها که از سوی کانال‌های خبری برخی جریان‌های اصولگرایی، به‌طور مشخص جبهه پایداری، منتشر شد مربوط به محسن رضایی بود!»

- **سید رضا اکرمی**، عضو شورای مرکزی جامعه روحانیت مبارز با بیان اینکه امروز مهم‌ترین مسئله مشارکت مردم در انتخابات است، گفت: دارندگان قلم باید هدف خود را بر تشویق مردم به شرکت در انتخابات بگذارند. در این شرایط بیشتر مشارکت مردم است که اهمیت دارد نه شخصی که بر صندلی ریاست‌جمهوری می‌نشیند. وی همچنین درباره حل مشکلات کشور در دولت آینده گفت: «باید دید کسی که ریاست دولت آینده را بر عهده می‌گیرد چقدر از ظرفیت‌های داخلی استفاده می‌کند. در حال حاضر نزدیک به ۲ میلیون تبعه خارجی در کشور داریم که مشغول کار هستند؛ از کار ساختمانی بگیر تا کار صنعتی. جوان‌های ما در کشور حاضر به کار کردن نیستند.» پس از سخنان رهبر معظم انقلاب درباره حواشی ایجاد شده در فرایند احراز صلاحیت‌ها اطلاعیه منتشر کرد، در اطلاعیه شورای نگهبان در راستای فرمایشات مقام معظم رهبری آمده است: «شورای نگهبان ضمن تأکید بر حفظ حرمت اشخاص و محکوم نمودن هتک حرمت و حیثیت داوطلبان و خانواده‌های ایشان از کلیه رسانه‌ها موکدا می‌خواهد با توجه به محرمانه بودن بررسی صلاحیت‌ها در این شورا و با عنایت به اینکه در بررسی‌ها مجموعه‌ای از موضوعات، مستندات و مدارک مورد ارزیابی قرار گرفته و برخی گزارش‌های نادرست در نظریه نهایی شورای نگهبان مؤثر نبوده است، از گمانه‌زنی و استناد به امور غیرواقعی و نادرست اجتناب نمایند.»

- **کاربران فضای مجازی** مشارکت گسترده در فعالیت های انتخاباتی دارند، بررسی داده‌های توئیتر نشان‌دهنده آن است که هشتگ های «#رای_می‌دهم» و «#ما_منتظر_انتخاباتیم» صدرنشین توئیتر فارسی است. علیرغم تبلیغات رسانه‌های معاند در فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی درخصوص تحریم انتخابات، هشتگ‌هایی که در حمایت از انتخابات ریاست‌جمهوری منتشر شده است، در توئیتر فارسی ترند شده است.

- **«علی تاجرنیا»** فعال سیاسی اصلاح‌طلب و از دستگیرشدگان فتنه ۸۸ گفت: «یک جریان فکری در کشور خواهان قبضه تمامی قدرت است؛ یعنی پس از این که تمامی نهادهای انتصابی را در اختیار گرفته، سعی دارد تا تمامی نهادهای انتخابی را هم از کانال نظارت استصوابی در دست بگیرد... این جریان می‌گوید در جمهوری اسلامی نباید انتخاباتی باشد و اگر انتخاباتی هم هست بیعت با یک کاندیدا است. انتخابات با این شیوه گام به گام در حال خالی شدن از روح دموکراسی است». علی تاجرنیا در ادامه گفت: «تصور می‌کنم با توجه به مجموعه فضای موجود عده‌ای تعمد دارند روح جمهوریت را از ساختار نظام بگیرند و پوسته‌ای از جمهوری اسلامی باقی بماند. آنچه در این انتخابات و روند بررسی صلاحیت‌ها گذشت نه تنها جمهوریت، بلکه نگاه اسلامی و انسانی را خدشه‌دار کرد.» طیف تندرو اصلاح‌طلب به هیچ عنوان صلاحیت اعلام نظر درباره مشارکت حداکثری و جمهوریت و مردم‌سالاری را ندارد. این طیف همان جماعتی است که در انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۱۳۸۸ با دروغ تقلب و عدم پذیرش شکست در انتخابات و امتناع از پیمودن مسیر قانونی اعتراض به نتیجه آراء، یک جشن بزرگ ملی را که به واسطه مشارکت ۸۵ درصدی شکل گرفته بود، به آشوب و التهاب بدل کرد.

الزایمر

شهروند و مافیا

اتحاد شهر

ائتلاف شهروندان در برابر فریب مافیا

حتماً شما هم بارها دیده‌اید یا تجربه کرده‌اید که در بازی «شهروند و مافیا» گروه مافیا با اینکه تعداد کمتری نسبت به شهروندان دارند، توانستند شهروندان را شکست داده و بر شهر مسلط شوند!

اما چرا شهروندان با اینکه تعداد بیشتری هستند و با وجود کارآگاه، پزشک، تک‌تیرانداز و... در شهر شکست می‌خورند؟ چه اتفاقی در بازی رخ می‌دهد که شرایط علیه شهر رقم می‌خورد؟ آیا تنها گروه مافیا عامل این شکست است یا برای شهروندان هم می‌توان سهم و نقشی قائل شد؟ یکی از دلایل اصلی شکست شهر در بازی مافیا ناتوانی شهروندان در شناختن یکدیگر و ایجاد ائتلاف شهروندی است!

اگر شهروندان گفته‌ها و تحلیل‌های جعلی مافیا را باور کنند و فریب بخورند و اعضای گروه مافیا را شهروند تلقی کنند، به راحتی با رأی خود به جای بیرون کردن مافیا، شهروندان را یک به یک از بازی اخراج و شهر را تقدیم مافیا می‌کنند! اگر شهروندان، پزشک بازی را نشناسند و به اشتباه او را از بازی خارج کنند، شهر بی‌دفاع می‌شود و اگر تک تیرانداز را با رأی غلط خود از شهر بیرون کنند، به مافیا خدمت کرده و جان آنها را نجات دادند! خطایی که می‌تواند تا سقوط شهر پیش رود.

موضوعی که در انتخابات، به‌ویژه در کوران تبلیغات و مناظره‌ها قابل تکرار است و پیش از این نیز شاهد آن بوده‌ایم که بخشی از مردم با اظهارات وارونه و دوقطبی‌سازی‌های کاذب در فضای تبلیغات انتخاباتی دچار اشتباه محاسباتی شده‌اند و رأی آن در خدمت مافیا و ضد منافع شهر قرار گرفته است. در زمان انتخابات مانند بازی «شهروند و مافیا» شهروندان باید همدیگر را پیدا و تلاش کنند که همه شهر به آگاهی برسد و با تشکیل اتحاد شهروندی مافیا را شکست دهند!

چالش

الزامات ایجاد نشاط انتخاباتی

صاحب‌نظران و فعالان سیاسی پاسخ می‌دهند

رونق بخشیدن به انتخابات و ایجاد فضای شور و نشاط انتخاباتی از عوامل مؤثر در حضور پررنگ و مشارکت گسترده مردم در عرصه انتخابات است؛ ملزومات تحقق شور و ذوق انتخاباتی که به مشارکت پرشور و حداکثری منجر خواهد شد، چیست؟ برای یافتن پاسخ این پرسش با چند نفر از کارشناسان سیاسی و رسانه‌ای گفت‌وگو کرده‌ایم که ماحصل آن در ادامه می‌آید:

تبلیغات مؤثر در فضای مجازی

زهره الهیان، نماینده مجلس: در بحث این دوره از انتخابات و فضای کرونا قاعدتاً تجمعات، همایش‌ها و هم‌اندیشی‌هایی که در دوره‌های گذشته انتخابات داشته‌ایم، خیلی قابلیت انجام ندارند و اگر به طور محدود برگزار شود، متولیان آن باید مراسم‌ها را با رعایت کامل پروتکل‌ها و اقدامات لازم انجام دهند تا آمار مبتلایان به بیماری کرونا بالا نرود. در این وضعیت تبلیغات و وبینارها در فضای مجازی رواج یافته که امر بسیار خوبی است و می‌توان با کمترین هزینه، صرف وقت و با صفر کردن احتمال ابتلا به بیماری کرونا نشست‌های انتخاباتی را برگزار کرد. الحمدلله این مسئله در فضای عمومی جامعه، در مجامع دانشگاهی و تشکل‌های دانشجویی رواج پیدا کرده و به یک رویه تبدیل شده است، ضمن اینکه رسانه‌های مکتوب، خبرگزاری‌ها و پایگاه‌های خبری نیز نقش مؤثری در دادن اطلاعات، آگاهی و تهییج مردم به مشارکت مردم در انتخابات و حضور در پای صندوق‌های رأی دارند. خوشبختانه صدا و سیما نیز برنامه‌های مدون و مستمری را از چندی قبل شروع کرده و در مجموع می‌توان گفت، وقت مکفی به کاندیداها و نمایندگان کاندیداها اختصاص داده است؛ به همین دلیل صدا و سیما نیز نقش مهمی در اطلاع‌رسانی و آگاهی‌بخشی به مردم دارد.

دقت در انتخاب گردانندگان ستادهای انتخاباتی

حجت‌الاسلام سیدناصر موسوی لارگانی، نماینده مجلس: یکی از اقداماتی که در حال حاضر می‌تواند در رونق بخشیدن به انتخابات و حضور مردم در پای صندوق‌های رأی نقش داشته باشد، بحث فضای مجازی است که باید به خوبی از آن استفاده کرد؛ نکته مهم این است که به نظر بنده تأثیر صحبت‌های کاندیداها در جریان مناظرات صدا و سیما می‌تواند نقش خیلی مؤثری در حضور مردم داشته باشد، اما نکته‌ای که نباید از آن غافل شد و باید دقت کرد، این است که مردم از حرف درمانی خسته شده‌اند، بنابراین کاندیداها باید وعده‌ها و قول‌هایی به مردم بدهند که واقعاً شنیدنی بوده و قابلیت عملیاتی و اجرایی شدن داشته باشد؛ چراکه اگر با وعده‌های غیرواقعی بخواهند رأی مردم را به دست آورند و سپس هر کاری که خواستند انجام دهند برای مردم سخت و عذاب‌آور است. در حال حاضر، حضور مردم در این دوره از انتخابات نسبت به دوره‌های قبل یک مقدار کاهش پیدا کرده است که در جذب رأی‌های خاکستری و مردم باید خود کاندیداها دقت کنند. صدا و سیما در رونق بخشیدن به انتخابات می‌تواند جدا از بحث برنامه‌هایی که کاندیداها دارند، با افرادی که مردم آنها را قبول دارند و به نوعی حرف‌های‌شان برای مردم باورپذیر است، مصاحبه داشته باشد تا روشنگری ایجاد کنند که این مسئله نیز می‌تواند در رونق بخشیدن به انتخابات مؤثر باشد.

در باب دعوت به پای صندوق رأی

حجت‌الاسلام احمد مازنی یکی از عواملی که می‌تواند در رونق بخشیدن به انتخابات و افزایش مشارکت نقش داشته باشد، این است که مردم احساس کنند سلیقه‌های آنها در میان کاندیداها حضور دارند و اگر پای صندوق رأی حاضر نشوند، سلیقه مورد نظرشان رأی نمی‌آورد ولو اینکه انتخاب هم نشود، اما مشارکت می‌کنند. اگر صدا و سیما، احزاب و رسانه‌ها به مردم بگویند که آن سوی صندوق رأی تاریک‌تر از آن است که قابل پیش‌بینی باشد، حتی اگر مردم احساس کنند که صد درصد هدف‌شان با مراجعه به پای صندوق رأی محقق نمی‌شود، اما به پای صندوق‌های رأی می‌آیند. باید صندوق رأی یکی از روش‌های گفت‌وگو تعریف شود و اگر جز این نگاه و ادبیات به انتخابات وجود داشته باشد که ملت با هم، جریان‌های سیاسی با هم و با حاکمیت و حاکمیت با مردم، از طریق صندوق رأی حرف خود را می‌زنند، ادبیات دیگری مطرح شود، برداشت بی‌تفاوتی از آن می‌شود که بی‌تفاوتی برای هیچ ملتی سود ندارد. برای اصلاح امور جامعه و حفظ اصول و ارزش‌های ملی، دینی و انقلابی راهی جز صندوق‌های رأی نداریم، لذا انتخابات فرصتی است که باید از آن استفاده کنیم و اصل حضور در پای صندوق‌های رأی، یک اصل اسلامی است. به نظر می‌رسد ادبیات صدا و سیما می‌تواند بهتر از این باشد که هست و ادبیات مسئولان و سیاسیونی که در این رسانه مردم را به انتخابات دعوت می‌کنند، باید نرم و به قول قرآن «قول لین» باشد، چراکه رفتار منفی و تخریبی بازخورد منفی دارد. در بین همه گزینه‌ها حتماً تفاوت سلیقه و روش وجود دارد و اگر این موضوع را رسانه‌ها و به خصوص رسانه ملی که متعلق به نظام ملی و اسلامی و ۸۰ میلیون نفر است، به درستی تبیین کنند و گفتمان دعوت به اصل مشارکت باشد، باعث رونق بخشیدن به انتخابات می‌شود.

استفاده از ظرفیت‌های مغفول

محمد لسانی، کارشناس و مدرس سواد رسانه: در طراحی و اجرای انتخابات در کشورهای مختلف دسته‌بندی‌هایی وجود دارد که یکی از آنها تبلیغات محیطی است که به آنها رسانه‌های بیرون از خانه نیز تلقی می‌شود؛ تلویزیون یک رسانه خانگی است و موبایل که تحرک و پویایی دارد، جزء رسانه‌های همراه است و یکسری رسانه‌های خارج از خانه وجود دارد؛ مانند رسانه‌هایی که داخل وسایل نقلیه هستند که بسیار مخاطب دارد، چراکه مخاطب اسیر دارد. هشت رسانه جمعی شامل کتاب، روزنامه، مجله، رادیو، تلویزیون، سینما، اینترنت و موبایل داریم که در کشور ما رادیو و تلویزیون خود را وقف انتخابات کرده‌اند، اما در رسانه‌های دیگر کمتر این شور دیده می‌شود. به نظر بنده رسم سلبریتی‌کشی که طی سالیان گذشته راه افتاده باید متوقف شود، چراکه سلبریتی‌ها نهاد میانجی و اهرم کنترل هستند. به نظر بنده قطعاً به میدان آوردن سلبریتی‌ها با تأکید بر سلبریتی دارای عقلانیت نه منفعت‌طلبی مهم است؛ چراکه سلبریتی‌ها گونه‌ای از رهبران افکار عمومی شناخته می‌شوند، یعنی مردم در کنش و تصمیم خود به آنها نگاه می‌کنند و بحث دیگر به میدان آوردن چهره‌های کشور است. از این رو فعال کردن ظرفیت‌های مغفول می‌تواند در رونق بخشیدن به انتخابات مؤثر باشد که این ظرفیت‌ها عبارتند از: تبلیغات محیطی، رسانه‌های جمعی و ارتباطات سنتی و رو در رو؛ ظرفیت مغفول مانده دیگر بحث خلاقیت در ارائه شعار، برنامه و معرفی کاندیداست که کاندیداها در این حوزه می‌توانند از آثار و برنامه‌های خود رونمایی کنند یا با طراحی یک پایگاه یا نرم‌افزار خود را معرفی کنند، در واقع در روش‌های نوین سرمایه‌گذاری کرده و بتوانند افراد را درگیر کنند.

دبیر گروه پرونده: متین محجوب
مصاحبه و گزارش: زهرا ظهروند

انسداد سیاسی و رواج خشونت

صف‌آرایی‌های جناح‌های سیاسی در دهه ۸۰ - بخش پنجم

مهدی سعیدی
دبیر گروه تاریخ

طرح باور «انسداد سیاسی» در فضای سیاسی کشور از سوی جریان‌ها و شخصیت‌های افراطی دوم خرداد در آستانه انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۱۳۸۰، حرکتی جدید برای ایجاد تشنج و التهاب در کشور بود. «انسداد سیاسی» که به معنای عدم امکان فعالیت سیاسی قانونی در کشور و ضرورت روی آوردن به اقدامات غیرقانونی و خشونت‌آمیز است، در حالی از سوی برخی جریان‌های سیاسی مطرح شد که این گروه‌ها مدعی «قانون‌مداری» بوده و «توسعه سیاسی» را اولویت خود مطرح کرده بودند. تکرار سطحی و طوطی‌وار این مفهوم از سوی جریان‌های افراطی دانشجویی، از جمله دفتر تحکیم وحدت ادامه داشت که از جمله آنها می‌توان به برگزاری همایش دانشجویی «اعتراض به شکل‌گیری انسداد سیاسی» در دانشگاه صنعتی امیرکبیر در پنجم آذر ماه سال ۱۳۷۹ اشاره کرد که در آن شخصیت‌هایی، چون عباس عبدی، عزت‌الله سحابی، رجبعلی مزروعی، مصطفی تاج‌زاده، علی‌اکبر موسوی‌خوئینی و علی افشاری سخنرانی کردند. از جمله سخنرانان این تجمع، عزت‌الله سحابی از اعضای اصلی جریان‌های ملی‌ـ مذهبی بود که نظرات خود را بیان کرد. وی پخش بخش‌هایی از نشست برلین، ترور حجاریان، تعطیلی روزنامه‌ها و زندانی کردن شخصیت‌های سیاسی و اعلام حکم ارتداد را از جمله تلاش‌های جناح محافظه‌کار پس از انتخابات مجلس ششم خواند و این اقدامات را نشانه حرکت برای انسداد سیاسی دانست که هرگز به نتیجه نخواهد رسید.

قطعنامه پایانی این همایش صادر می‌شود و در بخشی از این قطعنامه، ضمن متهم کردن جریان رقیب چنین می‌آید: «اقتدارگرایان، با ترتیب دادن اقداماتی از قبیل ترور، تهاجم، سرکوب و قتل‌های دامنه‌دار و زنجیره‌ای، از یک سو و از سوی دیگر، با عمل به تئوری‌های اقتدارگرایانه و سد نمودن راه مجلس از پیگیری مطالبات مردم و تئوریزه نمودن خشونت، جهت برخورد با اصلاح‌طلبان و سرکوب جنبش دانشجویی، ایجاد انسداد سیاسی را دنبال کرده‌اند.» وضعیت‌شناسی معوج از فضای سیاسی‌ـ اجتماعی کشور و رسیدن به باور «انسداد سیاسی»، بسترساز اندیشه‌های خطرناک انحرافی بود که ایده «خروج از حاکمیت» از جمله آنها به شمار می‌آمد. سناریوی خروج از حاکمیت نسخه‌ای از طرح‌های براندازانه نرم و راهبرد «نافرمانی مدنی» و «مبارزه گاندی‌وار» و... بود که در افواه بخشی از تندروهای جریان اصلاحات شکل گرفته و در قالب نوشتارهایی مطرح و تلاش شد تا به باوری عمومی در این اردوگاه بدل شود. تحصن دسته‌جمعی نمایندگان مجلس ششم و استعفای برخی از آنان را می‌توان اقدامی عملی برای تحقق سناریوی خروج از حاکمیت دانست. کوبیدن بر طبل رادیکالیسم، نتیجه‌ای جز تعطیلی باب گفت‌وگو و تفاهم و گسترش خشونت ندارد و درست اقدام علیه توسعه سیاسی به شمار می‌آید؛ رویکردی که متأسفانه با محوریت یافتن افراطیون در اردوگاه اصلاح‌طلبی و به حاشیه رفتن عقلا حاصل آمد. هر چند نباید از این حقیقت غافل شد که پروژه توسعه سیاسی که در ذات خود سکولاریزه کردن نظام اسلامی را تعقیب می‌کند، فرآیندی است که در خود نوعی خشونت را پرورش می‌دهد و بسترساز برخوردهای فیزیکی خواهد بود. نمونه‌ای از این حوادث را می‌توان در ماجرای ترور عضو شورای شهر تهران مشاهده کرد.

در حالی که فضای سیاسی سرگرم بررسی نتایج ششمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی بود، در نخستین ساعات روز بیست‌ودوم اسفند ماه سال ۱۳۷۸، سعید حجاریان، عضو شورای شهر تهران، در حالی که قصد ورود به ساختمان شورای شهر را داشت، مورد سوءقصد چند مرد مسلح قرار گرفت و به شدت از ناحیه سر، صورت و گردن مجروح شد. حجاریان که پیش از این در وزارت اطلاعات فعالیت می‌کرد و از مسئولان رده‌بالای این وزارتخانه به شمار می‌آمد، پس از دوم خرداد، به یکی از فعالان و کنشگران برجسته سیاسی جبهه اصلاحات تبدیل شده بود. وی پس از تحولات دوم خرداد، افزون بر عضویت در شورای شهر، در مسئولیت‌های متعدد دیگری، همچون عضویت در شورای مرکزی جبهه مشارکت، مدیر مسئولی روزنامه صبح امروز و مشاور سیاسی رئیس‌جمهور ایفای نقش می‌کرد. بنابراین، ترور وی در آن فضای پرالتهاب سیاسی می‌توانست به فتنه بزرگی در انقلاب تبدیل شود. پس از وقوع این حادثه، عمده شخصیت‌های حقیقی و حقوقی سیاسی‌ـ مذهبی، با همه سلیقه‌هایی که داشتند، این ترور را به شدت محکوم و آن را اقدامی در جهت به بحران کشاندن نظام ارزیابی کردند. رهبر معظم انقلاب نیز با صدور پیامی، این اقدام را جنایت‌آمیز و ناجوانمردانه نامیدند و از نیروهای امنیتی و انتظامی کشور خواستند که با دقت و سرعت هر چه تمام‌تر، در شناسایی و مجازات عاملان این توطئه سازمان‌یافته اقدام کنند.

انتظار می‌رفت پس از پیام رهبر معظم انقلاب و هشدارهای ایشان نسبت به توطئه‌های دشمنان انقلاب اسلامی، اندکی از هیجانات سیاسی برخی از نیروهای افراطی و فرصت‌طلب کاسته شود و مطبوعات با پرهیز از گمانه‌زنی‌های بی‌اساس خود، فضا را برای پیگیری نیروهای امنیتی و انتظامی کشور فراهم کنند؛ اما برخلاف انتظار، جریان دوم خرداد که فرصت را برای تسویه‌حساب‌های سیاسی از هر جهت مناسب یافته بود، به غوغاسالاری، گمانه‌زنی‌ها و اتهامات بی‌اساس علیه برخی از شخصیت‌های شاخص سیاسی و دینی، مراجع عظام تقلید، نهادهای انقلابی و نظامی و گروه‌های ارزشی وفادار به آرمان‌های امام(ره) دست زد.

مجمع روحانیون مبارز با صدور بیانیه‌ای چنین نوشت: «در این صورت می‌توان گفت علت جسارت و جرئت عوامل محفلی برای ادامه اقدامات ضد اسلام، انقلاب و میهن آنها، علاوه بر سخنان تحریک‌آمیز برخی چهره‌های مذهبی که اخیراً نیز شاهد تکرار آنها بوده‌ایم،... می‌باشند.» همچنین سه نفر از اعضای جبهه مشارکت (عباس عبدی، محسن میردامادی، صفایی‌فراهانی) در یک مصاحبه مطبوعاتی، این ترور را به نیروهای شکست‌خورده انتخابات ۲۹ بهمن نسبت دادند و صریح‌تر از آن نوشتند: «مسلماً کسانی ترور را انجام می‌دهند که در جناح مقابل دولت هستند.» (روزنامه بامداد نو). حتی رئیس دفتر آقای خاتمی گفت: «کسانی که دست به این اقدام خشونت‌بار و ناجوانمردانه زدند، در واقع می‌خواستند انتقام خود را از شکست مفتضحانه‌ای که در انتخابات مجلس نصیب‌شان شد، از مردم بگیرند.»

سازمان مجاهدین انقلاب نیز در بیانیه‌ای ضمن نفی انتساب این اقدام به تفکر سنتی‌ـ مذهبی، آن را محصول «تفکرات فاشیستی‌ـ استالینیستی» دانست که خود را در «جامه زیبای دینداری و ارزش‌مداری» پنهان کرده‌اند و درباره این جریان نوشت: «ترور سعید حجاریان اقدامی سازمان‌یافته از سوی شبکه مافیای قدرت است که طی سالیان گذشته عامل اصلی بسیاری از انحرافات و رویه‌های خطرناک در مسیر انقلاب و نظام بوده است و در دو سال و نیم اخیر با هدف ایجاد نارضایتی، اغتشاش و بحران منتهی به شبه‌کودتا و در نتیجه به شکست کشاندن جریان دوم خرداد، از هیچ خیانت و جنایتی فروگذار نکرده است.»

پرونده ترور سعید حجاریان با شناسایی و دستگیری ضاربان و تشکیل دادگاه در اردیبهشت ماه ۱۳۷۹ و محکومیت آنان ختم شد؛ اما خط دمیدن بر آتش خشونت را افراطیون دوم خرداد دنبال کردند.

تقویم انقلاب

غائله‌آفرینی در خرمشهر

سیدمهدی حسینی
مورخ و پژوهشگر

در آستانه انتخابات مجلس تدوین قانون اساسی در سال ۱۳۵۸ اخبار بدی از اوضاع شهرها منتشر می‌شد، که یک نمونه آن در خرداد ماه رخ داد. غائله‌آفرینی در استان خوزستان به خصوص خرمشهر بود. گروهی به نام «دفتر سیاسی خلق عرب» که مرتبط با حزب بعث عراق بود به تحریک مردم پرداخت تا امنیت شهر را به‌هم بریزد. فرماندار وقت خرمشهر می‌گوید: «تلاش سازمان سیاسی خلق عرب خوزستان در مرحله اول بالا بردن روحیه عصبیت قومی بود و تمام کسانی که آنجا رفت و آمد می‌کردند باید لباس می‌پوشیدند و از بلندگوی ستادشان نیز مرتب سرودهای عربی پخش می‌شود و به این وسیله اعلام موجودیت می‌کردند.» این اقدامات تفرقه‌انگیز موجب اختلاف و درگیری میان نیروهای انقلابی منطقه و عناصر خلق عرب خوزستان شد. در بین این ماجرا شیخ شبیر خاقانی مرجع تقلید وقت گروهی از عشایر منطقه تهدید به ترک ایران کرد و در این رابطه از طرف امام با او مذاکره شد و شیخ شبیر برکناری استاندار وقت خوزستان را خواستار شد و در پاسخ به این سؤال که نظرتان در مورد متن پیش‌نویس قانون اساسی چیست؟ گفت: «تنها چیزی که در مورد متن پیش‌نویس قانون اساسی می‌توانیم ذکر کنیم این است که متأسفانه علیرغم مذاکراتی که با آقای بازرگان داشتیم، هیچ حقی برای خلق عرب منظور نشده است.» همزمان با اقدامات تبلیغی و مداخله حزب بعث حاکم بر عراق در تاریخ ۲۲ خرداد ۱۳۵۸، برادر شیخ شبیر اعلام کرد: «آیت‌الله شبیر خاقانی معتقد است به رفراندوم قانون اساسی نخواهیم رسید.» در این فرصت عده‌ای در مسجد شیخ شبیر دست به تحصن زده بودند. رادیو بغداد به زبان عربی مرتبا برای مردم عرب خوزستان پیام می‌فرستاد. نیروهای عراقی نیز در مقابل پاسگاه‌های مرزی به اقدامات تحریک‌آمیز دست زدند و بالگردهای آنها در خسروآباد به پرواز درآمدند. علاوه بر این، سیل سلاح از آن سوی مرز ایران و عراق به داخل خوزستان سرازیر شد. یکی از اعضای سپاه خوزستان در این‌باره می‌گوید: «وقتی درگیری‌های خرمشهر شروع شد آن‌قدر این مرز بی‌در و پیکر بود که همین عشایر فریب خورده را با ماشین‌های وانت و کمپرسی‌های بزرگ به داخل خرمشهر می‌آوردند.» حتی استاندار وقت خوزستان نیز در این رابطه گفت: «از جانب عراق توطئه‌هایی می‌شود، صد قبضه کلاشینکف از منطقه جمع‌آوری شده است.» کار به جایی رسید که دادستانی انقلاب اسلامی آبادان و خرمشهر طی اعلامیه‌ای خبر داد: «از اول روز ۲۵ خرداد ۱۳۵۸ رفت و آمد در جاده‌های مرزی آبادان و خرمشهر از ساعت ۲۱ الی ۶ بامداد روز بعد ممنوع است و به مأموران مسئول و پاسداران انقلاب دستور داده شد که متخلفان را دستگیر و در اختیار دادگاه انقلاب اسلامی منطقه بگذارند.» در نهایت با حوادث خونینی که پیش آمد از طرف منزل شیخ شبیر تیراندازی صورت گرفت و کار به جایی رسید که به ناچار منزل شیخ شبیر محاصره شد و عده‌ای از عوامل حوادث دستگیر شدند و شیخ نیز به اهواز از برده شد. پس از آن برای منزل شیخ، مقداری سلاح و تجهیزات فروشی و مقدار زیادی دینار عراق به دست آمد.

دهلیز

تظاهرات در بلوارها!

مروری بر الگوی نوسازی ناکام رضاخانی

با روی کارآمدن سلطنت رضاشاهی، پروژه نوسازی مدنظر او که به واقع اسلام‌زدایی از جامعه ایرانی بود، آغاز شد. این فرآیند چالش میان نوسازی و ارزش‌های سنتی، عرفی و دینی را در پی داشت. بنابراین شکاف حاصل از این منازعه تا پایان عمر سلسله پهلوی ادامه داشت. تأثیرات فکری مشروطیت و حضور طبقه جدید تحصیل‌کردگان غرب در کنار طبقه حاکم، بیش از هر عامل دیگری سبب رویکرد پهلوی اول به مدرن‌سازی در کشور شد. تأثیرات فکری نهضت مشروطیت و حضور طبقه جدیدتر تحصیل‌کردگان غرب در کنار طبقه حاکم‌ـ که معتقد بودند جامعه سیاسی را باید از طریق دموکراسی و بر پایه دگرگونی‌سازی فرهنگ سنتی به فرهنگ مدرن، پیش برد و از این طریق، عظمت و تمدن گذشته را بر پایه جدید، در ایران بنیان نهاد‌ـ در واقع چشم‌انداز سیاست‌های فرهنگی این دوره است. اصلاحات و نوسازی فرهنگی رضاشاه بر سه محور ناسیونالیسم، باستان‌گرایی، تجددگرایی و مذهب‌زدایی می‌چرخید. در محور ناسیونالیسم، تأثیر نهادهای نوپدید و ترویج باستان‌گرایی با تأکید بر یکتایی نژاد آریایی به تأسیس فرهنگستانی با همین رویکرد انجامید. تجددگرایی و تضعیف ارزش‌های دینی در یک کارکرد تعاملی، بخشی از برنامه‌های نوسازی فرهنگی دولت رضاشاه به شمار می‌آمد. ریشه‌دار بودن تفکر دینی و مبانی ارزشی حاکم بر جامعه ایرانی، مانعی جدی بر سر فرآیند مدرن‌سازی در این دوره به شمار می‌رفت. تمامی اصلاحات فرهنگی در پی ایجاد هویت جمعی جدید و مبانی مشروعیت دولت مطلقه رضاشاه بود که جوهر اصلی آن، تأکید بر ناسیونالیسم تجددگرا بود. هدف دولت نوگرا از تمدن جدید، فقط ظاهر بود، نه شکوفایی اندیشه و فرهنگ.

«مخبرالسلطنه هدایت» نامی آشنا برای علاقه‌مندان به تاریخ معاصر است. این شهرت بیشتر برای حضور مکرر او با مناصب گوناگون در صحنه سیاست ایران اواخر قاجار و دوران سلطنت رضاشاه پهلوی است. دوران حیات این شخصیت سیاسی، با سلطنت شش پادشاه همزمان بود. وی که بیش از شش سال رئیس‌الوزرای رضاشاه بود در خاطرات خود می‌نویسد: «در این اوقات (در سال‌های بعد از تصویب تغییر لباس (دی ۱۳۰۷ش) روزی به شاه عرض کردم: تمدنی که آوازه‌اش عالم‌گیر است، دو تمدن است: یکی تظاهرات در بلوارها و دیگری تمدن ناشی از لابراتورها. تمدنی که مفید است و قابل تقلید است، تمدن ناشی از لابراتورها و کتابخانه است. آثاری که بیشتر ظاهر شد تمدن بلوارها بود که به کار لاله‌زار می‌خورد و مردم بی‌بند و بار خواستار بودند.»

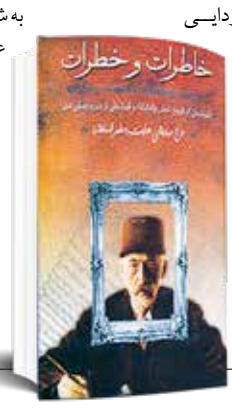

حافظه

کار اجباری

بهره‌کشی مستعمران در آفریقا

جمهوری کامرون، یکی از کشورهای مرکز آفریقاست که در سال ۱۹۶۱ با اتحاد دو مستعمره فرانسه و انگلیس تشکیل شد. در سال ۱۸۸۴، پس از کنفرانس برلین، آلمان آن را مستعمره خود کرد و این وضعیت تا پایان جنگ جهانی اول ادامه یافت. در آن زمان اتحادیه ملل، سرپرستی ۸۰ درصد از خاک کامرون را به فرانسه و ۲۰ درصد هم‌مرز با نیجریه را به بریتانیا واگذار کرد. کامرون در سال ۱۹۲۱، خودمختاری به دست آورد؛ ولی همچنان تحت فرمان انگلستان و فرانسه بود.

در سال ۱۹۴۶ و تأسیس سازمان ملل متحد، کامرون به نسبت آزادی بیشتری یافت تا جایی که احزاب اجازه فعّالیت داشتند و این کشور تحت تولیت سازمان ملل، دارای خودگردانی داخلی بود. کم‌کم کار استعمارگران بالا گرفت و درگیری‌ها از سال ۱۹۵۵ تا ۱۹۵۸ شدّت گرفت و کامرون عرصه درگیری‌های خونین برای به دست آوردن استقلال کامل از فرانسه شد. رهبری جنبش استقلال‌طلبانه کامرون، به عهده جان فونچا از «حزب دموکراتیک ملّی کامرون» بود. ناحیه زیر نفوذ انگلستان تا حدّ زیادی قدرت اداره را به دست آورد و سرانجام در سال ۱۹۵۹، مقدّمات یک کشور مستقل فراهم شد و پس از نزدیک به یک دهه خشونت و خون‌ریزی، در اول ژانویه ۱۹۶۰، کامرون از فرانسه اعلام استقلال کرد.

به دنبال همه‌پرسی در سال ۱۹۶۱، قسمت شمالی کامرون بریتانیا با نیجریه ادغام شد و قسمت جنوبی با سرزمین فرانسوی سابق، حکومت فدرال تشکیل داد.

یکی از شیوه‌های استعمارگران در مواجهه با مردم مستعمرات، وادار کردن آنان به کار اجباری بود. این برنامه پس از آن که تجارت برده در قرن نوزدهم، با مشکلاتی مواجه شد و با ممانعت‌های قانونی همراه شد، در دستور کار استعمارگران قرار گفت. کامرون نیز از جمله مستعمراتی بود که آلمانی‌های متجاوز، برای بهره‌برداری از نیروی کار ارزان آن، نقشه کشیده بودند. در همین زمینه «ماریان کورنون» در کتاب «تاریخ معاصر آفریقا» می‌نویسد:

«نیروی بدنی لازم برای کشت محصولات کشاورزی، بهره‌برداری از تولیدات کانی و نیز در مورد انجام کارهای ساختمانی عموماً به طریق تحمیل کار اجباری تأمین می‌گردید. آفریقاییان که چیزی در مغازه‌ها گیرشان نمی‌آمد تمایل بسیار کمی برای اشتغال دستمزدی در نقاط دورتر از محل سکونت خود نشان می‌دادند. مناطقی که بیش از جاهای دیگر در معرض تحمیل کار اجباری قرار می‌گرفتند، در درجه اول سرزمین بامی لکه و در درجه دوم سرزمین مونگو و باسا بودند.

تراکم جمعیت در سرزمین اول به نحو بارزی به چشم می‌خورد که خود عامل اساسی جذب کارگران اجباری به شمار می‌آمد. در سرزمین دوم استقرار اکثریت مطلق کشت محصولات کشاورزی و جنگلی اروپاییان موجبات اصلی به کار گماشتن کارگران بیکار را فراهم می‌آورد.»

نگرشی نقادانه به رویکردهای کلان نامزدهای انتخابات

خطر عقلانیت ابزاری

حمزه عالمی
دکتری اندیشه سیاسی

انتخابات ریاست‌جمهوری امسال از مناظر مختلفی اهمیّت دارد که در نوشته‌های گوناگون آن را تذکر داده‌ایم، با این حال تبیین بیشتر این موضوع از منظری تازه، روشن‌کننده خواهد بود. با ورود به دهه پنجم انقلاب اسلامی مطالعه رویکردهای کلان حاکم بر حکمرانی و سیاست‌ورزی در جمهوری اسلامی ایران و اصلاح این رویکردها در انتخابات ۱۴۰۰ ضرورت بسیار مهمی است؛ چرا که رویکردها یا جهت‌گیری‌های کلان که روح حاکم بر سیاست‌های یک نظام سیاسی را تشکیل می‌دهند، طبق تجربه بیشتر از طریق قوه مجریه پیش رفته و عملیاتی می‌شوند؛ مهم‌تر اینکه این رویکردهای کلان در وضعیت کنونی غلبه روزمره‌گرایی بر ذهن مسئولان و حتی بخشی از نخبگان فکری به سرعت از ذهن می‌گریزند و به حاشیه می‌روند، آنگاه با گذشت عمری از یک دولت و به ثمر نشستن اقداماتش، وقتی به عقب می‌نگریم، می‌بینیم که برای نمونه روح سیاست‌های اقتصادی آن دولت را نئولیبرالیسم تشکیل داده و جمهوری اسلامی را به سمت‌وسویی برده است که دیگر مجالی برای جبران خسارت‌ها نیست، بنابراین علاج واقعه پیش از وقوع باید کرد.

رویکردهای کلان

مطالعه مواضع نامزدهای مختلف انتخابات ۱۴۰۰ـ که تا لحظه نوشتن این یادداشت منتشر شده و نگارنده بخش زیادی از آنها را مطالعه کرده است ـ گویای جایگاه برجسته و مهم مشکلات اقتصادی در مواضع نامزدهای مذکور است و در این زمینه تفاوتی میان نامزدهای اصولگرا یا اصلاح‌طلب وجود ندارد. فراوانی مشکلات اقتصادی و معیشتی و نقش اساسی حل این مشکلات در حرکت موفق به سوی تمدن‌سازی امری انکارنکردنی است و نگرش نقّادانه این یادداشت به معنای اولویّت ندادن به رفع این مشکلات نیست، اما این موضوع را از منظر دیگری می‌نگرد که در پایان روشن خواهد شد.

به صورت کلی، جریان اصلاح‌طلب که خود را داعیه‌دار تقدّم توسعه سیاسی بر توسعه اقتصادی می‌دانست، چند سال است با افزایش مشکلات اقتصادی و نیز سوء مدیریت دولت روحانی در حل این مشکلات، از برج عاج روشنفکری ـ البته صورت موقت ـ پایین آمده و تلاش کرده است، با تأکید بر «جامعه‌گرایی»، به مشکلات اقتصادی جامعه به ویژه مشکلات طبقه پایین توجه کند و هرچند در عمل اقدام خاصّی انجام نداده است، اما سعی کرده در افکار عمومی خود را صرفاً با نگرش‌های سیاسی و فرهنگی تعریف نکند. با این حال نمی‌توان نشانه برجسته‌ای از شکل‌گیری این ادراک در جامعه مشاهده کرد. در جریان رقابت‌های انتخاباتی اکنون نامزدهای نزدیک یا وابسته به این جریان ـ که یکی از آنان سابقه مدیریت مالی و اقتصادی دارد ـ تلاش می‌کنند نسخه و برنامه اقتصادی خاص خود را ارائه دهند و در مجموع رویکرد کلان حاکم بر نامزدهای این جریان بر حل مشکلات اقتصادی و معیشتی تأکید دارد، هرچند نامزد اقتصاددان نزدیک (یا همسو) با این جریان سعی می‌کند خود را داعیه‌دار مطالبات و نگرش‌های سیاسی اصلاح‌طلبان قلمداد کند، اما طنّازی این اقدام بر همگان روشن است.

نامزدهای جریان اصولگرا که در افکار عمومی جامعه به عنوان افرادی دغدغه‌مند نسبت به معیشت مردم شناخته شده‌اند، با ارائه برنامه‌های اقتصادی مختلف، خود را در مقام ناجی وضع موجود قلمداد کرده‌اند و مروری بر سابقه عملکرد نیروهای اصولگرا، از اوایل دهه ۸۰ تاکنون نیز گویای این است که دعاوی آنان در حل مشکلات اقتصادی و معیشتی جامعه می‌تواند در افکار عمومی کشور باورپذیر باشد.

نقد رویکردهای کلان

برجسته بودن شعارها و برنامه‌های اقتصادی در مواضع نامزدهای این دوره از انتخابات دلایل منطقی زیادی دارد، اما آنچه در اینجا مهم است اندیشیدن به مبانی فکری رویکردهای اقتصادی و آثار و نتایج فرهنگی این اقدامات است. این موضوع بسی فراتر از نگرش الصاقی به فرهنگ است، به این معنا که فرهنگ برچسبی نیست که بعد از تولید یک کالا بر آن چسبانده شود و به این ترتیب امیدوار بود که کالای مذکور با هویت فرهنگی یک جامعه سازگار شود؛ فرهنگ روح حاکم بر تمامی سلول‌های یک اقدام اقتصادی (از جمله تولید یک کالا) و همه فرآیند آن از ابتدا تا انتهاست و این موضوعی است که نه تنها در شعارها و برنامه‌های اقتصادی نامزدهای انتخابات مغفول مانده است، بلکه اساساً چندین سال است با این خلأ بسیار مهم مواجه هستیم. نکته مهم این است که مشکل عدم پیوند فرهنگ با اقتصاد، بیش از همه در رویکردهای اقتصادی نیروهای اصولگرا باید مدّ نظر قرار گیرد و دغدغه آنان را برانگیزد، چرا که اولاً برنامه‌های اقتصادی اصلاح‌طلبان که در نگرش‌های نسبتاً نئولیبرالی کارگزاران سازندگی ریشه دارد و در دولت روحانی بازتولیده شده است، اصالت چندانی برای فرهنگ قائل نیست، در حالی که این سیاست‌ها آثار مخرّب و ویرانگر فرهنگی خاص خود را دارد، اما به هر حال انتظار پیوند فرهنگ و اقتصاد از اقدامات آنان بیهوده است و ثانیاً جریان اصلاح‌طلب از آنجا که مدعی ادامه مسیر انقلاب اسلامی به سوی تمدن اسلامی نیست، بنابراین ضرورتی نمی‌بیند که به تبعات فرهنگی اقتصاد بیندیشد و آن را در افق تمدن‌سازی اسلامی بنگرد، بنابراین در چنین فضایی مسئولیت نیروهای اصولگرا برای اندیشیدن به مبنای فکری برنامه‌ها و اقدامات اقتصادی خود و آثار فرهنگی آنها دوچندان می‌شود.

با وجود این، آنچه از مواضع نامزدهای اصولگرا منتشر شده است، امیدواری برای پیشبُرد این مسئولیت را برنمی‌انگیزد. برای نمونه، برخی از نامزدهای اصولگرا بر دو موضوع اقتصادی مهم تأکید کرده‌اند که واکنش‌های زیادی را هم برانگیخته است و آن دو عبارتند از: تأمین مسکن و افزایش یارانه‌های نقدی؛ اتفاقاً این دو موضوعاتی هستند که قبل از داشتن ماهیت اقتصادی، هویّت فرهنگی دارند. مسکن، از نوع آن گرفته تا محل و مکان ایجادش، اساسی‌ترین موقعیّت شکل‌گیری خلقیّات، ارزش‌ها و سبک زندگی یک فرد است. یارانه نقدی نیز اثرگذارترین متغیّر بر روحیه و فرهنگ کار است. این دو موضوع وقتی در دولت احمدی‌نژاد شکل گرفتند، مجالی برای اندیشیدن به هویت فرهنگی آنها در کوران عملگرایی سطحی پیدا نکردند و در وضعیت کنونی نیز روا نیست نامزدهای اصولگرا این دو را بدون تأمل در مبانی فکری و آثار فرهنگی‌شان در دستور قرار دهند.

این موضوع را درباره بسیاری از برنامه‌های اقتصادی نامزدهای انتخابات ۱۴۰۰، به‌ویژه نامزدهای اصولگرا باید در نظر گرفت؛ رویکرد ایران به تجارت خارجی، توسعه روابط اقتصادی با شرق، چگونگی دور زدن تحریم‌ها (و حتی تأکید برخی بر استفاده از رمزارزها برای کاستن از سیطره دلار) و... همه اقداماتی هستند که به هیچ‌وجه تنها در دایره اقتصاد تعریف نمی‌شوند و خواسته یا ناخواسته، آثار و پیامدهای فرهنگی و حتی فکری و معرفتی خاص خود را دارند. نیندیشیدن به این آثار و پیشه کردن سکوت، راه سیطره عقلانیّت ابزاری را بر جهت‌گیری‌های کلان کشور هموار می‌کند و زمینه هبوط ارزش‌های انقلاب اسلامی را فراهم می‌آورد.

ریزش‌ها

فراز و فرود سیدعلی محمد دستغیب ـ ۷

از او تقلید کنید!

یکی از معیارها، قرب و بعد آدم‌ها و جریان‌ها به دشمنان نشان‌دار انقلاب توصیفی است که آنها از شخصیت‌ها و جریان‌های سیاسی دارند. امام(ره) می‌فرمایند، هر گاه دشمنان از شما تعریف کردند در راه خودتان شک کنید و هر گاه از شما بد گفتند، بدانید در مسیر درست قرار دارید. دکتر باقر لنکرانی، وزیر بهداشت دولت نهم درباره همشهری شیرازی‌اش سیدعلی محمد دستغیب می‌گوید: «ما این را افتخار نمی‌دانیم اولین جایی که مرجعیت ایشان را اعلام کرد رادیو VOA آمریکا باشد. این نکته بسیار تاریکی است و انسان باید از خودش بپرسد که چرا دشمن چنین سرمایه‌گذاری را روی من کرده است. بعضی از صحبت‌ها هنوز به گوش کسی نرسیده، تبدیل به خبر دوم و سوم شبکه‌های دشمن می‌شود.» واقعاً اگر کسی در مسیر امام(ره) باشد و شهرت و نفوذش را مدیون و مرهون شهید دستغیبی باشد که خالصانه و مجاهدانه برای امام تلاش کرد و محرومیت‌ها کشید و در انتها نیز جانش را فدای آرمان‌های اسلام و امام کرد، می‌تواند در مقابل تفکر امام و شهید دستغیب بایستد.. شهید دستغیبی که در خصوص رهبری در نظام اسلامی و ولایت فقیه در مجلس خبرگان طرفدار جدی اصل ولایت فقیه بود. سرعت حرکت دستغیب در مسیر خلاف راه و آرمان امام راحل به قدری تند بود که «گویانیوز» پایگاه اینترنتی ضد انقلاب که چند سال پیش و تا هفته‌ها رسماً آگهی استخدام در سازمان جاسوسی آمریکا را منتشر می‌کرد، در مقاله‌ای به قلم «ناصر م»، فردی که در خارج کشور حضور دارد و در اوج فتنه ۸۸ خواستار حمایت از حمله رژیم صهیونیستی به ایران شده بود، از وی دفاع می‌کند و با سرزنش از جریان‌های متمایل به غرب در داخل می‌خواهد: «ای اصلاح‌طلبان مدعی چرا در نبرد با نظام از آیت‌الله دستغیب به عنوان یک روحانی متقی تقلید نمی‌کنید!؟» به راستی مگر دستغیب چه جور مطالب و مواضعی داشت که طمع عناصر ضد انقلاب را برانگیخته بود؟! برخی از مواضع وی به اختصار این چنین بودند:

۱ـ موضع‌گیری‌های ناصواب علیه نظارت شورای نگهبان به ویژه انتخابات مجلس خبرگان؛

۲ـ مخالفت صریح و بی‌منطق و غیرمستند با شخص رهبر معظم انقلاب در مجلس خبرگان رهبری؛

۳ـ اعلام حمایت از موسوی و کروبی بعد از اغتشاشات و تمکین نکردن نامبردگان از قانون؛

۴ـ سکوت در مقابل حرمت‌شکنی گستاخانه و وقیحانه عاشورای حسینی و دهها موضع مسئله‌دار و چالش‌ساز دیگر.

آفاق

نظریه نظام انقلابی -۵۳

ضرورت جوان‌گرایی!

محسن محمدی الموتی
استادیار مجتمع آموزش عالی شهید محلاتی(ره)

به پنج الزام از الزامات تحقق نظام انقلابی در سطح کارگزاری اشاره شد. در این مطلب تعدادی دیگر از این الزامات بررسی می‌شود.

۶ـ اقدام قاطع برای حل مشکلات و مبارزه با مفسدان: اقدام جهادی، انقلابی، قاطع، سریع، مقتضی و متناسب برای حل مشکلات و برخورد بدون مماشات و ملاحظه با اخلالگران و مفسدان در امور کشور از دیگر الزامات تحقق گام دوم انقلاب اسلامی است. بر این اساس، مسئولان باید در حوزه‌هایی که می‌توانند و مربوط به حوزه مسئولیت آنهاست، عزم و اراده جدی برای حل مشکلات داشته باشند. به نظر می‌رسد در صدر این اقدامات باید ایجاد ثبات نسبی در اقتصاد، حمایت از اقشار ضعیف و کم‌درآمد، ایجاد فرصت‌های شغلی، چابک‌سازی روندهای بوروکراتیک، مبارزه جدی، علنی، شفاف و اثربخش با مفسدان و محتکران، به ویژه آقازاده‌ها و نزدیکان به برخی مسئولان و... قرار داشته باشد.

۷ـ پرهیز از رویکرد جناحی و حزبی در اداره امور: عمل جهادی به حواشی مسئله‌ساز توجه ندارد؛ زیرا آنچه در عمل جهادی مهم است، خدمتگزاری است. از این رو، در عمل جهادی باید تلاش شود تا بدون توجه به وابستگی‌های حزبی و جناحی، از ظرفیت تمامی نیروهای مؤمن و معتقد به اصول و مبانی نظام جمهوری اسلامی استفاده شود تا آنان به سوی عملکرد واگرایانه کشیده نشوند.

۸ـ تلاش برای گسترش عدالت: توجه به عدالت در گام دوم انقلاب اسلامی از چند جنبه حائز اهمیت است؛ اول اینکه عدالت یکی از شعارهای اصلی انقلاب اسلامی و در عین حال، از مهم‌ترین کارویژه‌های حکومت اسلامی است. دوم اینکه عدالت از جمله حوزه‌هایی است که اگرچه در چهل سال گذشته مورد توجه بوده، اما هنوز هم مسائل حل نشده فراوانی در ارتباط با آن وجود دارد. نظام انقلابی در گام دوم انقلاب اسلامی نمی‌تواند به مسئله عدالت بی‌توجه باشد.

۹ـ جوان‌گرایی: میدان دادن به جوانان به منزله مخاطبان اصلی رهبر معظم انقلاب در بیانیه گام دوم، الزامی تردیدناپذیر در حوزه تحقق نظریه نظام انقلابی است. این موضوع از چند جنبه حائز اهمیت است؛ اول آنکه میدان دادن به جوانان تجربه موفقی است؛ یعنی در هر جایی که به جوانان اعتماد شده، موفقیت حاصل شده است. دوم آنکه کشور در آستانه یک گذار نسلی قرار دارد که طی آن، نسل اول و دوم انقلاب باید رسالت‌ها و مسئولیت‌های انقلاب را به زودی به نسل جوان واگذار کنند.

سیاست‌نامه

اندیشه سیاسی فضل‌الله نوری-۲۶

ثمره شهادت!

فتح‌الله پریشان
دبیر گروه اندیشه

در سیر بررسی و ارزیابی کارنامه شیخ فضل‌الله نوری به فصل شهادت ایشان می‌رسیم و این سؤال حائز اهمیت است که این شهادت چه پیامدهایی در ایران داشت؟

شهادت شیخ فضل‌الله در فضای خاصی رقم خورد؛ یعنی هم در داخل و هم در خارج ایران و بخشی از عتبات که جزء عثمانی بود فضای خاصی حاکم بود؛ یعنی رقابت سیاسی میان جریان‌های مختلف به شدت در رواج حاکمیت یک دیدگاه تأثیر داشت و خبرسازی‌ها و پذیرش و نقل و انتقال برخی از اخبار سیاسی هم مؤثر بود. مرحوم شیخ فضل‌الله در فضایی به شهادت رسید که تهران به دست گروه‌های مختلف فتح شده بود، به گونه‌ای که حتی ریاست نظامی شهر هم در دست فِرَق غیر اسلامی بود و این در روند قضایای مشروطه معنادار بود.

فضاسازی‌ها علیه شیخ به قدری سنگین و اثرگذار است که در خاطرات حاج سیاح محلاتی، این تعبیر اهانت‌آمیز درباره شیخ به قلم او نوشته می‌شود: «شیخ فضل‌الله به واسطه حسدی که به سیدعبدالله و سیدمحمد داشت، مرکز فساد و مخالفتی علیه مشروطیت درست کرده بود.»

این تعبیر می‌رساند که جناح‌های مشروطه‌خواه داخل و خارج از تهران اساساً با علما و از جمله شیخ فضل‌الله سر آشتی ندارند که بخواهند ماجرای شهادت ایشان را به نحو درست حکایت کنند.

یا وقتی به لحن سخنان کسی مانند شیخ ابراهیم زنجانی که حکم اعدام شیخ را صادر می‌کند نگاه می‌کنیم، علاوه بر درک غربت و مظلومیت شیخ، به شناخت بهتر زمینه و زمانه وی نائل می‌شویم که جریان غربگرا به هر حال قصد دشمنی جدی با علما و روحانیتی را دارند که به دنبال حفظ اصالت‌های دینی هستند و طبیعتا اختلاف رایج در جامعه را به نحوی می‌خواهند هدایت کنند که مشروطه غربی از دل آن بیرون آید.

شیخ ابراهیم زنجانی درباره اختلاف عین‌الدوله با علما معتقد است: «کاش اختلاف دولت و ملت یعنی درباریان و آخوندها در سر ترتیب اداره مملکت و نفع ملت و بقای استقلال و طرز اداره بود. خیر! بر سر این بود که این مشت رعیت بدبخت را که در خطر مرگ هستند، دولتیان بیشتر بخورند یا ملاّها.» این لحن صحبت کسی است که لباس روحانیت به تن کرده، اما دچار فساد اعتقادی و رفتاری شده و مورد حمایت اجانب و گرایش‌های ماسونی شده است. بنابراین مهم‌ترین پیامد شهادت شیخ شناخت جریان‌ها و افرادی بود که خود را در پوشش انقلابیون و آزادی‌بخش‌های جامعه پنهان کرده بودند.

مردم با شناخت این افراد و اقدامات‌شان با اهداف و پیامدهای حضور اجانب و استعمار آشنا شدند و به این ادراک رسیدند که منافع ملت باید از سوی خود ملت و رهبران دینی در خط اسلام راستین صیانت شود. علمای اسلام به این واقعیت تلخ و به قیمت گزاف جان شیخ نائل شدند که دچار شدن به تفرقه اعتقادی و تحلیل‌های غلط متمایز از اختلاف سلیقه است و راه نفوذ و ضربه زدن را به دشمنان اسلام می‌دهد و دهها درس دیگر که زمینه‌های پیروزی انقلاب اسلامی ملت ایران را در سال ۱۳۵۷ فراهم کرد.

نکته‌گرام

حسین مرتضی، فعال فضای مجازی عرب‌زبان: شرکت تویوتا به بهانه تحریم اقتصادی ایران از فروش اتومبیل (آمبولانس) به وزارت بهداشت و هلال احمر ایران خودداری می‌کند. توجه داشته باشید که اتومبیل‌های سازمان تروریستی داعش را تویوتا تولید می‌کند و این سازمان در آغاز سال ۲۰۱۱ بیش از ۱۵ هزار خودروی تویوتای صفر کیلومتر دریافت کرده است.

حجت‌الاسلام همازاده ابیانه، طلبه فعال فضای مجازی: بخشی از جر و بحث نفتالی بنت که به جای نتانیاهو نخست‌وزیر رژیم اشغالی شده، با مهدی حسن در شبکه الجزیره رو دیدم. دیدگاه عمیقاً ایدئولوژیک برای پاکسازی نژادی و اشغالگری داره که نه حاصل تحرکات نظامی مخالفانش است و نه متعهد به قراردادهای صلح.

مهدی فضائلی، کارشناس رسانه: واشنگتن‌پست ضمن پیشنهاد تأخیر در مذاکرات نوشته پس از انتخابات احتمالاً واشنگتن «ارزیابی دقیق‌تر و مطمئن‌تری» خواهد داشت و «در موضع بهتری برای دادوستد امتیازات» قرار می‌گیرد! پ.ن: دشمن منتظر کاهش مشارکت برای فشار و گرفتن امتیاز بیشتر است.

قیس قریشی، کارشناس بین‌الملل: بزنید تو دهن اون سایبری سعودی اماراتی که تو کشورش یک خانواده بدون انتخابات حکومت می‌کنند و اسم کشور اسم قبیله است و نه انتخابات دارند و نه آزادی بیان و عقیده و به خاطر یک توئیت اعدام می‌کنند، اون وقت نگران انتخابات و آینده دموکراسی در ایرانند!

عباسعلی کدخدایی، سخنگوی شورای نگهبان: سرانجام نتانیاهو با پرونده‌ای مملو از ظلم، جنایت و فساد به مزبله تاریخ پیوست. اکنون به موازات محاکم داخلی که پیگیر فساد بی بی (نتانیاهو) هستند، از ICC نیز انتظار می‌رود به عنوان مطالبه جامعه بین‌المللی او را بابت جرایم بیشمار در سرزمین‌های اشغالی، از جمله کودک‌کشی محاکمه کند.

عبدالله گنجی، روزنامه‌نگار: خوشبختانه عمده کاندیداها سخن خود را بر زندگی و معیشت مردم متمرکز کرده‌اند. این را باید یک گام به جلو دانست یا واقعیت‌ها نمی‌گذارد، از گفتمان غالب عدول کنند یا جنس کاندیداها این‌گونه است. حال نوبت انتخاب‌کنندگان است تا به جای رأی عاطفی بین مشکلات خود و کاندیدا پلی برقرار کنند.

علیرضا گرائی، فعال فضای مجازی: دغدغه‌های مردم؛ قیمت دلار، بیکاری، مسکن، گرانی، بی‌ثباتی، فساد، رانت‌خواری و... دغدغه غربزده‌ها: سانسور مستند، پیامک حجاب، جابه‌جایی زمان مناظره، رنگ انتخاباتی و... اگر کسی خودش را به خواب نزده باشد، همین برایش کافی است.

سیدمصطفی میرسلیم، نماینده مجلس: نامزدهای ریاست‌جمهوری به جای عوام‌فریبی با مسابقه دادن در اعلام ارقام یارانه نقدی، به بیان چگونگی رونق دادن به اقتصاد و اشتغال مولد بپردازند با تکیه بر کارنامه خودشان.

محمد ایمانی، فعال سیاسی: اسحاق هرتزوگ در حالی به عنوان رئیس رژیم اشغالگر قدس معرفی شد که اوضاع سیاسی و امنیتی این رژیم بحرانی‌ترین دوره خود را سپری می‌کند.

بر خط باج‌گیری!

محمد صالح نادری
کارشناس فناوری اطلاعات

دنیای سایبری و مجازی آنقدر با دنیای واقعی ما یکپارچه و عجین شده است و اثراتش بر تمام جنبه‌های زندگی‌مان مشهود است که شاهد هستیم بزهکاری‌های سایبری از جرم و جنایت‌های دنیای واقعی بیشتر شده است. امروزه دیگر با گروه‌های خلافکار و بانک‌زن سر و کار نداریم، تمام آنچه برای به دست آوردن پول نامشروع لازم است، فقط یک رایانه و یک ارتباط اینترنتی است!

مجازی شدن خدمات و سرویس‌های دریافتی باعث به طمع انداختن افراد شرور برای کلاهبرداری‌های اینترنتی و نوعی باج‌گیری برخط شده است. باج‌گیری‌های برخط که در گذشته بود، در نهایت با قفل کردن دسترسی کاربران به داده‌های شخصی‌شان، از آنها طلب مبلغی پول برای آزادسازی آن دسترسی می‌کردند، اما امروزه باج‌گیران به سراغ سرویس‌ها و خدمات همگانی می‌روند و با از کار انداختن آنها و زدن خسارت به شرکت‌ها به دلیل توقف آن سرویس، شرکت‌های مزبور را مجبور به پرداخت باج برای راه‌اندازی مجدد سرویس می‌کنند.

برای نمونه ماه گذشته، در پی حمله سایبری به بزرگ‌ترین خط لوله انتقال نفت در منطقه آمریکای شمالی، پمپ بنزین‌های ایالات مختلف آمریکا در امتداد ساحل شرقی دچار کمبود سوخت شدند. این حمله سایبری فلج‌کننده، فعالیت بزرگ‌ترین خط لوله انتقال نفت در آمریکای شمالی را متوقف کرد. خط لوله کلونیال، بزرگ‌ترین شبکه توزیع سوخت در آمریکا به شمار می‌رود که طول آن ۸۸۵۰ کیلومتر بوده و نیمی از سوخت مورد نیاز مردم آمریکا در ایالت‌های شرقی این کشور را تأمین می‌کند. حمله سایبری به خط لوله انتقال سوخت به گونه‌ای بود که رایانه‌های شبکه توزیع سوخت، همگی هک و خاموش شده بودند! چنین حمله سایبری سبب شده بود که قیمت بنزین در آن منطقه به مرز ۳ دلار برسد و چیزی تا بالاترین رقم خود از سال ۲۰۱۴ فاصله نداشت. یک گروه هکر به نام دارک ساید، مسئول حمله سایبری به شبکه توزیع سوخت کلونیال بوده است. هکرها طی پیغامی غیرمستقیم گفته بودند که به دنبال ایجاد اختلال نیستند، بلکه قصدشان فقط دریافت باج بوده است.

هک کردن و از کار انداختن شبکه انتقال سوخت تنها یک پیامد را که فقط قطع دسترسی مردم به سوخت باشد، ندارد؛ قطعی بنزین، رفت و آمد مردم، حضور کارمندان در ادارات، انتقال مواد غذایی، نرسیدن بسته‌های پستی و... حتی درگیری و نزاع مردم را در پی دارد. شاید به همین دلیل بود که در نهایت هکرها به هدف خود رسیدند و توانستند ۵ میلیون دلار از این شرکت باج بگیرند!

اعلام خبر پرداخت باج به هکرها در آمریکا با واکنش‌های بسیار شدیدی روبه‌رو شد و بسیاری تسلیم شدن شرکت سوختی در مقابل هکرها را نشان ضعف سیستم امنیتی آمریکا دانستند که باعث خواهد شد هکرها به کار خود ادامه دهند که همان هم شد و در تازه‌ترین باج‌گیری، بزرگ‌ترین شرکت توزیع‌کننده گوشت گاو و مرغ در جهان مورد حمله هکرها قرار گرفت! در این حمله مانند حمله شرکت سوختی، مقامات آمریکایی برای پنهان کردن ضعف خود، روسیه را مقصر اعلام کردند و حتی مقامات آمریکایی از روس‌ها خواستند که به مجرمان و هکرها در کشورشان پناه ندهند! چیزی که روس‌ها تکذیب کردند. باجگیران برای پایان دادن به حمله خود، باز هم تقاضای پول کرده‌اند که دور از ذهن نیست که به خواسته خود برسند، زیرا تنها چند ساعت پس از اعلام این خبر، قیمت مرغ و گوشت در آمریکا بالا رفت.

با گره خوردن زندگی انسان‌ها به رایانه‌ها و متکی بودن سوخت، مرغ، گوشت و حتی آب و... به دنیای دیجیتال، باید به امنیت در فضای سایبر بیشتر توجه کرد. دیگر با سارقانی که تنها داده‌های ما را بدزدند، روبه‌رو نیستیم، در کشور خودمان ایران هم هر چند وقت یک بار اخباری مبنی بر لو رفتن اطلاعات کاربران یک شرکت فناوری را می‌شنویم. حریم خصوصی و امنیت اطلاعات موضوعی است که در ایران به آن کمتر توجه شده است. مدتی قبل بود که خبر فروختن اطلاعات ۲۴ میلیون کاربر ایرانی شبکه‌های اجتماعی در انجمن‌های اینترنتی منتشر شد! نشت اطلاعات حتی به کاربران مراکز حساس هم رسید و ماه گذشته خبری مبنی بر لو رفتن اطلاعات ۳۰ میلیون مشتری بانک ملت، بین کاربران فضای مجازی می‌چرخید؛ در حالی که هیچ‌کدام از مدیران این بانک حاضر به پاسخگویی نبودند.

باید بدانیم تلاش هکرها برای باج‌گیری اصولاً با رخنه‌های ساده و سطحی آغاز می‌شود و پس از آنکه سیستم را کاملاً آلوده کرده و آلودگی را در سراسر شبکه پخش کردند، با فعال کردن کدهای خود و قفل کردن خدمات، تقاضای باج خواهند کرد. تلاش برای مقابله با این حملات سایبری در همه جای دنیا وجود دارد و شرکت‌های امنیتی در دنیا، بیشترین سود را از آن می‌برند. سال‌ها قبل شایعه‌ای در فضای مجازی منتشر شد که هیچ‌گاه رد نشد و آن این بود که یکی از غول‌های امنیتی دنیا، برای ماندن در رتبه‌های بالا، ویروس‌های رایانه‌ای را منتشر کرده است که با کشف ظاهری آنها، اعتبارش را حفظ کند! حتی برخی گمان می‌کنند که باج‌گیران امروزی، می‌توانند شرکت‌های امنیتی باشند که هم باج را می‌گیرند و هم با افزایش سهام شرکت‌شان، بازی دو سر بردی را راه می‌اندازند! امری که سبب شده است باج‌گیران و باج‌دهندگان برای همیشه باقی بمانند!

برق کجا رفت؟

امیرمهدی صالحی
کارشناس رسانه

نه تنها امسال، بلکه با داغ شدن بازار رمزارزها در سال‌های گذشته هم، هروقت حرفی از قطعی برق به میان می‌آمد، دلیل آن را گردن رمزارزها و مصرف شدن توان برقی کشور برای روشن نگه‌داشتن تجهیزات به دست‌آوری و استخراج رمزارز می‌انداختند. اگرچه شاید فرسودگی صنعت برق کشور یکی از دلایل قطعی‌ها باشد، اما نباید نقش استخراج‌کننده‌های غیرمجاز ارزهای دیجیتال را نادیده گرفت. مشترکانی که با ایجاد مزرعه‌های تولید غیرقانونی بیت‌کوین و سایر ارزها، در شبکه توزیع برق کشور خلل ایجاد کرده‌اند.

اما چرا بیت‌کوین و رمز ارزها برق مصرف می‌کنند؟ بیت‌کوین شبکه‌ای از کامپیوترها و دستگاه‌هایی است که در سراسر دنیا وجود دارد و به اصطلاح ماینر یا استخراج‌کننده شناخته می‌شوند. هر دو کار تأیید تراکنش‌ها و ایجاد بیت‌کوین جدید بر عهده ماینرها یا همان استخراج‌کنندگان بیت‌کوین است. استخراج بیت‌کوین یک صنعت چند میلیارد دلاری در دنیاست. با رشد قیمت بیت‌کوین در سال‌های اخیر، افراد زیادی برای استخراج این ارز هجوم آورده‌اند. در ایران نیز به دلیل قیمت پایین برق، هزینه استخراج بیت‌کوین کمتر از برخی کشورهای دنیاست. به همین دلیل در مدتی محدود، مزارع استخراج بیت‌کوین زیادی با برق کشاورزی، برق صنعتی و... راه‌اندازی شده است. خوراک اصلی دستگاه‌های ماینر، برق است. یک نمونه متداول دستگاه ماینر توان مصرفی ۱۳۵۰ وات دارد. کافیه مقایسه کنید با یک لپ‌تاپ معمولی که تنها حدود ۵۰ وات برق مصرف می‌کند. این در حالی است که استخراج‌کننده‌ها یه یک ماینر بسنده نمی‌کنند و به اصطلاح مزرعه‌ای از ماینرها را ایجاد می‌کنند که مصرف برق بسیار بالایی را به وجود می‌آورد.

شاید جالب باشد که بدانید مصرف کل شبکه بیت‌کوین نزدیک به مصرف برق کشور اتریش است و مصرف برق هر تراکنش بیت‌کوین برابر با مصرف برق ۲۰ روز یک خانواده معمولی در آمریکاست! بنابراین وقتی شما مقداری بیت‌کوین از یک آدرس به آدرس دیگر می‌فرستید، معادل مصرف برق ۲۰ روز یک خانواده آمریکایی برق مصرف می‌کنید. چنین مصرف بالایی دلیل بر این شده تا انتقادات زیادی به بیت‌کوین وارد شود، زیرا مصرف برق بالای شبکه بیت‌کوین موجب شده تا این شبکه مسئول انتشار گازهای گلخانه‌ای به اندازه کشور دانمارک باشد.

از دلایلی که سبب شده است بیت‌کوین چنین مصرف برق بالایی را داشته باشد، الگوریتم آن است که بر اساس اثبات کار بنا شده است. اثبات کار همان مفاهیمی است که تا به اینجا گفته‌ایم، یعنی روشی برای تأیید تراکنش‌ها در شبکه‌های غیرمتمرکز که به آن همان استخراج یا ماینینگ می‌گویند. در این روش افراد داوطلب می‌توانند قدرت پردازشی سخت‌افزار کامپیوتر خود را به شبکه یک ارز دیجیتال مانند بیت کوین اختصاص بدهند و با کمک به تأیید تراکنش‌ها از شبکه پاداش دریافت کنند. ضعف بیت کوین در مصرف بالا استفاده از همین ساز و کار است. در مقابل این الگوریتم، ما اثبات سهام را داریم که یک روش جایگزین برای تأیید تراکنش‌ها در شبکه‌های غیرمتمرکز است که به سخت‌افزار و مصرف برق نیاز ندارد. در یک شبکه مبتنی بر اثبات سهام افرادی که بخواهند در کار تأیید تراکنش‌ها شرکت کنند، باید ارز دیجیتال آن شبکه را بخرند و در کیف پول خود به شبکه اختصاص دهند یا به‌اصطلاح سهام‌گذاری کنند. به این ترتیب در ازای سهامی که در اختیار شبکه قرار داده‌اند، به‌طور مرتب مقداری به ارزهای دیجیتال آنها اضافه می‌شود. یعنی به جای استخراج، باید ارز دیجیتال خود را قفل کرده تا به عنوان پاداش، درصدی از کارمزدهای شبکه را دریافت کنیم. چنین سازوکاری یک بنای سبز را ارائه می‌دهد که در آینده به دلیل مصرف بسیار پایین برق و سوخت‌های فسیلی، از ارزهای مبتنی بر این ساختار بیشتر خواهیم شنید. اما برگردیم به ایران خودمان، علت قطعی‌های مکرر برق در کشورمان را باید مجموعه‌ای از دلایل دانست که همگی دست به دست هم داده‌اند و با به اوج رسیدن مصرف کاربران، شبکه برق کشور دیگر توان پاسخگویی به آنها را ندارد و شهروندان مجبورند به دنبال زمان قطع برق خود بگردند. استخراج ارزهای دیجیتال، فرسودگی شبکه برق کشور و ساخته نشدن نیروگاه‌های جدید، اسراف و مصرف بی‌رویه کاربران و بسیاری از دلایل دیگر سبب ایجاد مشکلاتی برای مردم شده است که باید با همت جهادی، برنامه‌ریزی و فرهنگ‌سازی هرچه سریع‌تر آنها را رفع کرد.

نرم‌افزار

شنبه

دیگه وقتشه شروع کنی!

مدیریت زندگی به روش شنبه؛ «شنبه» یک برنامه ساده و کاربردی برای مدیریت و برنامه‌ریزی زندگی است. به راحتی کارهایت رو منظم کن تا حساب همه چی رو به دست بگیری! به کارها و ایده‌هایت در همان لحظه‌ای که به ذهنت می‌رسند، سر و سامان بده تا از دنیا عقب نمونی. شنبه می‌تونه سر موقع همه چیز رو یادت بندازه و راه رسیدن به اهداف و آرزوهات را متوجه بشی. می‌تونی از روزت بهتر استفاده کنی. از شنبه شروع کن به مدیریت زندگی.

پژواک

هوش مصنوعی

درمان کرونا با فناوری‌های نوین

سرویس سلامت ملی انگلیس از هوش مصنوعی برای کمک به بهبود بیماران مبتلا به کرونا و کاهش زمان بستری شدن آنها در بیمارستان استفاده می‌کند. این روند پزشکان را قادر می‌سازد تا برنامه‌های درمانی را سریع‌تر و مؤثرتر انجام دهند و به آنها امکان می‌دهد دقیق‌تر پیش‌بینی کنند که چه بیمارانی ممکن است در وضعیت بحرانی قرار بگیرند. این روش با گردآوری بیش از ۴۰ هزار سی‌تی‌اسکن و MRI از بیش از ۱۰ هزار بیمار در سراسر کشور در طی همه‌گیری ایجاد شده است.

خبرخوب

پرواز نبوغ ایرانی

بالگرد نیمه سنگین بومی در آسمان

طرح کلان ملی طراحی و ساخت نمونه پروازی بالگرد نیمه‌سنگین، منطبق با استانداردهای جهانی اجرایی شد و متخصصان در حال بومی‌سازی قطعات آن هستند. این بالگرد در کلاس وزنی نیمه سنگین است و فضایی برای دو خدمه، ۱۳ سرنشین، چهار بلید و دو موتور در آن تولید شده است. گفتنی است، پروژه طراحی و ساخت یک نمونه پروازی از بالگرد متداول، با کمک شرکت‌های دانش‌بنیان قطعات اولیه آن در حال تولید است. قطعاتی با رعایت استاندارد جهانی (TC) تولید می‌شوند و به بازار غیرنظامی وارد خواهند شد.

گذری بر نقش هنرمندان و ورزشکاران سرشناس در روزهای انتخاباتی و جهت‌گیری رأی دهندگان

آزموده را دوباره می‌آزمایند؟!

حسین مهریزی
خبرنگار فرهنگی

با نزدیک‌تر شـــدن به زمـــان برگـــزاری انتخابات سیزدهمین دوره ریاست‌جمهوری، رفته رفته شور و حال انتخاباتی هم در جامعه بیشتر می‌شود و گروه‌ها و اقشار مختلف سعی می‌کنند هر یک از دریچه نگاه و اهداف خود در میدان رقابت‌ها وارد شوند و بر رأی و نظر مردم تأثیر بگذارند. یکی از این اقشار و گروه‌ها که گاهی با هیجان بیشتری هم وارد میدان می‌شوند و فضـــای انتخاباتـــی را گرم می‌کننـــد، چهره‌های مشهور هنری و ورزشی هستند که به «سلبریتی‌ها» معروفند.

ســـلبریتی‌ها به دلیل محبوبیتی که به واســـطه حرفه‌شان در میان مردم، به ویژه نوجوانان و جوانان دارند، معمولاً با ســـخنان، مواضع و رفتارهای‌شان به رفتار و افکار مخاطبان جهت نســـبی می‌دهند و خواه و ناخواه به مثابه یک الگو برای سبک زندگی و منش نوجوانـــان و جوانان جا می‌افتند؛ فرقی هم نمی‌کند که این الگوگیری بجا و صحیح باشـــد یا نابجا و مخرب، مهم این واقعیت است که مردم به ویژه نوجوانان و جوانان آنها به این گروه نگاه می‌کنند و تأثیر می‌پذیرند. حالا اگر رفتار و گفتار سلبریتی‌ها در یک موضوع خاص، مبتنی بر عقلانیت، متانت، آگاهی و مسئولیت‌شناســـی باشد، طبیعی است که تأثیر مثبت و ســـازنده‌ای بر جامعه می‌گذارند و اگر این رفتارها و گفتارها ناشی از بیسوادی، جوزدگی یا هیجان‌های گذرا باشد، دیگر نباید انتظار کنش‌گری مثبت و مفید از آنها داشت.

یک تجربه قابل تأمل

هنـــوز خاطره انتخابات ریاســـت‌جمهوری ســـال ۱۳۹۶ـ و تا حدودی سال ۱۳۹۲ـ و نوع کنش‌گری عده قابل توجهی از چهره‌های ورزشـــی و هنری در خاطره عمومی جامعه کمرنگ نشده که در آن روزها این جماعت با دامن زدن بـــه دوقطبی‌های موهوم «جنگ و صلح» یا «مذاکـــره و جنگ» و «آزادی و خفقـــان»، طوری برای یک نامزد انتخابات ســـینه چاک می کردند که شـــاید خود آن نامزد هم در این حد انتظار نداشت! از سوی دیگر، با حمله و تمسخر بی‌محابا نسبت به نامزدهای دیگر و ترساندن مردم از رأی دادن بـــه آنها، چنان آینده خطرناکی را پیش روی مخاطبان ترســـیم می‌کردند کـــه انگار بارها و بارهـــا حقیقـــت آن را درک کرده و چشـــیده‌اند. مخلوط کردن اطلاعات درســـت و غلط و افزودن چاشنی بی‌انصافی و بداخلاقی هم، پای ثابت این میدان‌داری‌های هیجانی سلبریتی‌ها بود.

اما بعد از گذشت کمتر از یک سال از انتخابات ۱۳۹۶ و هنگامی که نتیجـــه عملکرد جریان مورد حمایت آنها در اداره اقتصاد کشور و معیشت مردم خودش را نشان داد، به جای آنکه به خودشان بیایند و بـــه خاطر هزینه کردن خود بـــرای چنین جریانی و هیجـــان‌زده کـــردن گروه‌هایی از مردم پشـــیمان شـــوند، حاصل ســـوء مدیریت‌ها و بی‌عملی‌های جریان مورد حمایت‌شـــان را به پای اصل انقلاب و نظام نوشـــتند و در صفحات مجازی‌شان و در هر موقعیت و فرصتـــی، با کنایه‌های عجیب و غریب، به اصل نظام که رهاورد خون هزاران شـــهید است، تاختنـــد و ایـــن جریـــان همچنان هم کـــم و بیش ادامه دارد.

حالا سؤال اینجاســـت که آیا آن رفتارها این بار و در انتخابـــات ۱۴۰۰ هم تکرار می‌شـــود یا اینکه ســـلبریتی‌ها برخی حقایق را متوجه شده و حاضر نیستند تجربه تلخ گذشته‌شان را تکرار کنند؟ و اینکه اساساً مردم در مقابل این هیجان‌سازی‌های خالی از معنا و مفهوم، چه باید بکنند؟

چه باید کرد؟

اول ایـــن نکته را باید یادآوری کرد که ورزشـــکاران و هنرمندان هم مانند همه اقشـــار حق دارند در هر انتخاباتی از هر نامزدی که بخواهند حمایت کنند و حتـــی دیگران را به رأی دادن به آن نامزد تشـــویق کنند و این حق شهروندی آنهاست، اما مسئله وقتی چالش‌برانگیز و مشکل‌ســـاز می‌شـــود که از روی کم‌سوادی و بی‌اطلاعی نســـبت به مبانی فکری و اعتقادی جامعه یا مؤلفه‌های اقتصادی و سیاســـی و تنها از ســـر جوزدگی و هیجان و با ســـوء استفاده از پایگاه اجتماعی خود، به نفع یکی هورا بکشـــند و با نشـــر اطلاعات غلط و گمراه‌کننده، دیگری را تخریب کنند؛ اینجاســـت که شأن و منزلت اهالی هنر و فرهنگ به پیاده‌نظام جریان‌های سیاسی تنزل پیدا می‌کند.

از طـــرف دیگر، مردم به ویـــژه جوان‌ترها کافی است به تجربه انتخابات گذشته و نوع رفتار و گفتار ســـلبریتی‌ها نگاهی بیندازند و آنچـــه را که وعده می‌دادند با آنچه در عمل محقق شد مقایسه کنند تا معیار پذیرش حرف درست و رد حرف غلط را بهتر پیدا کنند.

جامعه ایرانـــی روز به روز با پدیده‌های جدیدی همچون فضای مجازی و رسانه بیشتر آشنا و درگیر می‌شـــود؛ لازمه بهره‌گیری بهتر از ایـــن پدیده‌ها، تعمیـــق اطلاعـــات و مطالعات و افزایش «ســـواد رســـانه‌ای» است تا نه ســـلبریتی‌ها و نه هیچ گروه دیگری، با دوقطبی‌سازی‌های کاذب و موج‌سواری بـــر مشـــکلات و دغدغه‌های مـــردم، آنهـــا را در انتخاب‌شان دچار پشیمانی نکنند.

برداشت

ذبح فرهنگ با اختلاف طبقاتی

نسیم اسدپور
دبیر گروه فرهنگ

«هم‌رفیق» نام یک مجموعه شبکه نمایش خانگی با اجرای شـــهاب حســـینی اســـت. طبق روال همیشگی یک سلبریتی به همراه رفیقش مهمان این برنامه می‌شوند. هفته پیش بود که بخشی از این ویدئو با حاشیه‌ها و بازتاب‌های زیادی همراه شد.

«پانته‌آ بهـــرام» به همـــراه خواهرش مهمان این برنامه بودند، وقتی شـــهاب حسینی از جایزه ۲۰ میلیونی برای فرد منتخب از میان افرادی که برای هم‌رفیق ویدئو می‌فرستند، صحبت می‌کند و از مهمان برنامه می‌پرسد که این رقم کم است یا زیـــاد، خواهر پانته‌آ بهرام می‌گوید: «با توجه به طبقه‌ای که هستند، عدد خوبی است»!

این پاسخ بازتاب‌های زیادی در فضای مجازی داشت و باعث دلخوری بسیاری از مخاطبان شد و قطعاً این دلخوری به انصاف و بحق بود. هر چند جمله خواهر خانم پانته‌آ بهرام بسیار بد و تلخ ادا شد، اما در این یادداشت قصد قضاوت در مورد آن جمله و به خصوص شخص این خانم و نیت وی از گفتن این جمله و ســـبک زندگی اقتصادی‌اش ندارایم، اما به هر حال بایـــد این حقیقت را باور کنیم که نتیجه مشکلات اقتصادی فعلی در کشور که در ســـالیان اخیر تشدید شده، شکاف طبقاتی اجتماعی و در پی آن، شکاف فرهنگی است که به مردم تحمیل می‌شود و این همان خطری است که با آرمان‌های انقلاب اسلامی‌ـ بزرگ‌ترین انقلاب فرهنگی قرن‌ـ فاصله معناداری دارد.

وقتـــی اختلافات مـــادی اینطور سرســـام‌آور می‌شـــود، هر کســـی که در طبقه بـــالای جامعه نشسته و البته از لحاظ فرهنگی نیز به اندازه رشد اقتصادی، رشد نداشته باشد، ممکن است افراد طبقه پایین را کوچک ببیند و خود را بزرگ بپندارد و بعد همین نوع نگاه در تک‌تک افراد جامعه بروز پیدا می‌کند و پس از آن است که دیگر پیامدهای اجتماعی و فرهنگی آن قابل جبران نخواهد بود.

نکتـــه‌ای دیگری که نباید فرامـــوش کرد، این اســـت که وقتی نظارت کافـــی و دقیقی بر روی خروجی پلتفرم‌ها وجود ندارد، این شکاف‌های فرهنگـــی زمخت‌تـــر و عریان‌تر بـــروز و ظهور پیـــدا کرده و ســـرخوردگی در جامعه را بیشـــتر می‌کنـــد. در این میـــان، چهره‌هـــای فرهنگی و هنری یا همان ســـلبریتی‌ها باید بیشـــتر مراقب باشـــند تا با رفتـــار و گفتارشـــان، تکمیل‌کننده ایـــن جورچیـــن خطرنـــاک ضـــد فرهنگـــی نباشند.

ادبیات مقاومت

راز سربند

روایت زندگی شهید علی‌اکبر جمراسی

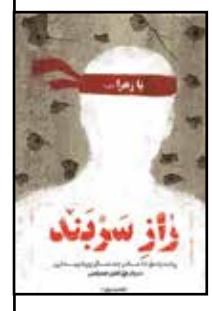

«راز ســـربند» روایـــت زندگی شهید علی‌اکبر جمراسی است که انتشـــارات شـــهید کاظمی آن را منتشـــر کرده است. شهید «علی‌اکبـــر جمراســـی» در ۳ فروردین ماه ۱۳۴۷ در روستای تلخابِ اراک به دنیا آمد. او نیز مانند بســـیاری از همسالانش خود را داوطلبانه به جبهه رساند، اما با ســـابقه ۸۵ ماه حضور در خط مقدم شهید نشد. شهید جمراسی همراه دیگر دوستانش واحد اطلاعاتِ ســـپاه قم را سر و سامان بخشید و توسعه داد. او که در تفحص شهدا نقشی پررنگ داشت، سال ۱۳۹۰، طی عملیات تروریستی گروهک پژاک به شهادت رسید.

کتاب

تاریخ مردم ایران

چاپ هجدهم اثر عبدالحسین زرین‌کوب

مجموعـــه دو جلـــدی «تاریخ مردم ایران» تجدید چاپ شد. این اثر کـــه تاکنـــون ۱۸ نوبت به چـــاپ رســـیده، تألیف دکتر عبدالحسین زرین‌کوب است که در دو جلد تاریخ ایران را با زبانی شـــیوا و فصیح بازگـــو می‌کند. جلد نخست این اثر تاریخ قبل از اسلام اســـت که به دو بخش تاریخ پهلوانـــی و تاریخ واقعی تقسیم می‌شود، اما جلد دوم کتاب از جایی که کتاب اول به پایان رسیده است شروع کرده تا بخش‌ها و زوایای مهم تاریخ مردمان ایران‌زمین چون فرهنگ، تصوف، کلام، فلسفه و ادبیات فارسی را در کنار روایت تاریخ دوره‌ای از ایران بررسی کند.

سینما

مسیر معکوس

اثر ابوالفضل جلیلی مجوز نمایش گرفت

شورای پروانه نمایش فیلم‌های سینمایی در جلسه اخیر با صدور پروانه نمایش «مسیر معکوس» بـــه تهیه‌کنندگـــی و کارگردانی «ابوالفضل جلیلـــی» موافقت کرد. فیلم ســـینمایی «مســـیر معکوس» به چالش چند جوان در جامعـــه امروز ایـــران برای ســـاخت فیلم و ورود به جرگه ســـینماگران جوان می‌پردازد.

این فیلم نوجوانانه نخســـتین اکران خود را ســـال گذشـــته در سی‌وسومین جشنواره بین‌المللی فیلم‌های کودکان و نوجوانان تجربه کرد. گفتنی است، ابوالفضل جلیلی ۱۵ فیلم سینمایی و ده‌ها جایزه از جشنواره‌های کوچک و بزرگ سینمایی دارد.

یادداشت

چند جای خالی در جشنواره‌ای جهانی!

آرش فهیم
منتقد سینما

جشنواره جهانی فیلم فجر در حالی برای هشتمین ســـال پیاپی به صورت مستقل از جشـــنواره ملی فجر برگزار می‌شود که هنوز برآوردی درباره نتیجه این جداسازی صـــورت نگرفته اســـت. هـــدف بخش بین‌الملل جشـــنواره فجر، جریان‌سازی در ســـطح داخلی و خارجی بوده است؛ اما خود برگزارکنندگان بخش بین‌الملل، اصلاً نمی‌توانند تعریفی از جریان مدنظر خود اعلام کنند. در نتیجـــه، به نظر من، جشـــنواره جهانی فیلم فجر، در هر دوره به جز یـــک مهمان مطرح و ســـخنرانی وی، هیچ تأثیرگذاری و جریان‌سازی قابل توجهی نداشته است. اگر تأثیر و جریانی در کار است، مدیران جشنواره اعلام کنند تا ما هم مطلع شویم. نکته مهم این است که ملاک ارزیابی یک جشنواره سینمایی، فیلم‌هایی اســـت که در آن بـــه نمایش در می‌آید، نه ســـخنرانی و میزگرد. هر چند سخنرانی‌ها و نشست‌های بحث و بررسی، به پربار شدن جشنواره‌ها کمک می‌کنند، اما به جشـــنواره، اعتبار نمی‌دهند. برای نمونه، در سی‌وهفتمین جشنواره جهانی فیلم فجر، «پل شـــریدر» فیلمنامه‌نویس هالیوودی، یک نشست خبری داشت که چند حرف خوب هم به زبان آورد، نشستی درباره ســـینمای آخرالزمانی در حاشـــیه جشنواره برگزار شد، یک نشست با دو سه جمله داغ تشکیل شد و...، اما هیچ کدام از اینهـــا خلأ اکران فیلم بـــزرگ و مهم را پر نمی‌کند. فیلم‌های خارجی جشنواره، انگیزه و اشـــتیاقی را برای دیدن‌شـــان بر نمی‌انگیزند و این گونه نیست که بگوییم، اگر در جشنواره حاضر نشویم، چیزی را از دست می‌دهیم. جشنواره جهانی فیلم فجر، دچار یک نقص غرض هم هست؛ فلسفه تفکیک جشنواره فجر به دو بخش ملـــی و جهانی از ابتدا این بود که چون در زمان برگزاری جشنواره در دهه فجر، توجه همه به فیلم‌های ایرانی بود، کمتر کســـی فرصت تمرکز بر بخش بین‌الملل را پیدا می‌کرد؛ بنابراین، سازمان سینمایی، بخش بین‌الملـــل را از بخش ملی منفک کرد تا این بخش بهتر دیده شـــود؛ اما اتفاقی که طی این سال‌ها افتاده، این است که بیشتر مردم و اهالی رسانه برای تماشای فیلم‌های ایرانی به جشنواره جهانی پا می‌گذارند و باز هـــم فیلم‌های خارجی، در محاق قرار می‌گیرند. جشـــنواره جهانـــی فیلم فجر زمانی می‌تواند در عرصه بین‌المللی عرض اندام کند که هم در شکل برگزاری و اجرا، به هویت و تعریفی مستقل دست یابد و هم در نوع فیلم‌هایی که در آن حضور می‌یابد، خبرساز شـــود؛ یعنی جشنواره باید بتواند با ویژگی‌های متمایزی، چشم سینماگران و سینمادوستان دنیا را بگیرد و رسانه‌های بین‌المللی، درباره برگزاری جشـــنواره‌ای خاص و منحصر به فرد در ایران، واکنش نشان دهند و اخبار و تحلیل‌هایی را منتشر کنند. به نظر می‌رســـد جشـــنواره جهانی فیلم فجـــر دچار نوعـــی محافظه‌کاری و خنثی‌زدگی اســـت. گویا این جشـــنواره زمانی می‌تواند به وضعیت آرمانی برسد که رویکرد و سیاســـتی تهاجمی داشـــته باشـــد و به محلی برای نمایش و معرفی فیلم‌های سرکوب شـــده در سطح جهان تبدیل شود. به این معنا که فیلم‌های مطرح از فیلمسازان مســـتقل و معترض جهان، ازجمله در آمریکای لاتین، جهان اسلام و حتـــی در خود اروپا و آمریکا را جذب و برای آنها پروپاگاندا کند.

یادداشت

دستور به یگان‌های صدام!

مرتضی قربانی
فرمانده وقت
تیپ ۲۵ کربلا

در جریان عملیات بیت‌المقدس وقتی به مرز رسیدیم و دشمن از پیشرفت ما مطمئن شد، جبهه آن طرف مرزش هم سقوط کرد و با سرعت، نیروهایش را به شرق بصره منتقل کرد. ارتش عراق در واقع می‌خواست از پیشروی بیشتر ما به سمت بصره جلوگیری کند که در اینجا هم نیروهای زیادی را از دست داد. نیروهای ما تعدادی از تانک‌هایی را که نزدیک جاده حسینیه آمده بودند، زدند. وقتی به مرز رسیدیم، تعدادی از سنگرهای فرماندهان عراقی به دست‌مان افتاد؛ سنگرهای مجهزی که برق، وسایل برقی مثل رادیو و تلویزیون، مبلمان و فرش داشت. سنگرها را که گرفتیم، یکی از آنها را قرارگاه کردیم و وسایل مخابراتی‌مان را به آنجا بردیم. برای هدایت و کنترل تیپ ۲۵ کربلا، تعدادی پیک موتورسوار، یک نفربر مجهز به بی‌سیم راکال و بی‌سیم بزرگ و یک دستگاه جیپ فرماندهی داشتیم که خودم و جانشین‌هایم از آنها استفاده می‌کردیم.

عراقی‌ها در بعضی از سنگرهای‌شان نوشته بودند: آمده‌ایم که بمانیم.

حدود ۲۰۰ نفر را اسیر کردیم. نیروهای ما موانع و خاکریزهای عراقی‌ها و حدود ۸۰ سنگر کمین‌شان را منهدم کردند؛ اما وقتی عراقی‌ها به آن طرف مرز رفتند، دیگر تعقیب‌شان نکردند. دشمن به لشکرهای ۵ و ۶ زرهی و نیروهای پیاده‌اش، دستور عقب‌نشینی داد و به سرعت یک جبهه پیوسته از گوشه طلائیه تا مناطق جفیر، کوشک و شلمچه تشکیل داد. ارتش عراق تیپ ۱۰ زرهی خودش را هم که مستقل بود و مشت محکم صدام به شمار می‌رفت، از قسمت شمالی به شرق بصره فرستاد. در شرق بصره هم تیپ‌های پیاده بودند.

بچه‌های خرمشهر و اهواز یا بعضی از نیروهای شهید چمران که به زبان عربی تسلط داشتند، مکالمات دشمن را شنود می‌کردند. در تیپ ۱۴ امام حسین(ع) روحانی به نام رجب حسینی بود که به زبان عربی تسلط داشت و کار شنود می‌کرد. در یگان ما هم یکی از رزمندگان خرمشهری به نام حمود و یکی از بچه‌های یزد به نام مفیدی به عربی مسلط بودند و شنود می‌کردند. نیروهای مخابراتی‌مان روی فرکانس شبکه‌های مخابراتی دشمن می‌رفتند و همه آنها را مختل یا شنود می‌کردند. گاهی به عراقی‌ها دستورهایی منحرف‌کننده می‌دادیم. گاهی هم به‌عنوان فرمانده مافوق عراقی، به فرمانده گردان آنها دستور می‌دادیم و او هم نمی‌توانست تمرد کند! تا می‌آمدند بفهمند قضیه از چه قرار است، ما به اهداف‌مان رسیده بودیم و بین تیپ و گردان‌های‌مان الحاق برقرار کرده بودیم.

ما از مرحله اول تا آخر مرحله دوم عملیات بیت‌المقدس حدود ۹۰۰ نفر اسیر گرفتیم. حدود ۱۲۰۰ نفر از عراقی‌ها کشته و عده زیادی متواری شدند؛ یعنی به طور میانگین حدود ۲۱۰۰ عراقی اسیر یا کشته شدند. همین تعداد یا بیشتر هم فرار کردند. عده‌ای از نیروهای عراقی هم از نیروهای جیش‌الشعبی بودند. ما در واقع خرمشهر و اهواز را رها کردیم و کمر دشمن را گرفتیم. وقتی کمرش را گرفتیم، بالاتنه و پایش تکان می‌خورد، اما دیگر نمی‌توانست کاری بکند.

هم‌کلام با زینب پاشاپور

همسر شهید مدافع حرم حجت‌الاسلام محمد پورهنگ

با روی سفید پَر کشید

زینب گل‌محمدی
پژوهشگر دفاع مقدس

قرارشان هر هفته چهارشنبه‌ها بعدازظهر است؛ روز امام رضا(ع)؛ روزی که پدر شهیدشان محمدآقا خیلی دوستش داشت؛ در یکی از همین چهارشنبه‌ها بود که شهید شد. چهارشنبه‌هایی که بهشت زهرا(س) هم خلوت‌تر است. فاطمه و ریحانه، دوقلوهای شهید، از پدرشان سیر نمی‌شوند. کنار مزار بابا تا می‌توانند بازی می‌کنند. مادرشان هم سعی می‌کند خاطرات خوبی از این روزها یادشان بماند.

صحبت از فرزندان شهید مدافع حرم، حجت‌الاسلام حاج محمد پورهنگ است و همسرش. همسری که بعد از بارها جواب منفی دادن، پذیرفت که با ۱۱ سال تفاوت سن، به خواستگار طلبه‌اش جواب مثبت بدهد.

«می‌گفتم ۱۱ سال تفاوت سنی، خیلی زیاد است. فکر می‌کردم چون بیشتر از سی سال‌شان است، طور دیگری فکر می‌کنند و به پختگی‌ای رسیده‌اند و احتمال می‌دادم زندگی با ایشان حوصله‌ام را سر ببرد!» انرژی حاج محمد بیشتر از آن بود که پاسخگوی فعالیت‌ها و دلمشغولی‌های همسر جوانش نباشد.

«زینب پاشاپور» از آن شبی می‌گوید که همین فاصله سنی، تمام ذهنش را پر کرده بود. مردد بود چه جوابی به برادرش اصغر بدهد که رابط خواستگاری از او برای دوست و رفیق گرمابه و گلستانش بود... . «در هیئت نشسته بودیم که برادرم اصغر پیام داد و جواب نهایی‌ام را خواست. همان شب سخنران هیئت، اشاره‌ای به زندگی حضرت علی(ع) و حضرت زهرا(س) کرد و گفت این دو بزرگوار، بیش از ده سال با هم اختلاف سنی داشتند... متعجب شدم. انگار مخاطب اصلی این کلام، من بودم. با خودم گفتم: مگر ادعا نمی‌کنیم پیرو این بزرگان هستیم... دلم آرام‌تر شده بود برای دادن جواب مثبت.» در آن گیر و دار به برادرم اصغر گفتم: اجازه بده من آزمون سراسری‌ام را بدهم و بعد خانواده پورهنگ بیایند به خواستگاری... قبول نکرد.

آخرین دختر خانواده‌ای که ۱۱ خواهر و برادر بودند، بالاخره پذیرفت که حاج محمد با خواهر و برادرش به خواستگاری بیاید... . «کلا در خانواده ما رسم نیست مهریه بالا بگیریم؛ حداکثر ۱۱۴ سکه. من اما به برادر بزرگ‌ترم گفتم: من اگر آدم خودم را پیدا کنم، دوست ندارم مهریه‌ام بیشتر از ۱۴ تا باشد. از برادرم خواستم قضیه را به پدرم بگوید. پدرم با این نظر موافق نبود. برادرم پیشنهاد داد در جلسه می‌گوییم نظر ما ۱۴ سکه است، اما نظر حاج‌آقا فرق می‌کند. خانواده حاج محمد چانه می‌زدند تا مهریه را بالاتر ببرند؛ ولی من اصرار داشتم که همان ۱۴ سکه باشد!»

حاج محمد بعدها به همسرش گفت: «من دو رکعت معروف نماز حضرت زهرا(س) بین نماز مغرب و عشا را هر شب می‌خواندم؛ نیتم هم این بود که اگر این خانم، همان است که من از حضرت عباس(ع) خواسته‌ام، مهریه‌اش ۱۴ سکه باشد. یک عقد خانوادگی گرفتیم و رفتیم زیارت حرم حضرت عبدالعظیم حسنی(ع). البته من دوست داشتم خطبه عقدمان را حضرت آقا بخوانند. بعدا متوجه شدم صفی طولانی دارد. فردایش هم ثبت رسمی عقد انجام شد و مراسم مختصری در منزل گرفتیم.»

آتش جنگ سوریه که شعله کشید، حاج محمد عزم رفتن کرد. نظامی نبود. طلبه‌ای ساده بود که می‌فهمید در گیر و دار نبرد، باید برای نزدیک‌تر شدن قلب‌ها و تسکین‌شان برای غم آوارگی و مرگ، کار فرهنگی کرد. پاشنه‌های کفشش را بالا کشید و با اینکه فاطمه و ریحانه کوچک بودند، عازم دمشق شد. مأموریت فرهنگی‌اش یک سال طول کشید، یکی دو ماه در سوریه بود و چند روزی برای دیدن همسر و فرزندانش به ایران می‌آمد. سال دوم، همسرش هم که عاشق کارهای فرهنگی بود، اصرار کرد همراه حاج محمد برود. برنامه مفصلی برای برگزاری کلاس‌های فرهنگی و دوره‌های آموزشی چیدند و سوار هواپیمای تهران-دمشق شدند.

هنوز دو ماه بیشتر از زندگی‌شان در سوریه نگذشته بود که یک اتفاق، همه چیز را تغییر داد. حاج محمد که اتفاقا تسلط خوبی در کار با انواع سلاح‌ها داشت و با بدن ورزیده‌اش می‌توانست در خطوط مقدم نبرد باشد، پی برده بود که خلأهای فرهنگی روی زمین مانده تا چه اندازه می‌تواند آینده نبرد را تهدید کند. دشمن هم که عمق این تفکر را می‌دانست، با یک لیوان آب مسموم، حاج محمد را از معرکه خارج کرد.

سمی که پزشکان سوری و ایرانی ترکیبش را پیدا کردند، اما هر چه تلاش کردند، بی‌فایده بود. رنگ حاج محمد روز به روز زردتر می‌شد و حال عمومی‌اش مطلوب نبود. انواع و اقسام تجویزها در سوریه جواب نداد و برادرِ همسرش اصغرآقا که در جبهه سوریه می‌جنگید، تصمیم گرفت او را با خواهر و فرزندانش به تهران برگرداند. خانم پاشاپور که با هزار امید، دوره‌های فرهنگی را برای دخترکان سوری راه‌انداخته بود، حالا باید همه چیز را رها می‌کرد و می‌نشست در پرواز دمشق-تهران... .

آمبولانس، حاج محمد را بی‌درنگ از باند فرودگاه امام خمینی به بیمارستان بقیه‌الله برد. در طبقه پنجم، تختی انتظار حاج محمد را می‌کشید. تختی که با بقیه فرق داشت؛ ظاهر و امکاناتش با بقیه تخت‌ها فرقی نداشت؛ اما از بین همه تخت‌های آن بخش، توفیق داشت میزبان کسی باشد که کمتر از پنج روز دیگر در آغوش او شهید می‌شود!

«روز عید غدیر محمدآقا به من گفتند فقط از این می‌ترسم خوب بشوم و از روی تخت پایین بیایم؛ ولی دیگر نگذارند به سوریه بروم یا بروم و اتفاقی برایم نیفتد. آرزو داشت این مدلی شهید نشود؛ یا تیر بخورد و یا حتی اسیر بشود تا شهیدش کنند. فکر می‌کنم آنقدر زجر کشید که روزهای آخر به این مدل شهادت رضایت داد. به من گفت: برایم دعا کن حضرت علی نگاهی به من بکنند. خسته شده‌ام. دعا کرده‌ام یا مأموریتم تمام بشود یا شهادتم برسد... که هر دوتایش با هم اتفاق افتاد.

حاج محمد از بیمارستان با منزل تماس گرفت و گفت: امروز برای ملاقات نیا! اولین باری بود که چنین درخواستی داشت. بعد از تماس‌شان دلهره‌ای به جان من افتاد. دو ساعت تا ساعت ملاقات مانده بود که آماده شدم و راه افتادم. انگار حس می‌کردم یک چیزی نمی‌گذارد به اتاق حاجی برسم. مدام فکر می‌کردم موانعی ایجاد می‌شود. مثلاً آسانسور نمی‌آمد. مدام درها بسته می‌شد. وقتی که رسیدم، داشتند حاجی را احیا می‌کردند. دوست و همراه حاج محمد حواس‌شان نبود که من رسیده‌ام و از پشت شیشه بلند بلند داشتند به یک نفر دیگر می‌گفتند که تمام کرد! من آن لحظه را دیدم و می‌دانستم دارند راجع به حاج محمد صحبت می‌کنند، اما نمی‌خواستم باور کنم... .»

قاب

پرواز از سجاده

زیر آتش و دود و خون، هر چیزی را می‌شد تعطیل کرد؛ الا نماز. وقت اذان که می‌رسید، همه منتظر بلندگوهای واحد تبلیغات بودند تا یا به حسینیه مقر بروند یا اگر در خط بودند، برای خواندن نماز اول وقت، از همرزم‌شان سبقت بگیرند. تعدادی هم بر سر سجاده‌های‌شان، پرواز کردند و آسمانی شدند... .

خاطره

آرزوی اسیران عراقی

در عملیات بیت‌المقدس به خاطر مجروحیت‌هایم نمی‌توانستم اسلحه دست بگیرم. وقتی وارد خرمشهر شدم، عده‌ای مشغول آب و جارو کردن مسجد بودند و عده‌ای نیز اسیران عراقی را به عقب برمی‌گرداندند. حدود بیست هزار عراقی در اسارت ما بودند که باید دانه درشت‌های‌شان را بازجویی می‌کردیم. حداقل نیمی از اسیران آرزو می‌کردند در بند ایرانی‌ها افتاده باشند. حتی بسیاری از آنها قلباً به ایران علاقه داشتند و به زور به جنگ آمده بودند. یکی می‌گفت خدا را شکر به شهر خودمان برگشتیم. آن یکی می‌گفت ما را برادر خودتان بدانید. از دل این بازجویی‌ها اطلاعات خوبی به دست آوردیم که باید به اطلاع فرماندهان می‌رسید. یاد شهید چمران افتادم که هر بار پیشش با دست پر می‌رفتیم، خوشحال می‌شد و تشکر می‌کرد و می‌گفت: خیلی از این عکس‌هایی که می‌آورید، ما را چندین ماه جلو می‌اندازد. دو هفته بعد دوباره به قم برگشتیم. تابستان شده بود و اعزام‌ها کم. باید کاری می‌کردیم...

راوی: حجت‌الاسلام ابوالقاسم اقبالیان

تازه‌ها

ایرانی‌ها آمدند

سردار حاج قاسم سلیمانی، تأکید زیادی بر نبردنگاری و ثبت مستند عملیات‌ها در جبهه مقاومت داشت. کتاب «ایرانی‌ها آمدند»، دو روایت از آزادسازی شهرهای نبل و الزهرا در سوریه، با همین تأکید تدوین و منتشر شد. این کتاب یکی از جدیدترین منشورات «خط مقدم» است که «امیرمحمد عباس‌نژاد» آن را تدوین کرده است. این کتاب دارای دو بخش است که هر بخش روایت جداگانه‌ای دارد. بخش اول را احمد حاج محمدطاهر روایت کرده است و روایت بخش دوم را سردار شهید، حاج محمدعلی حق‌بین به عهده گرفته است.

نویسنده کتاب با نثری روان و خواندنی وقایعی را که دو راوی گفته‌اند، به رشته تحریر درآورده است.

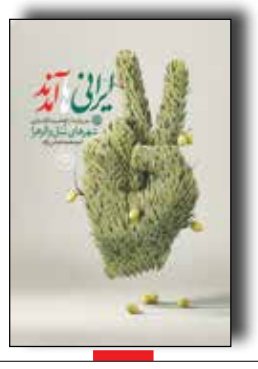

گام اول پاسداری از پاسداری در گزینش است

همایش عضویابی و گزینش به همت معاونت نیروی انسانی نمایندگی ولی فقیه در سپاه و با حضور مسئولان دفاتر نمایندگی و مسئولان گزینش فرماندهی به صورت ارتباط تصویری برگزار شد.

به گزارش خبرنگار صبح صادق، حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر عبدالله حاجی‌صادقی در این همایش ضمن قدردانی از تلاش‌ها و مجاهدت‌های ناپیدای دست‌اندرکاران گزینش و عضویابی سپاه در مرکز و رده‌های سپاه گفت: «گام اول پاسداری از پاسداری، در گزینش است. لذا نگذارید هیچ عاملی شما را در انجام وظایف خود تحت تأثیر قرار دهد.» وی با اشاره به اینکه کار گزینش یک نوع قضاوت است، افزود: «بعضی اوقات برخی رد کردن‌ها ممکن است افراد را در زندگی بشکند و سرنوشت آنها را تغییر دهد. لذا باید در دقت و توجه ویژه‌ای به این کار داشته باشید.» نماینده ولی‌فقیه در سپاه در ادامه ضمن انتقاد از طولانی شدن استعلام‌های تأکید کرد: «در صورت قبولی یا رد افراد در کمترین زمان به آنها اعلام شود و تکلیف فرد به سرعت مشخص شود.»

حجت‌الاسلام‌والسلمین حاجی‌صادقی تأکید کرد: «کسانی را که برای خدمت در نمایندگی ولی فقیه در سپاه دعوت می‌کنید، از کسانی باشند که نمایندگی را شناخته باشند و با مأموریت‌های این مجموعه آشنا باشند که در ادامه کار مشکلی نداشته باشند. پاسداران شاغل در نمایندگی باید تجسم معنویت و بصیرت باشند و این مختص معاونت خاصی نیست بلکه شامل همه همکاران در نمایندگی می‌شود.»

وی در پایان تأکید کرد: «همه رده‌ها و نیروها باید از مصوبات هیئت عالی گزینش تبعیت کنند و ابلاغیه‌هایی که به تصویب این هیئت نرسیده باشد، وجهه قانونی ندارد.»

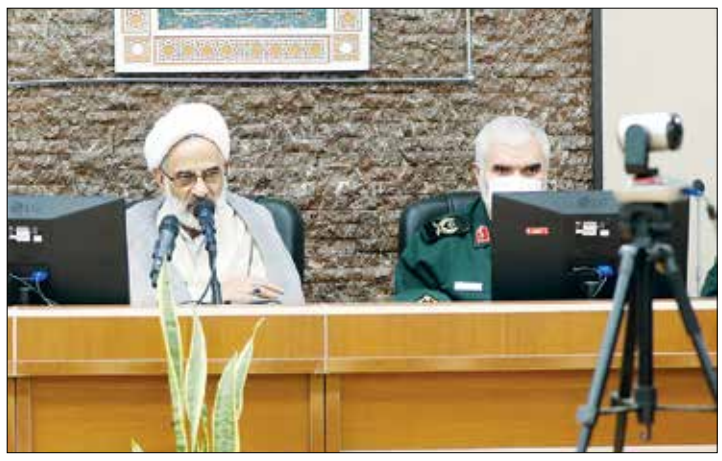

صبح صادق به بهانه سالروز ترور سردار شهید عبدالله رودکی گزارش می‌دهد

سردار گمنام جبهه مقاومت و طراح سازمان رزم نیروی دریایی سپاه

علیرضا جلالیان
دبیر گروه سپاه

شاید نامش را همزمان با افتتاح و رونمایی از ناو بزرگ سردار شهید عبدالله رودکی شنیده باشید. سردار شهید عبدالله رودکی خرداد ماه سال ۱۳۷۹ در حالی که چند سالی از دوران خدمت او در نیروی قدس و معیت حاج قاسم سلیمانی نمی‌گذشت، درست بعد از شکست و عقب‌نشینی رژیم اشغالگر قدس از جنوب لبنان توسط موساد ترور شد؛ دو دهه قبل از شهادت سیدالشهدای مقاومت.

قهرمان بوکس و کشتی

عبدالله رودکی در سال ۱۳۳۴ در شیراز و در میان خانواده‌ای متدین به دنیا آمد. تحصیلات خود را تا مقطع دیپلم ادامه داد و در سن ۲۰ سالگی در شرکت گاز مشغول به کار شد. رودکی در پخش اعلامیه‌های خمینی، سازماندهی راهپیمایی و توجیه جوانان نقش مؤثری داشت که به همین دلیل چندین بار از طرف شهربانی تحت تعقیب قرار گرفت. وی با علاقه زیاد به ورزش، توانست ۳ سال متوالی مقام قهرمانی رشته «بوکس» کشور را کسب کرده و چندین عنوان قهرمانی در رشته کشتی به دست آورد. او در سال ۱۳۵۷ ازدواج کرد.

آغاز مجاهدت

در سال ۱۳۵۹ به سپاه پاسداران شیراز پیوست. با شروع جنگ تحمیلی به همراه اولین گروه اعزامی به جبهه رفت و در عملیات ثامن‌الائمه شرکت کرد و در همان عملیات مجروح شد. عبدالله رودکی در عملیات‌های مختلف با سمت فرمانده گردان حضور داشت.

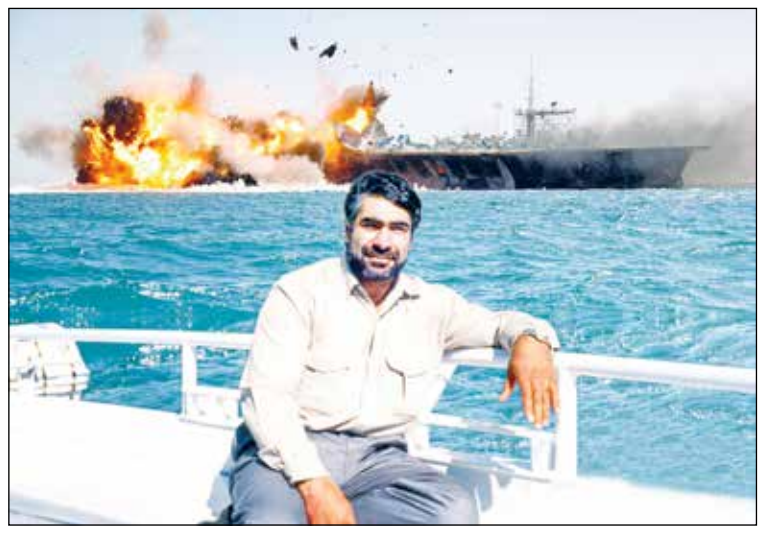

از قرارگاه نوح تا نیروی دریایی سپاه

در شکل‌گیری گردان‌های غواص لشکر ۱۹ فجر و همچنین تشکیل قرارگاه نوح نبی(ع) نقش مؤثری ایفا کرد. او علاوه بر آموزش نیروها، خود در طراحی و اجرای عملیات حاضر می‌شد. رودکی در شناسایی منطقه عملیاتی والفجر ۸ رشادت‌های زیادی از خود نشان داد و با تشکیل نیروی دریایی سپاه همواره به عنوان یکی از فرماندهان عملیاتی مناطق دریایی سپاه در شکل‌گیری و به کارگیری استراتژی قایق‌های تندرو و مین‌گذاری‌های دریایی نقش کلیدی داشت. در کلیه عملیات‌های دریایی شرکت کرد، با وجود مجروحیت از قسمت‌های مختلف به ویژه مجروحیت شیمیایی و شرایط سخت جسمی، روح بلند و متعهدش او را همیشه در صحنه حاضر می‌ساخت و با ۸۹ ماه سابقه حضور در جبهه، پس از جنگ نیز در کاربردی کردن تکنولوژی و صنایع نظامی و در توانمندسازی تسلیحاتی نیروها کوشید.

طراح سازمان رزم دریایی

دریادار علیرضا تنگسیری فرمانده نیروی دریایی سپاه درباره این شهید می‌گوید: «نگاه خاص و راهبردی شهید رودکی نقشی تعیین‌کننده در دفاع مقدس و شکل گیری یگان‌های غواصی و شناورهای تندرو سپاه داشت. ایشان با اینکه طراح سازمان رزم نیروی دریایی سپاه بود و برای تسلیح نمودن شناورهای تندرو به راکت‌ها و موشک‌های هدایت شونده و راه‌اندازی پدافند هوایی و شکل‌گیری هسته اولیه جبهه مقاومت، تلاش‌های موفقیت‌آمیزی نموده بود، هیچگاه خودش را بانی این ابدعات نوین، معرفی ننمود و با اخلاص، تدین و محبت به اهل بیت عصمت و طهارت به ویژه حضرت زهراء(س) در کنار رزمندگان دریادل، به مجاهدت فی سبیل‌الله ادامه می‌داد.»

همراه سیدین مقاومت

نکته مهم درباره شهید رودکی این بود که وی در تشکیل سازمان جبهه مقاومت نیز از طراحان و همیاران سیدین حزب‌الله لبنان (سیدعباس موسوی و سیدحسن نصرالله) بود و امروز تأثیر اندیشه‌های او در سراسر جبهه مقاومت راهگشا و پیش برنده است. توان بالای او در رزم دریایی، غواصی، موشک‌اندازی و تسلط بر زبان عربی، او را در جایگاه یکی از مربیان آموزشی حزب‌الله لبنان قرار داد.

دریادار تنگسیری درباره این شهید چنین توصیفاتی دارد: «اخلاص، عبودیت، مردانگی، شجاعت و ولایتمداری این شهید والامقام همیشه برای همرزمانش الگویی شایسته و حتی در جامعه بیرون از سپاه نیز فردی مردمدار، مهربان، ملجأ محرومین و با صداقت پیگیر حل مشکلات مردم بود.»

ترور بعد از پیروزی بزرگ

سردار شهید عبدالله رودکی پس از سال‌ها مجاهدت در جبهه‌های جنگ تحمیلی دفاع مقدس و بعد از تلاش بسیار برای ارتقای توان نیروی دریایی سپاه پا به عرصه گمنامی و مجاهدت در جبهه مقاومت لبنان نهاد و در همراهی با سردار شهید حاج قاسم سلیمانی در مدت کوتاهی ارتش رژیم صهیونیستی را پس از ۱۵ سال اشغال، مجبور به عقب‌نشینی از مناطق اشغالی جنوب لبنان در سال ۲۰۰۰ میلادی کرد. همین امر باعث شد تا سرویس ترور موساد که قبل از آن بارها این شهید بزرگوار را تهدید به ترور کرده بود، علملیات ترور این شهید را در اولویت قرار داده و تنها چهار روز پس از اجبار به عقب‌نشینی از جنوب لبنان و ثبت پیروزی بزرگ مقاومت در حالی که شهید عبدالله رودکی برای حضور در مراسم معارفه و تکریم فرمانده منطقه دریایی در استان بوشهر در یکی از روستاهای این استان در منزل یکی از بستگان در حال تجدید وضو برای نماز بود، ترور شد و به خیل یاران شهیدش پیوست.

شهادت دو مدافع حرم

شهید حسن عبدالله زاده و سعید مجیدی از نیروهای مستشاری ایران در سوریه در مسیر دیرالزور به تدمر به فیض شهادت نائل شدند.

روابط عمومی سپاه روح الله استان مرکزی با انتشار اطلاعیه‌ای از شهادت شهید حسن عبدالله زاده و سعید مجیدی در سوریه خبرداد. در این اطلاعیه آمده‌است: در ایام سالگرد رحلت رهبر کبیر انقلاب اسلامی سعید مجیدی و حسن عبدالله زاده از مدافعان حرم و سربازان حضرت روح‌الله در سوریه به شهادت رسیدند.

شهید حسن عبدالله زاده و سعید مجیدی از نیروهای مستشاری ایران در سوریه بودند که در مسیر دیرالزور به تدمر در کمین نیروهای داعش به فیض شهادت نائل شدند.

روی خط

شارژ حکمت متناسب با تورم نیست

۰۹۱۵۰۰۰۹۳۲۶/ما در یک روز رأی می‌دهیم اما اثر آن تا چند سال بر زندگی و کشور ما خواهد بود. مواظب انتخاب کردن‌مان باشیم. جوگیر نشویم. باچشمانی باز و با بصیرت رأی دهیم تا آنچه آزمودیم، دوباره تکرار نشود.

۰۹۱۲۰۰۰۳۱۳۳/ قبل از بازنشستگی به ما قول پرداخت پاداش را طی یکی دوماه دادند، اما شش ماه گذشت و خبری نیست.

۰۹۱۴۰۰۰۸۹۶۱/انتقاد از وزارت آموزش و پرورش؛ چرا کتاب زبان انگلیسی پایه هفتم دوره اول متوسطه، همانند کتاب مقطع دکترا کاملا انگلیسی چاپ شده و حتی یک حرف فارسی نیز به چشم نمی‌خورد؟ آیا می‌خواهند بچه‌ها را علم گریز کنند و یا واقعا علم‌آموزی است؟

۰۹۱۳۰۰۰۸۹۰۲/ سلام سه سال است برای خرید سلاح شکاری شاهین، پول واریز کرده‌ایم اما خبری از تحویلش نیست.

۰۹۱۷۰۰۰۸۹۷۷/ رسانه ملی باید با نشان دادن دوران دفاع مقدس و تصاویر شهدا و لحظه شهادت حاج قاسم سلیمانی و شهید حججی مردم را به پای صندوق‌های رأی بکشاند نه این که فقط پیام‌های بازرگانی پخش کند!

۰۹۱۵۰۰۰۸۸۱۲/ چرا شارژ کارت حکمت طبق تورم افزایش نداره، الان یه پنیر ۲۰ تومن شده بعد نفری ۲۸ تومن شارژ میدن!

۰۹۱۷۰۰۰۹۸۳۶ / سیمای شهرها هنوز ظاهر انتخاباتی پیدا نکرده ولی صدا و سیما در این شرایط کرونایی فعال است، بهتر است که صدا و سیما تنها رسانه اصلی تبلیغات نباشد و برای سال‌های بعد به فکر ایجاد رسانه‌های دیگر هم باشیم تا فضای گسترده و متنوع‌تر تبلیغی داشته باشیم.

۰۹۱۸۰۰۰۱۲۷۵/ در استان کرمانشاه، فروشگاه‌های اتکا اجناس قسطی به شاغلین سپاه نمیدن، فقط به نیروی انتظامی و ارتش و وزارت دفاع تعلق می‌گیره، لطفا پیگیری کنید. از کجا بیاریم یک دفعه ۵ تا ۸ میلیون بدیم کولر آبی؟

۰۹۱۸۰۰۰۶۴۳۶/ روشنی چشم و دل مؤمنان است خامنه‌ای/ نائب بر حق صاحب زمان است خامنه‌ای/ وطن سربلند از حادثه‌های روزگار گر شد/ به تدبیر و دعای بی‌امان است خامنه‌ای. جانم فدای سیدعلی.

۰۹۱۲۰۰۰۳۱۲۸/ در رابطه با خدمات بیمه‌ای متمرکز و غیرمتمرکزی که به کارکنان و بازنشستگان سپاه ارائه می‌شود باید خوب اطلاع‌رسانی کنند، چون من از برخی از این خدمات مطلع نبودم مثلا در سرقت و سیل و زلزله می‌توانستم با بالابردن سقف پرداخت خسارت کامل‌تری بگیرم.

۰۹۰۴۰۰۰۲۸۳۸/ هنوز تکلیف ما برای انتخابات مشخص نشده، شخصیت‌های خوبی نامزد شده‌اند، نمی‌دانیم به کدام رأی بدهیم بهتر است، به نظر من اگر خود نامزدها به نفع اصلح کنار بروند برای ما کمی راحت‌تر می‌شود و رئیس‌جمهوری با رأی بالاتر انتخاب خواهد شد. خدارا شکر از هر دو طیف هم در انتخابات هستند و مشارکت هم کم نخواهد بود.

۳۵۳۳۴۵۰۶
۳۵۲۳۲۴۲۲
ارتباط با سردار صفری مشاور امور ایثارگران فرمانده کل سپاه

فراخوان مقاله دوفصلنامه علمی
تربیت پاسدار انقلاب اسلامی
محورهای موضوعی نشریه: مبانی، اصول، اهداف، روش‌ها و ویژگی‌های تربیت دینی از منظر قرآن کریم و روایات. // تاریخ و مبانی نظری انقلاب اسلامی و نقش پاسدار رسالت محور در این زمینه. // تربیت پاسدار تراز انقلاب اسلامی در اندیشه‌های حضرت امام(ره) و مقام معظم رهبری. // ایده پردازی و نوآوری در راستای تربیت پاسدار تراز انقلاب اسلامی. // بررسی شیوه‌های تعلیم و تربیت اسلامی و ارائه الگوی مناسب در این زمینه. // نقش تربیت پاسدار تراز انقلاب اسلامی در تحقق الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت. // تبیین شاخص‌های اخلاق و رفتار فردی در زمینه بینش و منش پاسداری.
۰۲۱-۷۴۱۸۶۵۳۸ | IRG.ihuo.ac.ir | IRG@ihuo.ac.ir

صبح صادق

هفته‌نامه
سیاسی، فرهنگی و اجتماعی
صاحب امتیاز
معاونت سیاسی نمایندگی ولی فقیه در سپاه

مدیرمسئول: یدالله جوانی
سردبیر: علی حیدری

شورای سیاست‌گذاری:
علی قاسمی، سیامک باقری، سعدالله زارعی، فرهاد مهدوی، مهدی سعیدی، فتح‌الله پریشان، محمدرضا مهدیار اسماعیلی، حسین عبداللهی‌فر
دبیر تحریریه: سیدفخرالدین موسوی
مدیر فنی: محمد صالح نادری
صفحه‌آرا: علی اکبر هدایتی
عکاس: حامد گودرزی
ناظر چاپ: سعید قاسمی
چاپ: مرکز چاپ سپاه: ۳۸۵۲۲۴۴۶(۰۲۱)
تلفن: ۱۱۰ و ۷۷۴۶۰۱۰۰ (۰۲۱)
ssweekly.ir
@ssweekly
info@ssweekly.ir
نمابر: ۷۷۴۸۸۴۲۶
سامانه پیامک: ۳۰۰۰۹۹۰۰۳۳

شماره ۱۰۰۲ | دوشنبه ۱۷ خرداد ۱۴۰۰

صبحانه

نیک‌بختی

مال از بهر آسایش عمر است نه عمر از بهر گرد کردن مال. عاقلی را پرسیدند: «نیکبخت کیست و بدبختی چیست؟» گفت: «نیکبخت آن که خورد و کِشت و بدبخت آن که مرد و هِشت.»
دو کس رنج بیهوده بردند و سعی بی‌فایده کردند: یکی آن که اندوخت و نخورد و دیگر آن که آموخت و نکرد. علم از بهر دین پروردن است، نه از بهر دنیا خوردن!

گلستان سعدی، باب هشتم، حکمت یک

صادقانه

نیت و طریقت

امام جعفرصادق(ع) فرمودند: اهل دوزخ از این‌رو در دوزخ جاودان باشند که نیت داشتند اگر در دنیا جاودان باشند، همیشه نافرمانی خدا کنند و اهل بهشت از این‌رو در بهشت جاودان باشند که نیت داشتند اگر در دنیا باقی بمانند همیشه اطاعت خدا کنند. سپس قول خدای تعال را تلاوت فرمود: بگو هرکس طبق طریقه خویش عمل می‌کند و فرمود: یعنی طبق نیت خویش!

اصول کافی، ج ۳، ص ۱۳۵ـ ۱۳۶

تلخند

بای بای بی بی!/ نتانیاهو بعد از چندین سال جنایتکاری و خون‌ریزی، جای خودش را به کودک‌کشی دیگر داد.

کارتونیست: ژولی بسومبس از فرانسه

داستان

لذت

نفیسه محمدی
دبیر گروه جوان

با قیافه به‌هم ریخته‌ای وارد کلاس شد. موهای نامرتبش روی پیشانی پخش شده بود. گفتم: «اینجوری نمی‌شه‌ها، چقدر بگم سر وقت بیایید؟ اولین بارت که نیست با من کلاس داری...» نگاهش نافذ و گیرا بود، با خنده‌ای فلسفی. حرف که می‌زد همه را جذب می‌کرد. حتی اتفاقات بد را طوری تعریف می‌کرد که اکثر دانشجوها از خنده روده‌بر می‌شدند. خودش را می‌زد به لودگی و مسخره‌بازی، اما گاهی از میان حرف‌هایش درس‌های جدیدی می‌شنیدم. معروف بود به دانشجوی هزار ساله، کارشناسی را همین‌جا خوانده بود و حالا هم ارشدش را و همه می‌شناختندش. گفت: «آقای دکتر، شما تا حالا از بی‌ادبی کسی خوشحال شدید؟ از اینکه کسی بهتون فحش بده لذت بردید؟» گفتم: «شروع شد جلال؟ دیر میای، هر بارم با یه قصه، ناچارم این جلسه رو برات غیبت رد کنم، خیلی دیر کردی!» اما بدم نمی‌آمد قصه امروزش را هم بشنوم. حتما سوژه خوبی برای بحث شخصیت‌شناسی کلاس بعدازظهر می‌شد، آن هم کلاس خشک شخصیت‌های دوقطبی.

گفت: «اشکال نداره استاد، من امروز خیلی خوشحالم، چندتا فحش آبدارم نصیبم شده با دو تا چک جانانه، ولی خوشحالم، خیلی خوشحال...!»

بچه‌های ته کلاس پچ‌پچ کردند و خندیدند. روی میز کوبیدم و گفتم: «بگم مسئول آموزشم دو تا پس‌گردنی بزنه سر حال بشی؟ خب بفرما، امروز چی شده؟»

خنده ریزی کرد و آرام گفت: «آقا امروز من خواب موندم، گفتم اگه دیر برسم باز شما... حالا بی‌خیال، سوار ماشین شدم، خوابالو بودم به سمت پل کوچیک رودخونه که پیچیدم، یه موتوری کنارم بود نفهمیدم، محکم خوردم بهش، چشمتون روز بد نبینه، موتورسواره افتاد توی رودخونه زیرپل، به خدا دست و پام کرخت شده بود، گفتم حتماً تمومه دیگه، با ترس و لرز از ماشین پیاده شدم، از نرده‌های کنار پل، پایین رو نگاه کردم، هرچی دقت کردم نفهمیدم کجا افتاده، داشتم از ترس می‌مردم، همینم مونده بود قاتل بشم، اونم پیک موتوری... دیگه داشت اشکم درمی‌اومد، یهو یه نفر زد پس گردنم تا اومدم به خودم بیام دوتام زد تو گوشم، خیس خیس بود، نمی‌دونم چطور خودشو رسونده بود بالای پل، لابد می‌خواسته تا در نرفتم خسارت بگیره، گفت مگه کوری؟ کی به تو گواهینامه داده، مثل بز اخفش... باورتون نمیشه اینقدر خوشحال بودم که نگو، هرچی بیشتر فحش می‌داد بیشتر خوشحال می‌شدم، آخه مطمئن می‌شدم که چیزیش نشده، همه دویست تومنی که دیروز کار کرده بودم دادم بهش... تا حالا از بی‌ادبی هیچ‌کس اینقدر خوشحال نشده بودم.»

بدون اینکه کسی متوجه بشود، کلمه غیبت را از جلوی اسمش برداشتم، امروز جلال درس خوبی به ما داده بود، اینکه گاهی فارغ از ضربه‌های دردآور وتلخ روزگار باید از زندگی و نعمت زنده بودن لذت برد.

قبیله عشق

ما اهل کوفه نیستیم

چند ماه قبل از وقایع ۱۵ خرداد، دایی مادرمان به خاطر تبلیغ انقلاب دستگیر شده بود. مادرم خیلی ناراحت بود، در خانه نشسته بود و خیلی بی‌تابی و گریه می‌کرد. وقتی امیر به خانه آمد و این وضع را دید گفت: «مادر جان چرا گریه می‌کنی؟» مادر گفت: «دایی را دستگیر کرده‌اند و به خاطر آن گریه می‌کنم.»
امیر گفت: «مادرجان، اینکه گریه کردن ندارد. ای کاش در راه اسلام تیری به قلبم بخورد و به شهادت برسم و با انگشت قلبش را اشاره کرد.»
روز ۱۵ خرداد وقتی جمعیت زیاد شد، به او گفتم اگر از اینجا برگردیم چه می‌شود؟ امیر گفت: «کوفی‌ها برگشتند، ما اهل کوفه نیستیم که برگردیم.»
بعد از شهادتش روز ۱۵ خرداد نزدیک پل باقرآباد همراهش بودم، وقتی بالای سر پیکرش رسیدم، گلوله به همان جا که با انگشت اشاره می‌کرد، یعنی به قلبش اصابت کرده بود.

به نقل از برادر شهید

امیر (هوشنگ) معصومشاهی در سال ۱۳۱۴ در خانواده‌ای متدین در ورامین دیده به جهان گشود. او کنار پدر بزرگوارش حاج عباس در نانوایی همراه برادران به پدر کمک می‌کرد و در رسیدگی به محرومان و مستضعفان فعالیت زیادی داشت.
او در ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ با سینه‌ای مالامال از عشق به مقتدای خویش خمینی کبیر(ره) در باقرآباد جلوی جمعیت با اصابت گلوله به قلب مبارکش به شهادت رسید. پیکر خونین آن شهید بزرگوار به دست رژیم ستمشاهی به مسگرآباد منتقل و همراه دیگر شهدا غریبانه به خاک سپرده شد.

کتیبه سبز

وداع حضرت خورشید

بیا و زمزمه کن خاطرات باران را
میان دفتر دل، شعر ناب ایمان را
دوباره چشم غزل زخم خورده صدا فسوس!
گلاب دیده عیان کرده، بغض پنهان را
ستارگان به تماشا نشسته‌اند، آری!
وداع حضرت خورشید و ماه تابان را
چه روی داده که هر سو ستاره می‌گرید!
به چشم‌تر بنگر، وسعتی گل افشان را
چه زود وقت خداحافظی سر آمده بود
به دست خاک سپردند، جان جانان را
هنوز در گذر ماه و سال می‌شنویم
حدیث درد زمین در گذار توفان را
تجسم غزل عاشقی، «خمینی» بود
چه عاشقانه سرود انقلاب انسان را!
میان موج بلاخیز فتنه، احیا کرد
شکوه خیبری ساحل جماران را

محمدمهدی عبداللهی

بنای تازه

بگو که حاکم این شهر نابلد بوده
و با تمامی خوبانِ شهر، بد بوده
بگو که حاکم بد هرچه بود غارت کرد
و با تمول این مردمان تجارت کرد
تمامِ ثروتِ ما را به این و آن بخشید
و شهر را به ابر قدرتِ جهان بخشید
کجا شنیده‌ای عکسِ سیاه و قابِ سپید
به ذوق می‌زند این اسم «انقلابِ سپید»
بگو بگو که جهان جای زورگویی نیست
که پیشِ صبح مجالِ سیاه‌رویی نیست
بگو به ابر هه دارد سپاه می‌آید
سپاهِ حضرت باری ز راه می‌آید
بگو سپاهِ خداوند می‌رسد از راه
طلایه دارِ سپاهست امام روح‌الله
قیام خلق در آن روز سخت خونین بود
قیامِ سخت و برای حفاظت از دین بود
قیام شد که دگر نیزه تا سری نرسد
و دستِ هیچ ستمگر به معجری نرسد
قیامِ پانزدهم بابِ تازه‌ای وا کرد
و نیز حاکمِ بد را عجیب رسوا کرد
همان مقاومتِ سختِ پانزده خرداد
بنای تازه یک انقلابِ تازه نهاد
قیامِ پانزدهم اعتبارِ خوش‌نامی است
و شکلِ دیگری از انقلابِ اسلامی است.

احمد شهریار شاعر پاکستانی

راه نرفته

رفتار مؤدبانه

صدیقه‌سادات شجاعی
مشاور خانواده

پرسش: خانواده همسرم ادب را در کلام رعایت نمی‌کنند و از تأثیر آن روی فرزندانم نگرانم؛ چطور با آنها رفتار کنم؟

پاسخ: پرسشگر عزیز! انسان، خواه و ناخواه با اطرافیانی که ادب را رعایت نمی‌کنند، برخورد دارد و مطمئناً وقتی پای تربیت فرزندان به میان است، باید دقت نظر بیشتری درباره رفت وآمدها و ارتباطات‌مان داشته باشیم. خانواده همسر جزئی از خانواده خودتان است و بهتر است با تکنیک‌هایی هم احترام متقابل را نگه دارید و هم مسئله مهم تربیت فرزند را به بهترین نحو مدیریت کنید. ۱ـ حد و حدود را تعیین کنید؛ ۲ـ از درگیری کلامی بپرهیزید؛ جواب بی‌ادبی در کلام را با مهربانی بدهید؛ این قدرت شما را نشان می‌دهد؛ ۳ـ در بحث و گفت‌وگوهای‌تان در مقابل کلمات، معادل مؤدبانه به کار ببرید؛ ۴ـ اگر مایل هستید انتقاد یا پیشنهادی به خانواده داشته باشید، هیچ‌گاه با خشم و عصبانیت مطرح نکنید؛ ۵ـ مقابل کلام ناشایست، از واکنش بی‌اندازه جلوگیری کنید؛ ۶ـ در صحبت‌ها و کلام خود شوخ طبعی داشته باشید؛ ۷ـ روابط خود را با خانواده مدیریت کنید و در صورت امکان به خاطر حفظ موضوع تربیت فرزندان می‌توانید روابط را کمرنگ کنید؛ ۸ـ تفاوت‌های فرهنگی‌تان را بشناسید و آن را برای فرزندان‌تان توضیح دهید؛ ۹ـ با در نظر گرفتن اولویت‌های همسرتان، در بیشتر مواقع از او برای رفع بی‌ادبی در کلام خانواده کمک بگیرید؛ ۱۰ـ از ماندن طولانی مدت و خواب شبانه فرزندان در منزل اقوام جلوگیری کنید(با توجه به اینکه هیچگاه علت موضوع را فرزندان متوجه نشوند تا وقتی که به سنی از بلوغ فکری برسند و بتوانند بین کلام خوب و بد تفکیک قائل بشوند).

سلامت

آمادگی برای واکسیناسیون

زهرا وحیدی نیا
کارشناس علوم تغذیه

به طور کلی برای تزریق واکسن به رژیم غذایی خاصی نیاز ندارید، اما لازم است با موادی که پیش و پس از واکسیناسیون بهتر است مصرف کرده یا از آن اجتناب کنید، آشنا شوید تا بتوانید علایم و عوارض احتمالی ناشی از واکسیناسیون را به حداقل رسانده و سیستم ایمنی خود را تقویت کنید. شب قبل از واکسیناسیون خواب خوب و راحتی داشته باشید. خواب کافی، نقش مهمی در آماده‌سازی سیستم ایمنی بدن دارد. مصرف میوه‌ها، سبزیجات، ماهی‌های چرب، آجیل، مغز دانه‌ها و زردچوبه که خاصیت ضد التهابی دارند، پس از تزریق واکسن می‌تواند کمک‌کننده باشد؛ برای نمونه ماهی نوعی غذای ضد التهاب به شمار می‌آید. ماهی آزاد، خال مخالی، ساردین و شاه ماهی و روغن ماهی بیشترین امگا۳ را به عنوان عامل ضد التهابی دارند. آجیل، بادام، گردو و روغن زیتون فرابکر نیز از مواد غذایی ضدالتهاب هستند که مصرف‌شان پاسخ ایمنی به واکسیناسیون را تقویت می‌کند. مصرف مایعات کافی پیش و پس از تزریق واکسن کووید بسیار مهم است. افرادی که به بیماری‌های قلبی و عروقی، فشار خون بالا یا بیماری‌های ریوی مبتلا هستند، در خصوص میزان مصرف مایعات باید با پزشک خود مشورت کنند. همچنین در صورت ایجاد تب پس از واکسیناسیون، توصیه می‌شود مایعات به میزان فراوان نوشیده شود. شب قبل از تزریق واکسن از مصرف غذاهای فرآوری شده، مانند فست‌فود، غذاهای سرخ شده و غذاهای کنسروی که معمولا در بدن التهاب ایجاد می‌کنند، اجتناب کنید.

حسن ختام

از ایمان تا سعادت

حسن نوروزی
نویسنده

از دل ایمان تا باطن کفر، خطی است به روشنی وجدان. از دل واژه تا باطن معنا، خطی است به روشنی عرفان. از دل عالم تا باطن شناخت، خطی است به روشنی معرفت. از دل من تا باطن انتظار خطی است به روشنی شما.
آقاجان، خدا را شکر که در پس تمام فکرها و ناگفته‌های بی‌وطنم، وطنی دارم به سبزی و طراوت ردپای شما، سکوتی دارم به شگفتی آخرین برگ پاییزی، انتظاری دارم به قدر مهربانی مادری که سالیان سال به هوای دیدار دوباره فرزند مفقود شهیدش کوچه را آب و جارو کرده است.
مولای من، من در پس همه خیالات عاشقی زیسته‌ام، محبت را به آغوش کشیده‌ام، دلتنگی را متن زده‌ام، فراق را اشک شده‌ام، غریبی را سلام داده‌ام، انتظار را چشم شده‌ام، تا ببایی.
بیایی و ما را بخوانی. مایی که راه را یافته‌ایم. راهی که در آن مرد سعید، با ذره‌ذره وجودش، درشت نوشت: «به خدا سوگند! اگر مرا بکشید و خونم را بر زمین بریزید، در هر قطره خونم، نام مقدس خمینی را خواهید یافت.»

همکار گرامی سرکار خانم ترابی

مصیبت فقدان والده گرامی‌تان را به شما و خانواده محترم‌تان تسلیت عرض کرده و برای شما صبر و شکیبایی و برای آن مرحومه غفران الهی مسئلت می‌کنیم.